

UNIVERSAL
LIBRARY

OU_228665

UNIVERSAL
LIBRARY

تعلیم و تربیت اطفال در مدارس

دنباله رساله تربیت اطفال در خانواده

تألیف

رسول « نخشی »

طهران خرداد ماه ۱۳۰۷ شمسی

از نشریات مؤسسه خاؤ

چاپخانه خاور تهران لاله‌زار

در مدارس

اینک اطفال ما با رعایت اصول تربیت خانواده که در پساله اول این رشته بیان شده حاضر و آماده رفتن بمدرسه هستند باید دید کدام مدرسه ؟ اصول تعلیم و تربیت در این مدرسه چیست ؟ آیا وسائل حفظ الصحه در آن جمع است ؟ کتب ابتدائی آن از روی يك قاعده صحیح است ؟ معلمین آن دارای معلومات معلمی هستند ؟ یا نه ؟ اگر این اسباب فراهم است زهی سعادت و اسباب امید واری است اگر نیست چرا نیست آیا ممکن است فراهم کرد ؟ اگر امکان دارد آیا باید کوشید یا باید بطبیعت وا گذاشت که خود بخود فراهم گردد ؟

در قدم اول راه مدرسه بالطبع این سؤالات برای پدر و مادری که میخواهند اطفال آنها از روی اصول صحیح تعلیم و تربیت را فراگیرند پیش خواهد آمد . اگر تعلیم و تربیت اطفال از روی اصول صحیح مرتب و منظم نیست امروز بر آن مملکت زار باید گریست .

قبل از اینکه این طفل ذکی و باهوش کنجکاو ما داخل مدرسه شود بهتر است يك تحقیقات جزئی هم از اوضاع و احوال مدرسه بشود شاید نواقصی در آن وجود نداشته باشد .

در اینجا هیچ مقصودی ندارم و هیچ مدرسه بخصوص هم در نظر نیست بلکه میخواهم بطور کلی از حالت حاضر مدارس ایران صحبت بدارم گمان میکنم و شاید هم قریب بیقین باشد که در ایران امروز بنائی نیست که مخصوص مدرسه ساخته شده باشد و در آن حفظ الصحه اطاق ها و فضای آن و مکان های

مخصوص تدریس و بازی و ورزش برای اطفال خوزدسال از روی دقت رعایت شده باشد غالب بلکه تمام اینها خانه هائی است که شاید سی چهل سال قبل با سلیقه وقت ساخته شده و نظر به ارزانی یا علل دیگر آنها را برای مدرسه اجاره نموده و در آنها بیش از گنجایش مکان اطفال معصوم و بیگناه را جاداده اند و قتیکه انسان داخل يك چنین بناها میشود از رنگ و روی زرد و پریده و بی خون اطفال بدی و کثافت فضای آن محوطه محصور را حس میکنند و اگر درب یکی از اطاقهای درس را باز نموده و سری داخل اطاق کنند يك بوی زننده مشمئزی به مشامش میرسد که پناه بر خدا - این اطفال معصوم در چنین اطاقهای کثیف و کم فضا دارند تعلیم میگیرند.

اگر بخواهیم زینت و ائاثیه اطاق درس را تماشا کنیم آنهم يك درد بی درمانی خواهد شد در چنین اطاقی که قریب بیست طفل مشغول درس هستند زینت اطاق فقط عبارت از يك تخته سیاه کثیف چرك و بی رنگ مندرس است که انسان ابدأ مایل نیست دست به آن بزند و این تخته سیاه برای حل مسائل حساب یا نوشتن کلمات و عبارات است - نیمکت هائی که اطفال روی آن نشسته اند يك نوع تخته های کج و چوله است که اعضاء لطیف اطفال معصوم را از نمو و رشد طبیعی باز میدارند.

این اطفال در چنین اطاقی با يك همچو ائاثیه در مقابل يك شیخ یا يك آخوند که فشار زندگی قدش را کمان و اندوه زمانه موی سر و صورت را سفید و فکر تهیه وسایل معیشت خانواده حواسش را پریشان نموده - این اطفال با رنگ های زرد

از تشدد معلم مغموم، از اثر هوای اطاق کسل و خواب الود چشمهای لطیف طفلانه خود را نیم باز و بدون حرکت بروی معلم دوخته درس شرعیات را از کتاب خلاصه الاحکام تألیف آقای حجت گوش میکنند و بصفحه ۹۴ و ۹۵ رسیده اند و معلم عبارات این صفحه را برای آنها شرح میدهد (۱)

این يك نمونه از اطاق درس و طریق تدریس اطفال معصوم است که تعلیم و تربیت آنها را خداوند متعال در ید قدرت ما گذاشته رشد و نمو و ترقی جسمی و روحی آنها را بما سپرده است و وسایلی که برای این مقصود ما تهیه نمودهایم از این قبیل است که در فوق اشاره شد .

اما کتب درس قبل از دوره تجدد تکلیف عارف و عامی معلوم بود مکاتب معین و کتب معلوم که طریق اصول تعلیم و تربیت هزار سال قبل باشد برای همه کس روشن بود و میدانست که اول دفتر بنام خداوند جهان آفرین بسم الله الرحمن الرحیم هو الفتح العظیم همان عمه جزو معروف است که هر مبتدی باید شروع کند و بخواند و بعد کلام الله مجید بعد کلمات ترسل و نصاب - صرف میر الی آخر و اگر تا چهل پنجاه سال هم میخواست ماشاء الله دنباله علم دراز و میدان آن وسیع بود

(۱) تنها این کتاب نیست کتب دیگر نیز یافت میشوند که دارای این گونه الفاظ هستند مانند کتاب شرعیات نبوی تألیف سید جلال الدین طهرانی ص ۷۴ که اگر وزارت معارف دقت کند یقیناً از نوشتن این الفاظ جلوگیری خواهد نمود بنظر من درج این نوع کلمات در کتب تدریسی آنها برای شاگردان ابتدائی صلاح نباشد البته دانستن اینها واجب میشود ولی نه بر اطفال معصوم بلکه برای شاگردان مدارس متوسطه و بالاتر .

و معطلی نداشت و دستور معین مخصوص برای تمام طبقات تهیه و آماده شده بود .

ولی حال اینطور نیست دوره تجدید شروع گردیده آن بساط هزار ساله بنام تجدید بر چیده شد و بجای آن بساط نوین گسترده بچه مچها حروف لاتین را بجای زبان فرانسه یا روسی یا انگلیسی در کوچه و بازار شروع بحرف زدن نمودند باینطریق بنای فضل فروشی دروغی را گذاشته و جامعه بی اطلاع و بی سواد را گول زدند خود را جامع علوم و فضایل که هیچ بهره از آن نداشتند نشان دادند و پیش آمد و حوادث دیگر که نتیجه دسایس خارجی بود و ضعف دولت نیز جزو آنها محسوب میشود انقلاب مصنوعی را سبب شدند در این تیر و دار اصول تعلیم و تربیت قدیم بکلی متروک شد و بجای آنها يك اصول صحیحی گذاشته نشد هرچ و مرج غریبی در ترتیب تعلیم و تربیت حکمفرما گردید که هنوز هم دنباله آن باقی است و در این بین کتب درس بسیار که فقط منافع باعث پیدایش آنها گردیده است بوجود آمد که برای تعلیم و تربیت توده ایرانی که تشنه تحصیل است کافی نیست و هیچ دردی هم از دردهای آنها دوا نمیکند

ممکن است نگارنده در اینجا مورد حمله متجددین یا نفرین خودمانیها بشود ولی برای توضیح مطالب فوق ناچارم بحاشیه بروم و قدری مقصود خود را روشن تر بیان کنم .
تعیین طرق تعلیم و تربیت يك ملتی کار بسیار مشکلی است بخصوص که آن ملت هم يك ملت شرقی باشد مانند ملت

ایران . مات ایران در قرنهای گذشته بعد از اسلام از روی يك اصل معینى تربیت میشد و آن عبارت بود از اصول دیانت و علم عبارت بود از فقه و اصول و مجموع اخبار و احادیث و علوم عقلی و نقلی بعبارت دیگر برای ایرانی دوپیشه معین بیش نبود یا باید دلا و آخوند روحانی شود یا اینکه در سالك نظامیان و جزو عمال دولتی گردد پيشه اولی مستحسن و شغل بعدی تا اندازه مكرره بود آنهم پيش علماء و باین ترتیب ایرانی قرنهای امرار حیات نموده علاقه آن نقطه باسلام و میل آن فقط برای تحصیل علوم دینی بوده و بس و از تغییرات زمان و علوم و صنایع دیگر که دنیائی غیر از دنیای شرقی را دگرگون کرده بود بکلی برکنار و خود را در آغوش آنها گاملا محفوظ داشته بود ولی تمدن غربی آنها را راحت نگذاشت و خواهی نخواهی از صداهای غریب و ولولۀ اختراعات محیرالعقول صنعت و اختراع و افکار و علوم بخود آمده چشمهای خود را باز نموده شروع کرد به خیره خیره نگاه کردن بدون اینکه حرکتی و جنبشی و تکانی بخود بدهد اینحالت نیز دوام نکرد صداهای رعد آسای توپهای وحشت انگیز دشمن از شمال و جنوب بطرف یکچنین ملتی وامانده از ترقی بشری غربی آغاز کرد از طرف شمال تا پشت دروازه طهران رسید و از جنوب بنادر خلیج فارس و محمره را اشغال نمودند اینها تازیاندهائی است که هر خفته را بیدار میکنند ولی در خوابهای سنگین شرقی مؤثر نیست با وجود ایجاد اصول مشروطیت و گذشتن سالها از عمر آن هیچ جنبش محسوسی احساس نکردند فقط امیدواری بعصر فرخنده

پهلوی است که يك جنبشهای ملی برای ترقی و سعادت و تهیه
وسایل تعلیم و تربیت بطرز نوی انتظار می‌رود .

آنروزیکه روزنامه ناهید نوشت « شاه درطوبله » من
آرزومند بودم يك روزی هم بشنوم و ببینم که همین روزنامه
این عنوان را هم بنویسد (شاه در مدرسه) (۱) — باری از
مطلب دور نرویم ایرانی درقرنهای گذشته بواسطه علاقه مفرطی
که بمذهب داشت جنبه‌های دیگر صفات پسندیده را متروک کرد
موضوع ایرانی بودن فراموش شد کلمه مسلم را کافی میدانست
حب اما کن متبر که رکن مهم ایمان او را که عبارت از محبت
و علاقه بوطن است فلج کرد عرب بیشتر مورد عنایت و ترجم
گردید تا ایرانی حتی عزاب آن نیز از بند و بخشش های
فراوان ما محروم نماندند (۲)

وقتی که احوال بدین منوال باشد آن زنجیر های غیر

(۱) اعلیحضرت شاهنشاه پهلوی علاقه مخصوص راجع بتعلیم و تربیت ملی
دارند نمونه آن ایجاد مدرسه نظامی است که انسان مفتون طرز تعلیم و تربیت
و ترقی آنها است چندمؤثر می بود اگر عواطف ملوکانه شامل حال سایر
مدارس نیز میگردید فقط در سایه توجه شاهانه است که اوضاع مدارس بطرز
نیکی مبدل شود و کتاب دروس مخصوص که مناسب اریحیه ملی ایرانی باشد
وزارت متعارف تهیه کند .

(۲) من مکرر فکر کرده‌ام که این موضوع را يك وقتی در جراید طرح
کنم آیا خرابی عرب و مضار آن در ایران بیش بود یا اثرات فتنه مغول —
اطلاعات من در این موضوع محدود است و مايلم قسری زیاد شود تا بتوانم
طرح کنم تا حدی که اطلاع دارم اقرار میکنم که ناقص است در صفات غیر
پسندیده بهره عرب کمتر از سهم مغول نبوده و اعتبار عرب فقط بوجود ریتمبر
اکرم و ائمه اطهار است اگر اینهارا هم نداشتند هیچ قومی در وحشیگری
بیای آنها نمی رسید .

مرئی که اسباب و وسایل ارتباط و وحدت يك ملت است از بین می‌رود صفات نيك و پسندیده زعماء قوم و پیشروان ملت و پهلوانان و خدمتگزاران و خادمان حقیقی آن فراموش می‌شود روح وطن پرستی و ملت دوستی علاقه به آثار و یادکار های تاریخی ملی معدوم می‌شود این است که چراغ حیات سیاسی و اجتماعی آن در مقابل کوچکترین باد حوادث خاموش می‌گردد حس سیادت و حکمرانی و روح استقلال طلبی صفات حمیده شجاعت و رشادت و پهلوانی محو می‌شود يك عده مفلوک پریشان بی علم و بی سواد بی اطلاع و بی خبر از گذشته درخشان ملت و وطن خود که فاقد استقلال سیاسی و مالی و اقتصادی خلاصه گرفتار انواع و اقسام محن و مصائب ارضی و سماوی است بنام ملت باستانی برای نمونه باقی میمانند.

بعقیده علماء اجتماع هیچ ملتی فنا پذیر نیست و میتوان هزاران شاهد و دلیل آورد که بسا ملل روی زمین که یکوقتی عروس زیبای ترقی و سعادت را در اغوش داشتند و اسباب حقد و حسد همسایگان دور و نزدیک بودند بواسطه عللی که ایراد آنها در اینمورد ما را از مقصود دور میکند بسافل ترین حد تنزل رسیده باز بوسیله اسباب و وسایل معین و مخصوص که در پیش هر خواننده تاریخ روشن است باوج عزت و ترقی رسیده مقام اولی خود را احراز نموده اند مخصوصاً تاریخ دو هزار و پانصد ساله ما شواهد بسیار دارد که بواسطه جلوگیری از طول کلام از ذکر آنها صرف نظر میکنیم فقط يك قانون کلی را در اینجا بدست میدهم که سایر قسمت‌ها را از روی ان قیاس کنید

وقتی که یکسلسله از پادشاهان از بین رفت و سلسله تازه روی کار آمد بواسطه هوش و ذکاوت و مال اندیشی و شجاعت و رشادت پادشاهان اول و دوم شاید سوم و چهارم آن سلسله تازه يك رونق و جنبشی در میان آن ملت پیدا میشود مخصوصاً در شرق که سکنه آن فوق العاده (۱) شاه پرست صمیمی و مطیع هستند صفات نیک و پسندیده و خصال حمیده این نوع سلاطین در ملت مؤثر میشود بحکم طبیعت از شاه خود تقلید خواهند نمود و صفات و خصال پادشاه تأثیری عمیق در ملت خواهد کرد ولی همینکه وجود این قبیل سلاطین بمرور که آنها يك قانون آهنین مخصوص را داراست و جای گفتار آن نیز در اینجا نیست ازین رفت پادشاهان دیگر ضعیف - النفس نالایق و بی اراده لاابالی صاحب تخت و تاج شدند بجای آن صفات و خصال نیک و صفات ناپسندیده را اختیار کردند ملت نیز بحکم اجبار آن صفات و خصائل ممدوحه پادشاهان گذشته را فراموش کرده با اخلاق این نوع سلاطین عادت و خو خواهند گرفت چنانکه معروف است الناس علی دین ملوکهم .

در شرق و آسیا که سهل است در اروپا و نقاط دیگر نیز عادت بر این جاری بوده و سیر نمو و رشد و تاریخ بشر همین رانسان میدهد منتهی در سایر نقاط مخصوصاً در اروپا قریبها است بمفاسد آن پی برده و چاره را فهمیده اند و حال سعی میکنند که نظایر پیدا نکند ولی این احوال هنوز هم که هست در ممالک

(۱) چه فرمان یزدان چه فرمان شاه - ایضاً - اگر خود روز را گوید

شب است این - بیاید گفت اینك ماه و پروین

شرقی جاری است (۱)

تا اندازه روشن شد که ترقی و تنزل يك ملت تا حدی مربوط به چیست ترقی بدون اسباب ممکن نیست تنزل نیز بدون علل معین قابل امکان نمیشود ملل نیز در تحت تأثیرات این عوامل ترقی و تنزل مینمایند .

اینک ما میخواهیم ایرانی را با صفات نیک و پسندیده و آداب و عادات و خصائل ممدوحه علماء و ادباء و پیشروان و خدمتگذاران گذشته او تعلیم و تربیت کنیم و او را با آن صفات و اخلاق مخصوص ایرانی که در هر جا و مکان بواسطه آن صفات و خصائل او را بشناسند و از آداب و اخلاق و شئون ملی او را تمیز بدهند که ایرانی است پرورش دهیم و تا این اصول در کتب دروس او داخل نشوند گرفتن يك چنین نتیجه غیر ممکن است .

باز ساده تر و روشن تر عرض میکنم تا يك ملتی روی اریحیه ملی مخصوص آداب محیط رسوم و شئون اخبار و احادیث افسانه و قصه های ادوار پهلوانی و تاریخی و در عادات و رفتار و گفتار و کردار نیک و پسندیده و ممدوحه بزرگان و پیشروان و علماء و فلاسفه سلاطین و وزراء و جان بازان در راه ملت و

(۱) مخصوصاً خواننده را بکتاب ذیل که در سال ۱۹۲۶ در لندن چاپ شده آشنا میکنم این کتاب عتاید و افکار علماء سیاست را از زمان افلاطون تا امروز شرح داده بنظر نگارنده یکی از کتب مفیدی است که علاقه مندان به ترقی آتیه ایران آنرا باید ترجمه نموده در دسترس عمومی بگذارند :

the History of Political science
From Plato to the Present By Robert
H. murray. Soudon

مملکت تعلیم نشوند تربیت نشوند عالم نشوند بصیر نشوند بزرگ نشوند علاقه مند نشوند غیر ممکن است که بترقی و سعادت - درام و بقای آن ملت بطور آزاد و مستقل و با فکر سیاسی و اجتماعی مخصوص بخود بملت خود و وطن خود امیدوار و مطمئن باشند (۱) مقصود من این نوع کتب تدریسی است اگر هست و بوجود آمده و در مدارس تدریس میشود نشان بدهید و بگوئید کدامها هستند کی نوشته و چه نوشته آن علماء و آن فضلا آن بزرگان و آن سلاطین عادل با نام و نشان ملی چه کسانی هستند و سوانح برجسته دوره زندگانی آن در کدام يك از این کتابها مندرج است؟ چه کسانی آنها را تمیز داده اند و جمع کرده اند و آنها را برای اطفال تهیه نموده اند؟ اگر تمام اینها انجام شده زهی سعادت نه تنها من بلکه تمام علاقه مندان بترقی درخشان آتیه ملت ایران باید از شوق و ذوق سر افتخار به آسمان سائید.

شما بروید کتب ابتدائی يك ملت زنده را بر دارید و مطالعه کنید خواهید دید در این کتابها که برای اطفال هفت هشت ده ساله تهیه شده چه چیزها گنجانده اند آداب و اخلاق ملی عادات رسوم و شئون پسندیده که در میان آن ملت جاری است

(۱) من از تشخیص فریاد های مبشرین صلح در میان بشر عاجزم تصور میکنم این صداها از حلقوم شیاطین و گمراه کنندگان انسان بیرون میاید این سرو صداها در میان مللی زیاد است که بیشتر اسباب جنگ و جدال را بین ممالک فراهم میاورند من موقع دیگر خواهم داشت که در این باب بیشتر صحبت کنم حال بهمین اندازه قناعت میکنم که ایرانی باید روی اریحیه ملی مخصوص بخود تربیت شود و هم روی علم و اطلاع و اختراع و صنعت دنیای مرفعی تعلیم شود

گفتار مختصر و مفید بزرگان و علماء آن ملت وظیفه را به آنها برای وطن و ملت انجام داده اند قربانی هائی که این قبیل اشخاص در راه وطن داده اند و جانفشانی هائیکه این اشخاص برای ترقی و سعادت ملت نموده اند، قسمت‌های وطنشان که از دست آنها رفته است و علت آن و شکست هائیکه از ملل در جنگها بر آنها وارد آمده فتوحاتی که نصیبشان شده نویسنده‌های معروف آنها در رشته‌های مختلف شعراء آنها سیاسیون آنها سهو و خطاهای آنها فتح و مظفریتهای آنها و هزاران مطالب و موضوع‌های دیگر که راجع بتاریخ ملت و وطن آنها است.

وقتی که طفل دروس مقدماتی را تمام میکند سیاست - بدوست و دشمن - تاریخ - ادبیات - عادات - رسوم و شئون خلاصه تمام رشته‌های سیاسی و اجتماعی و خیر و شر و صلاح و مضار ملت و وطن خود مطلع میشود حال شما در مدارس خودتان چنین کتبی را دارید اگر دارید چه بهتر و اگر ندارید خجالت نیست؟

اگر ملت‌پرست می‌خواهید تربیت کنید و انرا بوطن و ملت و آداب و رسوم و تاریخ و اخبار و احادیث و سنن و مذهب و آنچه راجع بوطن و ملت است آشنا کنید و انرا شیفته و مقتون و علاقه مند و فدا کار و جانباز نسبت بتمام شئون ملی بکنید باید بوسیله اینگونه کتب در مدارس تعلیم دهید اما کسی و چه کسانی تعلیم بدهند این نیز يك موضوع جدا گانه است - برویم سر اینموضوع.

از هر نقطه نظر بگیریید اهمیت معلم در تعلیم و تدریس بیش از تمام اسباب تعلیم و تربیت است فقط در سایه معلمین ماهر با اطلاع و با اخلاق و علاقه مند است که اطفال يك مملکت برای مبارزه حیات آماده میشوند.

گویا در این مملکت يك قانون کلی است که اصلا ابداء و مقیاس وجود نداشته باشد این يك بلائی است که در این مملکت از سالیان دراز پیدا شده و هر کس هر ادعائی میکند کسی در مقابل نیست که با او معارضه نماید هر علم و هر دانش و هر معجزه را در باره خود قائل میشود و مدعی انجام آن نیز میگردد ولی در عمل هیچوقت دیده نشده از قوه بفعل آورد زیرا کسی پیدا نشده تمیز بدهد این شخص چه میگوید و چه میداند و چه میتواند بکند و از اینجا است که عمر ملل شرقی با حرف شروع شده با حرف هم خاتمه پیدا میکنند و در عمل در همان نقطه هیچ یا صفر که بوده هست و خواهد بود چه میشود کرد؟

بیش از این قسمت ندارند در هر مملکتی برای هر کاری و هر شغلی يك مقیاس وجود دارد مدعیان آن شغل و عمل را با آن مقیاس اندازه میگیرند اگر بان مقیاس در آمد که مطلوب حاصل است و اگر عکس آن مشاهده شد دیگر يك چنین مدعی جرئت ادعای بیجا نخواهد نمود.

يك خیاط باید فن خیاطی را بداند تا اینکه ادعا کند يك ساعت ساز و يك کفاش و هزاران استادان رشته های دیگر کسب و صنعت باید معلومات رشته خود را بدانند و دارا باشند تا اینکه بتوانند امرار معاش نمایند و برای تمام اینها مقیاسهای

مخصوصی وجود دارد و فرق نمیکنند در مملکت های مترقی غیر از ممالک شرق بدون مقیاس معین هر شغل کسی را مصدر کار نمیکنند باید در آن رشته و فن و شغل بخصوص مهارت داشته باشد و عملاً امتحان داده باشد و الا غیر ممکن است که کسی با علوم و فنون مادرزادی مصدر امور مهمه و غیر مهمه گردد. در ایران چون هیچوقت مقیاسی در کار نبوده هر کس هر ادعائی نموده و مصدر هر کاری شده است کسی متعرض او نشده و از اعمال خوب یا بد او کسی انتقاد نکرده است فرض کنید فردا در ایران مقیاس برای هر صاحب امری بر قرار شود مثلاً برای وکالت مجلس قائل شوند که فقط تاریخ مملکت ایران با شمردن علل انحطاط آن وکیل امتحان داده و مطابق این موضوع رأی آخری را در صلاحیت آن وکیل بگیرند و اجازه ورود بمجلس بدهند که دو سال مقدرات يك ملت و مملکتی چنین را عهده دار شود مشروط بر اینکه ممتحنین فلسفه حافظ شیرازی را (۱) پیروی نکنند آنوقت خواهید دید ده يك وکلای مجلس از دادن این امتحان عاجز بلکه هیچ حاضر نخواهند بود که داوطلب يك چنین وکالتی بشوند.

در ممالکیکه آب و هوا و حکومت مذهب آسیا در آنها دخالت نداشته ممکن نیست یکنفر وزیر بمقام وزارت يك وزارتخانه برسد که تاریخ - ادبیات و آداب و شئون و علل تنزل و اسباب ترقی و منابع ثروت و اصول اساسی اقتصاد وطن خود را تحصیل کرده باشد و مخصوصاً از سیاست دیگران نسبت بوطن خویش و

(۱) با دوستان مروت با دشمنان مدارا

سیاست و طنش نسبت بممالک همجوار و دول دور و نزدیک بخصوص از سیاست سیصد ساله اخیر دنیای امروز که اثرات همان سیاست سیصد ساله گذشته اروپاست که ملل متمدن دنیا را مانند گرگهای گرسنه بجان یکدیگر انداخته است .

ملاحظه میکنید اگر يك چنین مقیاسهائی در این مملکت پیدا شود و اشخاص از روی لیاقت و استعداد شغل های مهم ملی و دولتی را عهده دار شوند نود و پنج در صد معایب موجوده این مملکت از میان خواهد رفت .

معلم نیز از همین قبیل است برای آن نیز باید مقیاس قائل شد و داو طلبان این فن شریف را با آن مقیاس اندازه گرفت اگر باندازه درآمد چه بهتر ایران بهشت است و اگر کوتاه شد آنوقت باید فکر اساسی کرد زیرا فرصت ندارید بامید تریبیت معلم هم بنشینید از میان ملت ایران بمرور زمان شاید يك قرن دیگر این قبیل معلمین رشد و نمو کرده بعرضه وجود آیند و يك نقص مهم و بزرگ اصول تعلیم و تربیت ملت ایران را اصلاح کنند . من در جای دیگر علل انحطاط و اسباب ترقی ایرانی را مفصلاً شرح خواهم داد اینك در اینجا از نگارش این داستان غم انگیز که فوق العاده در خاطر من حزن آور است صرف نظر میکنم فقط مایلم يك اشاره مختصری بمقصود خود بکنم و ان این است .

وقتی که انسان یعنی يك ایرانی مقتون وطن و ملت خویش بتاریخ - ادبیات و اخبار و احادیث قواعد و سنن مذهبی اخلاقی و فلسفی که من حیث المجموع زائیده فکر و قریحه

د ایرانی است نظر میکنند مات و مبهوت میماند که با وجود تمام این اصول تعلیمات مذهبی - اخلاقی و فلسفی که در امتداد بیست و پنج قرن متوالی بوجود آمده و روی هم انباشته شده و در کتب بی شمار جمع شده است و کمتر ملتی میتواند مانند ملت ایران بداشتن آنها افتخار کند و اینها هستند که اساس خلل ناپذیر دوام و بقای وحدت و یگانگی يك ملتی را تأمین و برقرار میکنند چرا از اینها يك اصول تعلیم و تربیت صحیح که مناسبت با اخلاق و عادات و اریحیه ایرانی باشد اتخاذ نشده و گذاشته اند دیگران از گفتار و کردار و افکار زعماء ایرانی درس پند و اندرز گرفته خود آنها در حال فقر ادبی و پیریشانی معارفی و در هم و بر همی زندگانی بسر برند و انگشت نمای خاص و عام کردند اگر تداست چندان مایه تأسف نبود.

در نظر حال از این موضوع میگذریم و صحبت آنرا بموقع دیگر میگذاریم عجاله مذاکره در موضوع مقیاس یگانه معلم است و باید آنرا تعیین نمود اگر مثل سابق عمامه - ریش و نعلین است این چندان اشکال ندارد و همه کس میتواند باین لباس درآمد این ادعرا بکنند و اگر فکل و دستمال کردن - نیم تنه و کفش و پوتین فرنگی است آن نیز آسان است و معطلی ندارد زود میشود باین شکل درآمد و خود را جامع علوم فرنگستان معرفی نمود بنظر من این دو مقیاس مدتهاست امتحان شده و نتایج آن اطفال مدارس گذشته است که مردان امروزی هستند و شاید چندی بعد هم نمونه بی شماری از آنها داشته باشیم من میائلم يك مقیاس دیگر قائل شویم و اگر با من هم عقیده

شدید ضرر ندارد آنرا قبول و اجرا کنید اگر هم موافق نیستید
بفرمائید بامان خدا مرا بخیر تو امید نیست شر مرسان
من میخواهم قائل شوم که برای مدارس ابتدائی نسخه
ذیل را مقیاس قرار بدهید و جدی و ثابت و محکم باشید که
حتماً معلمین این طبقه این مقیاس را بمعنی تام و تمام دارا
باشند .

اول - خلق خوش و قیافه خندان - زبان نرم و ملایم و
آرام - بردبار دارای طبیعتی که از هیچ نامالایمی عصبانی نشود.
دوم - صاحب فضل و کمال و ادب و آشنا بتاریخ ادبیات
عادات و رسوم ملی و آگاه از اوضاع تعلیم و تربیت امروزی
ملل متعدن .

سوم - آشنا بقواعد حفظالصحه تشریح فیزیولوژی و
اصول ورزش .

چهارم - آشنا بقوانین طبیعت و اثرات و تجلیات آنها
بنظر نگارنده این صفات و معلومات چهار گانه برای
معلمین مدارس ابتدائی کافی است و بدون ملاحظه و طرفداری
از احدی باید معلمین این مدارس را از میان تحصیل کرده های
ایرانی که دارای صفات و معلومات فوق باشند انتخاب نمود و
اطفال معصوم و بی گناه را بدست آنها داد تا تعلیم دهند
علاوه بر صفات فوق باید دقت نمود که این معلمین
گرفتاری داخلی و خارجی نداشته باشند و اگر خدای نکرده
گرفتار يك چنین مصائبی باشند این وظیفه شریف را که عبارت

از تعلیم و تربیت ابنای يك ملت است نخواهند توانست انجام دهند تعلیم اطفال حواس جمع و خاطر آسوده و خیال راحت میخواهد با گرفتاری زن و فرزند یافکر معاش روزانه که در صد نود و نه نوع ایرانی گرفتار این مصیبت است ممکن نیست معلم بتواند اجرای وظیفه کند.

گمان میکنم چندان احتیاج نباشد در باب صفات چهارگانه فوق توضیحات مفصل تری بدهم ولی همینقدر اشاره میکنم که مقصود من چیست.

اول معلم باید خوش خلق و خوش زبان و قیافه خندان داشته باشد تا اطفال خورد سال بتوانند مفتون و مجذوب سیمای نيك معلم خود بشوند اگر جز این باشد اطفال ترسان و لرزان و جرئت سؤال نخواهند داشت باید معلم طوری با اطفال رفتار کند که او را مانند يك هم بازی عاقل و دانا تصور کنند که برای راهنمایی و کمک و آسان کردن مشکلات درس آنهاست نه برای تنبیه یا سیاست یا درشت خوئی و تندى - من معایب تند خوئی والدین را در رساله اول بیان نموده ام و در اینجا موقع است يك اشاره نیز بزشت خوئی معلم بکنم شاید اگر این عادت بدهم در مدارس ما وجود دارد برطرف شود.

بطور کلی باید بدانید اذهان اطفال در تحت تأثیر خلق بد کسل و پژمرده و غیر حساس میشود برعکس در تحت تأثیر خلق خوش زیرک روشن و حساس میشود خشونت از هر قوه طفل میکاهد ولی شیرین زبانی و ملایمت بر جرئت و حس کنجکاوى

او میافزاید.

اگر اطفال بطور آزاد و در تحت تأثیر معلمین خوش خلق و شیرین زبان تعلیم و تربیت بشوند در آتیه مردان ازاد و مستقل و با جرئت و شهامت خواهند شد. مشروط بر اینکه در جامعه نیز آزاد بار بیابند تنها خانواده - مدرسه اطفال را آزاد و با عزم و اراده و مستقل فکر بار بیاورند کافی نیست هر چه در محیط و جامعه است آنها نیز باید متناسب با محیط خانواده و مدرسه باشند آزادی کامل در آغوش پدر و مادر و آزادی تعلیم و تربیت در تحت توجهات معلمین دانشمند و وطن پرست محتاج آزادی محیط در جامعه و در قلمرو قانون آزادی خواهد بود و الا تا اصل درست نشده فرع موضوع نخواهد داشت.

در هر صورت نیکی خلق و روشنی فکر و قیافه خندان معلم تأثیر مهمی در اخلاق اطفال دارد و حتماً معلم باید دارای این صفات باشد و الا اطفال آنطوری که باید تربیت و تعلیم شوند نخواهند شد.

دوم موضوع فضل و کمال و ادب و سایر معلومات است که باید معلم دارا باشد این نکته بخصوص را تذکر بدهم که مقصود عمده نگارنده اینکه اطفال ایرانی خلقاً باید روی اریحیه ملی تربیت بشوند آنهم محتاج باین است که معلم بتمام صفات پسندیده ایرانی آشنا باشد تاریخ بزرگان ملت خود را خوب بداند قصص و افسانه های راجعه بانهارا خوب بداند و در موقع مناسب و بجا آنها را برای اطفال بیان کند و آنها را بجزئیات حیات بزرگان

خود آشنا نماید زیرا که این قبیل افسانه ها در این سن در اطفال تأثیری فوق العاده خواهد نمود و آنها را به تقلید از اعمال نیک آنها وادار خواهد نمود ممکن بلکه حتمی است که در آئینه آن اطفال سعی نمایند اعمال بزرگان ملت خود را تقلید کنند خودشانرا مانند آنها بجامعه معرفی نمایند.

گفتیم صفت سوم معلم آشنا بودن او بقواعد حفظ الصحه تشریح و فیزیولوژی و اصول ورزش است.

معلم باید بداند جسم طفل چقدر لطیف و چه اندازه استعداد گرفتن ناخوشیها را داراست درینصورت معلم باید قواعد حفظ الصحه را بداند که اطفال را از آلودگی بان چیزهایی که تولید مرض میکنند نگاهداری نماید محل و مکان درس و بازی را کاملاً تمیز و نظیف نگاهدارد باید تشریح بداند و مواظب باشد که صدمه از اطفال دیگر وارد نیاید و هر استخوان یا عضو را بشناسد که اگر خدای نکرده آسیبی بیکی از آنها برسد تا طبیب برسد بداند چه کند.

موضوع دیگر در این قسمت دانستن فیزیولوژی است یعنی دانستن عمل هر عضو از اعضاء بدن و مواظبت او که فشار یا اذیت باعضاء اطفال وارد نشود من در اینموضوع اطلاعات زیادی دارم و خطاهای معلمین بسیاری را خوانده ام که بواسطه ندانستن این قسمت از تشریح اطفال معصوم گرفتار چه نوع مصائب شده اند که تا آخر عمر اسباب رنج و تعب آنها گردیده و حیات خورسند آنها را دچار غم و اندوه نموده اند فقط بواسطه عدم

اطلاع. موضوع ورزش اطفال كوچك نيز از واجباتست معلم بايد بداند چه نوع ورزشها را در چه موقع روز با اطفال تعليم دهد و آنها را بوزش اعضاء بدن خودشان وادارد معلم نيز بايد خود مانند يكي از آن اطفال داخل ميدان ورزش شده با آنها ورزش كند و آنها را تشويق نمايد كه ورزشهاي بچه گانه را بخوبی انجام دهند نگارنده مكرر ديده ام كه معلمين مدارس ابتدائی در اروپا و امريكا خودشان مانند اطفال يعنى مثل يكي از آنها در ميدان بازی با آنها مشغول ورزش هستند من اطمینان می دهم اگر معلمين ايران نيز اين تقليد را بكنند بهيچ وجه از اعتبار آنها كاسته نخواهد شد بلكه باعتبار آنها خواهد افزود در جامعه زحمات آنها بيشتر قدر دانی شده حس احترام عمومي نسبت بايشان زياد تر خواهد شد

صفت اخير معلم كه در آن مقياس معلم ما ذكر شده عبارت از دانستن قوانين طبيعت و تميز اثرات و تجليات آنهاست براي معلمين مدارس ابتدائی اين قسمت از معلومات معلم بنظر نگارنده از واجبات است چه از هر تغيير جزئی كه در اطراف اطفال ذكي و با هوش اين عصر ظاهر ميشود فوري حس كنيج كاری آنها آنها را وارد بسؤال ميكند در اين هنگامست كه بايد معلم اين اطفال عالم بعلوم طبيعى باشد كه بتواند آنها را براي اطفال شرح دهد.

در اينجا لازم است يك حكایت كوچك رابه آقایان خواننده گان حكایت كنم - در يکی از مسافرتها در يك شهری يکی از دوستان

مرا بدیدن مدرسه هدايت كرد بعد از تماشاى اطاق هاى درس در
يكى از آنها دوست من رو كرده بمن اشاره نمود يك سؤال از
شاگردان بكنم - در نتيجه يك باران مختصرى يك قوس و قزح
شفافى در قسمت جنوب شرقى پيدا شده بود و خوب نمايان بود
بيكى از شاگردان گفتم ميتواند آن نيم دايره را كه در افق
پيدا شده و داراى چندين رنگ فرح انگيز است براى من بيان
كني چيست جواب نداد سايرين نيز همينطور من پر روى
كردم و از معلم خواهش نمودم او بيان كند جواباً اظهار كرد
اختيار داريد پر معلوم است موض او رفيق من
خجالت كشيد .

بنظر من اين معلومات حل ديگر خيلى بازاری شده شايد
همه كس امروز هزاران نوع آنرا بدانند محتاج بتأكيديست در
هر صورت بعقيده من بايد جزء مقياس باشد و هر معلمى كه از
اين مقياس كه داراى صفات چهارگانه است کوتاه بيايد هيچ صلاح
نباشد كه نام شريف معلم را روى خود بگذارد .

حفظالصحه اطفال در مدارس

گويا هيچ منكر نداشته باشد كه هر كس تا روز آخر
زندگاني خود محتاج باين است كه از ناخوشيهائى مسرى و غير
مسرى خود را محفوظ دارد حب حيات يكى از قوانين آهنين طبيعت
است كه بشر هر قدر عاجز پريشان عليل و ناقص البنيه باشد
باز ماييل است بهر وسيله كه شده بحيات خود ادامه دهد و

چندی هم بهر شکل میخواهد باشد در دنیا زنده بماند اما باید این را خوب در خاطر داشت که زندگی طبیعی درصحت مزاج است و اگر عضوی از اعضاء انسان گرفتار درد و الم باشد راحتی برای سایر اعضاء باقی نمیماند صحت مزاج خود یکی از نعمات خداوندی است که در دنیا باهیچ چیزی ولو هر قدر ذی قیمت باشد نمیتوان مقایسه کرد بعقیده من یکی از علل وجود روح بدبینی در میان ملل شرقی همانا کسالت مزاجی آنهاست که آنها را بد دنیا و کائنات بدبین نموده است انسان سالم و تندرست همیشه خوش و خرم است انسان علیل المزاج دائماً گرفتار غم و اندوه است سیمای گرفته شرقی و حالت حزن انگیز او در اثر عدم رعایت اصول حفظ الصحه است که باو ننگته اند و تعلیم نداده اند و او را بقوانین آن آشنا نکرده اند و اگر دانسته بود یقیناً تا حال اثرات نیک خود را بخشیده بود جزو سایر مفسد اجتماعی شرق این نیز یکی از علل فساد روحی و جسمیست که ملل شرق را گرفتار نموده است من در قسمت سوم در تحت عنوان تربیت اجتماعی در جامعه باین موضوع و سایر موضوعات که راجع باین قسمت است مفصلاً و مشروحاً بیان خواهم نمود و اینک از این قسمت میگذریم داخل در موضوع حفظ الصحه اطفال در مدرسه میشوم

اگر آن پدر و مادری که در رساله اول اشاره شده نصیب اطفال وطن ما گردیده دیگر احتیاج بشرح و بسط نیست زیرا آنچنان پدران و مادرانی یقیناً در جامعه اعمال نفوذ کرده و یک

محیط مناسب فکر و سلیقه خود ایجاد نموده اند چه مؤسسات علمی و ادبی و سیاسی و اقتصادی و هزاران مؤسسات دیگر که برای يك ملت متمدن و آبرومند لازم است خوبی و بدی مفید و غیر مفید بودن اینها تماماً بسته بخود آن ملت است اگر رشد و تمیز آن تا حدی است که خیر و شر خود را تمیز می دهد بدون شك يك مؤسسات سود مندی بوجود خواهند آورد و الا هر چه از این قبیل مؤسسات با عناوین زیبا و قشنگ ایجاد کنند درست متناسب با روحیات خود آن ملت خواهد بود و بس - در هر حال این رشته نیز سر دراز دارد .

باید مواظب بود که طفل قبل از رفتن بمدرسه صبح يك غذای کم و ساده بخورد اگر چیز زیاد میسر نیست اقلاً يك فنجان شیر با قدری نان باید بخورد و الا بنیه آن طفل رو بضعف خواهد گذاشت و آن طفل دیگر نمو و رشد نخواهد کرد اقلاً يك تخم مرغ یا قدری نان و کره و يك فنجان شیر از لوازم روزانه زندگی طفل است و اگر نخورد نمیتواند وظایف مدرسه را انجام دهد و از رشد و نمو بدنی باز خواهد ماند

چندی قبل در امریکا بمفاسد اینکارپی بردند و دیدند ضرر آن در اطفال چقدر مؤثر است و مقتشین مخصوص گماشتند که اطفال را در وقت ورود بمدرسه امتحان نمایند و دقتهای لازمه را نمودند هر طفلیکه صبحانه صرف نکرده برای او تهیه نمودند و پدران و مادران اطفال را مجبور نمودند که مواظب باشند تا طفل صبحانه صرف نکرده عازم مدرسه نشود در هر صورت پدر و

خصوصاً مادر باید مواظب باشند و برای طفل غذای صحیحانه تهیه نموده باو بدهند. لباس اطفال خورد سال مدرسه هر قدر سبک و راحت و نرم از پارچه پشمی باشد بهتر است چون اعضاء طفل مستعد نمو و رشد است اگر لباس تنگ باشد از حرارت و ورزش اعضاء ممانعت میکند و طفل را از حرکت و بازی باز میدارد و صحت مزاج و تندرستی اطفال در ورزش روزانه اعضاء جسم آنها است هر قدر لباس آنها حرکت اعضاء آنها را آزادتر بگذارد بهمان میزان اطفال در بازی راحت خواهند بود و اسباب سلامتی بدن آنها بهتر فراهم است.

چندی است که طرح های قشنگ لباسهای اطفال به ممالک شرقی راه پیدا کرده ما نیز قسمت عمده از آنها سهم برده ایم و اطفال خود را به آنها عادت داده ایم و غفلت داریم که اینها هستند که باعث خرابی عمده اعضاء اطفال و سبب ناخوشی های بیشتر میشوند.

لباسهای خیلی تنگ و نازک برای دخترها و طرح های مخصوص برای پسران در هر دکانی در خیابان و بازار پر است ولی وقتی آنها را با مقیاس حفظ الصحه مقیاس بگیرد خواهید دید اولاً با اندازه کافی نمیتواند حرارت بدن را حفظ کند یا اینکه اساساً از یک نوع پارچه تهیه شده که خلل و فرج آن مانع از تنفس بدن است در هر دو حالت برای بدن اطفال مضر است. لباس طفل باید مناسب فصل باشد در هر چهار فصل اگر یشم خالص باشد چه بهتر منتهی برای اوقات سرما ضخیم تر و

و برای ایام تابستان لطیف و نازک - این را هم باید در نظر داشت که غرض از پشم آن نیست که آستران پارچه پنبه یا چلوار یا امثال آن باشند چه پارچه های پنبه از سرما و کرما زودتر مؤثر میشوند یعنی کرما و سرما را سریع تر جذب می کنند بعلاوه مانع از تنفس بدن هستند برای امتحان يك پیراهن چلوار در تابستان تن کنید خواهید دید مدام عرق می کنید ولی آنرا بیرون کرده در عوض يك پیراهن پشمی بپوشید خواهید دید که عرق موقوف میشود برای اینکه پشم اولاً حرارت را باین زودی مثل پارچه پنبه بخود جذب نمیکند ثانیاً الیاف پشم دارای يك نوع خلل و فرجی است که حرارت داخلی بدن را مانع از خروج نمیشود این است که يك نوع خستگی انسان حساس میکند و پارچه های پنبه این خواص را ندارند.

در هر حال اگر لباس اطفال در تمام فصول پشم باشد بسیار خوب و موافق حفظ الصحه است انگلیسها اطفال خود را در هندوستان در تمام فصول در لباس فلانل نگاه میدارند البته صحیح هم هست و موافق با قوانین طبیعت است.

این را هم تذکر بدیم که نباید آستر آنها از پارچه های پنبه باشد اگر چنین باشد آن مقصود اصلی از بین میرود و پارچه های پنبه مانع از تنفس بدن است و خلل و فرج ندارد و اسباب ناخوشی میگردد.

بعلاوه باید دقت کرد و مواظب بود که لباس برای حفظ اطفال است از سرما اگر لباس طفل طوری باشد که کافی نباشد

حرارت بدن طفل را حفظ کنند از نمو و رشد طفل جلوگیری شده است لباس کم باعث میشود که حرارت بدن طفل خارج شود و حرارتیکه از اغذیه در بدن تولید میشود آنرا جبران نکند و باعث شود که مقداری هم از چربی بدن مصرف شود و این اولین مرحله است که طفل رو بضعف میگذارد زیرا تولید باندازه مصرف نیست و از سرمایه که جسم طفل است باید جبران بشود. پس در این خیال نباشید که سلامتی بدن طفل را با قشنگی و زیبائی لباس عوض کنید لباس طفل باید از جنس خوب و لطیف و کار کن و بقول خودتان چرک تاب باشد که حرارت بدن را حفظ کند و حرارت بیمورد تولید نکند بدن آزادانه تنفس کند و بخاریکه در بازی و حرکت در بدن تولید میشود مانع از خروج نشود و در نشست و برخاست طفل در محلهای بازی و ورزش خراب نشود و از حرکات اعضاء طفل جلوگیری نکند اینهاست که باید در تهیه لباس برای اطفال رعایت شود

« ورزش »

از جمله تربیت های واجب برای اطفال ورزش است اولاً باید معلم مخصوص برای اینکار تهیه شده باشد که بموقع معین مثل سایر ساعات دروس در روز حاضر شده اطفال را برای فرا گرفتن ترتیبات ورزش مجبور کنند و اینکه میگویم مجبور کنند این قسمت باید اجباری باشد تا طفل خود را برای ورزش ناچار بداند و تا این فشار اجبار در دنبال تعلیمات ورزش

نباشد طبیعت راحت طلب شرقی ممکن نیست بمیل خود خود
را حاضر کنند و آ بدن خود را بزحمت ورزش عادت دهد
آنگاه بیک حد معین تنها در مدرسه و در زمان طفولیت کافی
نست این ترتیب باید تا انسان حیات دارد با او همراه باشد و
اقلا در هر روز مقداری از وقت خود را صرف ورزش کند تا
ورزش نکند نمیتواند بدن سالم داشته باشد و تا بدن سالم نباشد
یک سر و دماغ سالم نمیتواند داشته باشد پس برای داشتن
یک سر و دماغ ترو و تازه حساس و سالم ورزش لازم است
و هر کس که از این قسمت تربیت بدنی کوتاهی کند یا
دست خود جان خود را بهلاکت انداخته و بغمغر ترانمایه خود
تخائمه داده است

این فقط در ممالک شرقی است که حیات قدر و قیمتی
ندارند و وقت استراحت بجزئی اهمیت ندارد و تا از عمر بجز تنبلی و بطالت
چیزی دیگر نمی طرأود زندگانی انفرادی و اجتماعاتی آن هیچ
اثری از خود بیاد کار نمیکند اگر چه چنین نبود اقلا از شرقی
نیز یک چنین هائی در دنیا بوجود آمده بود که اسباب افتخار
و سر بلندی ملل شرقی باشد چون زندگانی را طور دیگر فهمیده
ممکن نیست تا در روی این باشند میگرد تغییر در اوضاع و احوال
زندگانی او پیدا شود مگر اینکه برخلاف آنچه که دانسته و یاد
گرفته و بارش برده عمل کند و آن نیز ممکن نیست جز اینکه
طرز فکر و عمل خود را عوض کند و این نیز ممکن نمیشود مگر
حس تردید و کنجکاوی نسبت بانچه که ارثا دارا شده است

نیندا آنکه در وقتیکه باین مرحله رسید آنوقت است که قادر خواهد
 بود بیک تغییرات افغانی در اوضاع و احوال بزند گاهی تجدادی خود
 بدهد و این بخودی خود میخورد نیست کائنات کو و مسائل اخین خواهد
 و آنها را بیاید از مدینه فر اهم آوزده و یکی از آنها ستم خوردن
 است مسالت آراهم بلی حرکت مؤدبانه می شود جدا شده است تمام
 روحی و عوزانو شکستنی و مانند نقش دیوار از بی حرکت در محاسن بولان
 تمام اینها جزه و ضعیفات اینک و احترام بر رکاب خلاصه آت الام او
 جمله مضامین آسپدیده و مقبوله جامعه ایران است این است که کسی
 تنها حرکت کنند از مواضع کاسه همیشه و تا اگر زانست و کشیده
 و باستینه پیش را بر وجه جزوه المولود او بولان و بعضی مشاهده
 آقا قلم می رود کن داخل در میدان بازی یلوروش بشود غایب که
 جزوه کینه کبره و در ذنب الاغیر بحسب می شود گفتگو نهادند
 صورتیکه در یک او بخلق حیوانات باق ملتبی تعلق دارد که هرگز حیث
 قوای بدنی نور و روحی نوساینه برنگر و ابرو و منقح است مرغان و
 زمان بزرگ دنیا از طرفان جمالی عقبه علم نگارده و وجه انبان سوا از
 استعداد بخوده مات منق مبهوت و موعده آمد که از حدیث انبیه سوا
 بسیار ختمان بدینی دوه دوایغی از سلیولین بهارت بوزانده مثل هر قوی
 در چهار نه بول میبایستش این طریقی را پیش بگیرد و لغو دشمنان از حیث
 قوای و لاغنی و بدنی پان پایه بویختن که تا بتوانند در دنیا حق حیث
 جایشه باشند با سینه سینه و سینه و سینه و سینه و سینه و سینه و سینه
 نیا تدریس و مالک بیشتر قوی انعام از عفت و سلفه تا هفتاد و سینه
 در روز یک ورزش معین دارد و بدون تعطیل آنها را انجام

میدهد اینطور اشخاص کمتر مورد تهاجم امراض میگردند بسا میشود که در تمام عمر خود يك روز كسل نیستند و تا روز آخر حیات خود يك روز در رختخواب ناخوشی نخواییده و تمام اینها از برکت ورزش و حفظ الصحه است که هر کس بفراخور تعلیم و تربیت اولیه خود بهره از اینها برده است و در تمام مدت عمر خود بانها عمل میکند ایرانی نیز باید باین عمل آشنا شود و آنرا فرا گیرد و در خود يك طبیعت ثانوی بوجود آورد که حکماً و حتماً بان عمل کند و در انجام آن هیچوقت غفلت نکند و اگر بوطن و بملت و آنچه که در پیش او عزیز است علاقه دارد و نمیخواهد نصیب بیگانگان گردد و برای ملت و ابنای وطن خود باقی بماند و استقلال ملی خود را حفظ کند باید ب ورزش عادت کند و تن و بدن و دماغ خود را تر و تازه و سالم نگاهدارد که جامعه و ملت خود از وجود او بهره مند گردد والا داشتن يك جسم نحیف لاغر ضعیف علیل که محتاج دست دیگران باشد و اسباب بار دوش هموطنان خود شود چه فایده دارد اساساً چه لذتی از حیات نصیب او خواهد شد شخص مریض و علیل المزاج چه بهره از دنیا و لذات و خوشی های آن خواهد برد در صورتیکه شما میتوانید روزی فقط نیم ساعت یا پانزده دقیقه وقف این کار بکنید و بدن خود را سالم و برومند نگاهدارید تا بتوانید بخانواده و بملت و وطن خود مفید باشید و اسباب افتخار و سر بلندی ملت و جامعه خود شوید حیث نیست این

تنبلی را بخود روا می دارید و اسباب فنا و انحطاط ملت خود را فراهم می آورید و عمر گرانمایه خود را که ممکن است خدمات بزرگ و نمایان و نسی قیمت بوطن خود انجام دهد عاطل و باطل میگذرانید و همیشه هم در رنج و تعب و کسالت و ناخوشی بسر میبرید؟

قدری تفکر کنید آیا این طریق زندگی که اسباب استهزاء دوست و دشمن شده قابل اداه است؟ اطفال را باید در مدرسه و در ساعات معین ب ورزش بدنی بقدر لزوم نه خارج از اندازه باز داشت و معلمین مخصوص بر آنها گماشت که آنها را بطریق مخصوص که مناسب احوال اطفال است تعلیم دهند البته استادان ماهر این فن باید باین امر گماشته شوند چه میدان بازی مهمترین قسمتی است که اطفال در آنجا نظم و ترتیب و اطاعت و حس و وظیفه شناسی را باید یاد بگیرند مردان انگلستان که این اندازه در دنیا معروف بمتانت و دارای حس و وظیفه شناسی و اطاعت و باعزم و اراده و مطیع قوانین و نسبت به پیش آمدها خون سرد و قوی دل هستند برای این است که تمام این صفات پسندیده را در میدان های بازی یاد گرفته اند میدان بازی است که خون اطفال را پاک و روح آنها را تازه و قوای جسمی آنها را برومند میکند و آنها را برای فرا گرفتن هر نوع تعلیم و تربیت روحی مهیا مینماید میدان بازی يك نمونه از میدان مبارزه حیات است و باید اطفال در این میدان حس بردباری و حس گذشت حس تسلیم در مقابل ضررات و نظامات راییدا

کنند و بانها مانوس باشند تا بتوانند- وقتی که داخل در دنیای
عمل میشوند آنها را سر مشق بخود قرار دهند و باید بکوشند هر وقت
که در چنگ و اتر لویه ناپلئون مغلیه کردیم میگویند که تربیت میدانیهای
پایزی ملت انگلیس بود که آنها را در چنگ و اتر لویه و اتر لویه گردانیدند
و این امر روز هم همان میدانهای بازی سرزمین انگلستان
است که یک چنین ملتی را تربیت نموده که خودشان را در هر
صفت نیک فوق سایر مللی میدانند نایزانی عزیز ناچار است اسباب
و وسائل ورزش را در تمام مدارس خود برقرار کنند و معلمین
مخصوص این فن شریف را که با سایر سعادت و نیک بختی
ملل دنیا گردیدند تشویق کنند و حقوق کافی و مساعدی بآنها
بدهند و آنها را علاقه بدهند که بکنند که اطفال ایرانی را در رشته
ورزش تعلیم دهند و مکانهای مخصوصی در هر مدرسه برای این مقصود
تهیه کنند و رضای بنشینند هیچ اشکال گردی بدون فرا گرفتن اصول
ورزش از مدرسه خارج شود.

ساعات مخصوص جزو ساعات دروس تعیین شود که در
هر روز در دو وقت مثل اوقات سایر دروس باشد گردان در تحت
نظر معلمین مخصوص این قسمت مشغول ورزش شوند بملاوه
باید معلمین را علاقه مند نمود که در روزهای تعطیل اطفال
را گردش دهند و هوا خوری دهند بآنها را حر گردش و
سیاحت های روزهای تعطیل ببعوامل و عناصر طبیعت بعمل آشنای
کنند و بگذارند خوب در صحرا از بستر و نمو سبزه و گیاه
و درخت و حیوانات که در جلوی راه آنها واقع میشوند دقت

کنند و حس کنجکاوی آنها را تحریک نمایند و کمک کنند این نوع مسائل را در حین گردش و قصه معلم فراگیرند. موضوع دیگر که میخواهم در اینجا تذکر دهم مسئله آبله کوبی اطفال است علاوه از اینکه والدین اطفال باید مواظب این نکته باشند که اطفال بموقع خود آبله کوبی شوند اولیای مدارس نیز باید در این مسئله دقت کامل داشته باشند که اگر غفلت شود خطر آن فوق العاده است و ایران از این حیث قحط الرجال شده است.

خاطر دارم وقتی که در مدرسه بودم در ضمن درس اخلاق يك روزی موضوع اجتناب از خطر ها بود از آن جمله اجتناب از خطر آبله را هم بايك تا كید مخصوص عنوان نمودند همه ماها كه شاگردان ایرانی بودیم جز معلم كه اروپائی بود تعجب کردیم كه بچه مناسبت آبله را هم خطر ناك فرض کرده و اجتناب از آن را این اندازه جدی فرض نموده است در صورتیکه در ایران هیچ اسباب وحشت و خطر نیست معلم موضوع را برای ما شرح داد كه در اروپا و امریکا اجتناب از این مرض را واجب می‌شمارند و دولت جدید و مواظبت مخصوص دارد كه کسی مبتلا باین مرض مهلك نشود زیرا وقتیکه پیدا شد نود و پنج در صد هلاکت است و آن پنج در صد نیز اگر جان سلامت در ببرند آثار و علائم این مرض کشنده تا حیات دارد در آن شخص مبتلا باقی خواهد ماند كه انگشت نمای خاص و عام است و اولیای آن طفل همیشه مورد دلاوت و سرزنش هستند كه چرا از طفل خود

نکاهداری نکرده و از حفظ الصحه آن غفلت نموده اند و آن طفل معصوم را تا عمر دارد گرفتار نموده اند .

در همین چند ساله اخیر يك مسافرت در اطراف عراق نمودم مصلح آباد ده آبادی است در پنج فرسخی عراق اتفاقاً شب را در آن محل توقف نمودم در ضمن تماشای ده هیچ طفل در آن قریه ندیدم از يك نفر که همراه من بود سؤال نمودم خیلی عجب است نه در این ده هیچ طفل وجود ندارد و خیلی ده بی سر و صدائی است جواب داد آقا در این چند ماه گذشته تمام اطفال این نواحی از آبله مردند نه تنها در این ده بلکه در این دهات نزدیک هم اطفالی پیدا نخواهید کرد زیرا تا اطفال ده ساله همه را این آبله بیداد ستمگر از دست ماها ربود و باغوش مرك ابدی انداخت و ما وسا کنین این جلگه را بماتم حزن انگیز ابدی آنها گرفتار نمود .

بلی ما اینطور هستیم اما در يك کتاب جدیدی که در سال ۱۹۲۶ در لندن بچاپ رسیده و الساعه روی میزمن در جلو نظر است (۱) در این کتاب نویسنده ادعا میکند که در تمام انگلستان نمیتوانند کسی را پیدا کنید که آثار و علائم آبله در او وجود داشته باشد زیرا حفظ الصحه ما باین پایه رسیده است و ما از اطفال خود اینطور نکاهداری و محافظت میکنیم حال درست دقت کنید درجه حفظ الصحه ما را با درجه حفظ الصحه

(1) a century of stupendous Progress
1825-1925. By Joseph McCabe. London 1926

دیگران که ما آنها را پلید و نجس می‌شماریم مقایسه نمائید
ایکاش درد همین یکی بود درد های مهلك كشنده دیگر وجود
نداشت اگر پرده از روی کار بر داشته شود آنوقت خواهید
دید در میان چه منجلابی ایرانی زندگنی میکند اگر يك دایره
احصائیه صحیح وجود داشت و متوفیات را در ایران بدقت
صورت بر میداشتند و علل مرگ آنها را معین مینمودند آنوقت
میشد بایرانی حالی کرد که نسل ایرانی گرفتار چه نوع
بلا باست وجود آن در تحت تأثیر حمله و خطر چه نوع ناخوشی هاست
و بفکر چاره می افتادند من اطمینان میدهم که چاره پذیر است
دوای هر دردی هم موجود است و چاره و علاج آن نیز بسیار
آسان ولی آدم می‌خواهد که بکند يك جوهمت و يك ارزن حمیت و
يك خشمخاش ملت پرستی از روی ایمان خالص لازم دارد که تمام
این درد ها را شفا دهد.

اگر چه مواقع بسیار خواهیم داشت که بعضی مسائل را
گوشزد کنیم ولی در اینجا می‌خواهم مختصری از اساس موضوع
صحبت نمایم و آن اینست که باید ملت را متوجه باین معایب
نمود و بانها حالی کرد که دنیا روز بروز در تغییر است و با
اصول زندگنی يك نسل پیش زندگنی نسل حاضر غیر ممکن
است در امریکا کار بجائی رسیده که اصول زندگانی اجتماعی
سال بسال تغییر میکنند ما نمیتوانیم مطابق اوضاع و احوال
زندگانی اجدادی امرار حیات کنیم یا باید وسائل زندگانی و
حیات امروزی را اتخاذ کنیم یا باستقلال اجتماعی و سیاسی

خود خاتمه دهیم بعبارت دیگر یا باید تمام وسایل و اسباب و طرق زندگانی يك ملت مترقی را بدون چون و چرا قبول و آنها را در میان خود رواج دهیم، یا اینکه بحکم طبیعت در مقابل عوامل مقتدر سیاست جهانگیری روح استقلال سیاسی و اجتماعی را تسلیم کنیم چاره ندارد و شق ثالث هم در میان نیست زندگی سیاسی امروز دو راه بیشتر ندارد یا استقلال سیاسی یا مرک سیاسی - استقلال سیاسی منوط و مشروط بر آن است که روح ترقی و فداکاری و اتخاذ اسباب و وسایل تمدن مادی و معنوی امروزی ملل مترقی موجود باشد یکی هم راه مرک و فناست درست نقطه مقابل راه فوق الذکر است و این يك راه بسیار سهل و ساده است که ملل شرقی قرنها است در آن قدم میزنند و راه عدم می پیمایند.

من ناچارم این نکته را در اینجا تذکر دهم و اولیای امور و مقننین وطن خود را آگاه نمایم که اتخاذ وسائل تند و شدید یا وضع قوانین عریض و طویل برای جلوگیری از مفاسد اجتماعی شما را بمقصود نمی‌رساند بلکه رشد فهم و تمیز ملت است که شما را در اتخاذ وسایل و اسباب سعادت و ترقی مملکت کامیاب میکند ما که نباید خودمان را گول بزنیم ما روحیات ملت ایران را خوب میدانیم و میدانیم چه اندازه از اوضاع زندگانی ملل مترقی بی اطلاع است و علاقه آنرا هم بسقا خانه نوروژ خان یا درخت چنار کهن سال امامزاده واجب التعظیم تجریش می - شناسیم با این حال شما هر قانونی و یا هر اقدامی برای جلو

گیری وضع یا اتخاذ کنید بی نتیجه است اگر شده از زیر زمین
نقب میزنند در آنجا يك شمع روشن کنند خواهند نمود و اگر
از آسمان هم شده خود را بدرخت چنار فوق الذکر رسانده
يك رشته کهنه یا تازه به آن آویزان کنند خواهند نمود در
اینصورت شما نه تنها موفق نشدید بلکه تعصب را هم زیاد
نموده اید .

تربیت ملت کار آسانی نیست آن هم ملت شرقی تعلیم و
تربیت یکنفر اقلاً پانزده سال طول دارد ولی تعلیم و تربیت يك
ملت کمتر از شصت سال ممکن نیست یعنی از اطفال امروز شروع
کنید و اولاد اینها را هم تربیت نمائید تازه موفقیت شما در
اولاد اولاد اطفال امروزی ظاهر خواهد شد تصور می کنید کار
باین آسانی و سهل و ساده است خیر چنین نیست شما که امروز
اسباب و وسایل تعلیم و تربیت را فراهم میاورید و مواظبت
می کنید و از روی ایمان کامل عقیده مند هستید که با این
اصول ایرانی را تربیت کنید و بکنید و وقفه هم حاصل نشود
و جانشین های شما نیز نسبت بعقیده شما صمیمی باشند و آنها
را روز بروز بهتر کنند و وسایل نوین را در تعلیم و تربیت
اتخاذ و اجرا کنند آنوقت است که باید امیدوار بود که اولاد
اطفال امروزی ایران مردان و زنان لایق و کافی و دارای عزم
و اراده آهنین خواهند بود نه اشتباه نکنید تربیت يك ملت
کار آسانی نیست فداکاری ، جانبازی و از خود گذشتن میخواهد
تا بمقصود برسید اینستکه من بعد از تمام این فکر و خیال باین

عقیده رسیده ام که باید از ایرانی امروز چشم پوشیده و او را آزاد گذاشت در خیالات عذاب و عقاب و قهر و غضب خداوندی مغرور باشد شما هر قدر سعی کنید و بخواهید از لطف و سیاست و ترحم و نعمت الهی او را آگاه کنید و بالطف یزدانی امید وار سازید بی ثمر است و فایده ندارد مغز او عادت کرده همیشه عذاب دوزخ، مار و اژدها و آتش جهنم در نظرش محسوس است و از گفتار و نصایح شما هیچ بهره نخواهد برد و اصلاً توجه به نعمات خداوندی ندارد او منتظر آخرت است و باین دنیا و نعمت های گوناگون طبیعت و از وظایف انسان در این دنیا که مقدمه آخرت است بکلی بی خبر است و باید شب و روز گریان باشد تا ندای حق را لبیک گوید بایک چنین کسی انسان ابداً نباید سر و کار داشته باشد و نباید اسباب زحمت او شود او را باید بخیال خود گذاشت اما اولاد و اطفال او - اصل جان کلام اینجاست :

اولاد و اطفال او مربوط بجامعه ایرانی و ایران است و برای حفظ آثار و یادگارهای ملی و اماکن متبرکه مذهبی و حفظ دیانت اجدادی باید آنها را تربیت و تعلیم نمود و محبت و علاقه تمام آنها را در قلوب آنها ایجاد کرد و آنها را طوری تعلیم و تربیت نمود و بعرضه وجود آورد که قدرت و توانائی آنها داشته باشند که از آنها نگاهداری کنند و آنها را مانند جان شیرین دوست بدارند تا اولاد و اطفال یک ملتی چنین بار نیابند و روی این اساس تربیت نشوند ممکن نیست بتوانند

اما کن متبر که مذهبی و آثار و یادگارهای ملی و مذهب اجدادی خود را حفظ کنند.

وضع قوانین و اتخاذ وسایل خشن این فکر را در ملت تولید نمیکند اصلاح مفاسد اجتماعی از این طریق میسر نیست تغییر فکر یگانه چاره و علاج این دردهای بی درمان است و این نیز بدون مدرسه صورت نمیگیرد چگونه عدم نور ظلمت است وجود آن نیز رفع ظلمت است مدرسه نیز همینطور است شما از روی صمیمیت و ایمان درست با اصول صحیح مدارس ایران را دایر کنید در عرض چند سال تمام مفاسد اجتماعی برطرف خواهد شد.

پس نتیجه اینطور میگیریم که باید اطفال را تربیت نمود و از بزرگان آنها چشم پوشید و آنها را بحال و خیال خود گذاشت و هر اقدامی که باید کرد باید برای حفظ جان و حیات اطفال نمود و آنها را صحیح و سالم و تندرست و قادر و توانا بار آورد و از هر مرض مسری و غیر مسری حفاظت کرد و مخصوصاً در موضوع خطر آبله که يك مرض مهلك و کشنده اطفال است و اگر احیاناً جان سلامت برد یقین بدون يك نقص عضوی از اعضاء لطیف طفل نخواهد بود درینصورت لازم است اولیای اطفال و اولیای مدرسه از جلوگیری این مرض دشمن جان اطفال معصوم خود داری نکنند ناخوشیهای دیگر اطفال چندان خطرناک نیست باوجود تمام اینها باز باید مواظب بود مخصوصاً از ناخوشی خناق که بمحض ظهور این مرض فوری

باید بطیب امین درست مطلع نیک نفس رجوع کرد (۱)

یک مختصر هم میخوام در باب آب خوراکی مدرسه‌ها صحبت کنم - اولیای اطفال باید مواظب این نکته باشند که در ایران آب پاک گوارا بسیار وجود دارد ولی سکنه از اصول حفظ الصحه بی اطلاع هستند و نمیدانند چگونه آنها را از کثافت حفظ کنند و در همه جا هم روی مجراهای آنها باز و هر کس و نا کس هم بان دست میزند و آنرا ملوث میکند و اگر هیچیک هم از اینها نباشد باد و طوفان کثافات اطراف را جمع کرده در آن نهرها ریخته اسباب ناخوشی میشود پس باید گفت آب پاک و بی آلابش در ایران وجود ندارد و تا اسباب وسایل حفظ الصحه آنها فراهم نیست نمیتوان اطمینان نمود که آبهای خوراکی خالی از جانوران موزی و کشنده است اول اولیای اطفال باید آب خوراکی اطفال خود را که بمدرسه میفرستند فراهم آورند البته این برای همه کس میسر نیست ولی چه باید کرد تا ما سرو سامانی بهم نزنیم ناچاریم هر قدر که ممکن است اطفال را از این خطر نجات دهیم .

طفل که از اطاق درس بیرون آمد و یکی دودور اطراف میدان بازی را پرسه زد بدون شك تشنه شده پی آب خواهد دوید طفل معصوم بهر ظرف و کوزه رسید بی اختیار بسر خواهد کشید پناه بر خدا در این هنگام که این طفل چه مینوشد خدا

(۱) در رساله اول این رشته در باب طبیعت مفصلا بحث نموده‌ام در اینجا لازم تکرار نیست در هر حال در امانت و علم طبیعت باید خیلی دقت کرد

عالم است دزهر حال این دقت اولاً باید از طرف اولیای اطفال رعایت شود دوم برعهده اولیای مدارس است که ظرف مخصوصی که هر روزه سرکشی شود در جای معین باید در مدرسه موجود باشد و روی آن پوشیده و آبخوریهای پاکیزه داشته باشد که اطفال آب بنخورند بعلاوه باید مواظب آن سقا هم که آوردن آب بمعده اوست بود که معلوم باشد اولاً از کجا آب میآورد و مشک آب هم تمیز باشد نه اینکه از یکطرف با همان مشک آبهای لجن را برای پاشیدن خیابان ببرد و با همان مشک و با همان کثافت آب خوراکی برای اطفال بیاورد یقین بدانید ناخوشیهای اغلب اطفال از اینها است .

يك نکته را هم میخواهم تذکر بدهم و این موضوع را بیندم و آن خوراك اطفال است خوراك اطفال باید خیلی ساده و پر سبزی باشد و هر اندازه در غذای طفل سبزیجات پخته داخل کنند بمزاج طفل بهتر سازگار خواهد بود و نمعی توان بطفل غذای يك نواخت داد برای اینکه رشد و نمو اعضاء و اعصاب او ترقی کنند اگر ممکن شود هر روز غذای طفل را عوض نمود و تنوع کرد بهتر است حبوبات پخته و مخلوط با کمی گوشت بهترین غذای مقوی اطفال است باید دقت کرد که غذای حیوانی کمتر بطفل بدهند هوای گرم و ملایم ایران باغذاهای گوشتی چندان مناسب نیست هر قدر در این باب امساک شود بهتر است اگر بتوانید در شب اطفال را فقط به شیر و نان و کره عادت دهید از هر غذایی برای اطفال مناسب تر است سعی کنید

طفل را به برنج خوردن عادت ندهید اگر خودتان هم بتوانید این عادت را ترك كنید به زرنگی و چابکی خود افزوده اید بطریقى که برنج در ایران پخته میشود نصف قوت آن از بین میرود و آن نصف دیگر نیز چندان قوی نیست که بتواند برای انسان جوان يك غذای حسابی بشود بعلاوه اثر برنج در معده خیلی زیان آور است زیرا معده را گشاد و خیلی ضعیف می کند اگر در هفته يك بار با سایر غذاها مخلوط باشد چندان ضرر ندارد ولی مداومت آن خالی از خطر نیست اگر بشود اطفال را بچای و قهوه و مشروبات تند عادت نداد بهتر است و صلاح در این است که جز شیر گرم چیز دیگر به بچه ندهند و این شیر جای چای و قهوه را خواهد گرفت و اعصاب اطفال را هم تحریک نمیکند در دادن شیرینی هم باید امساک شود افراط بلکه خارج از اندازه معین که طفل احتیاج دارد و بنیه و مزاج او می طلبد نباید داد میوه خوب و رسیده و اگر بشود پخت و داد خیلی بهتر است و مزاج آنها را در حال اعتدال نگاه میدارد طفل را هم نباید آزاد گذاشت که هر چه در کوچه و بازار به بیند بخرد و بخورد و این عادت را باید ترك داد و نگذاشت مرتکب شود.

اینک موضوع سن که اطفال باید شروع بیاد گرفتن درس های اولیه بکنند دکتر جان کودان (۱) بهترین موقع را در

سن اطفال برای تعلیمات دروس سن ۱۵ می داند و می گوید باید اطفال را گذاشت در هوای آزاد در زیر خورشید درخشان بهار و پائیز در باغ مزرعه و جنگل و میدانهای باز و با وسعت بازی کنند تا قوای بدنی آنها خوب رشد و نمو کرده خودشانرا برای فرا گرفتن تعلیمات و تربیتهای دماغی آماده کنند.

فیلسوف معروف هربرت اسپنسر (۱) که تا امروز یگانه و فرید عصر در حکمت و فلسفه و علوم بشمار می رود و در کتاب گرانهای معروف خود موسوم به (تربیت) (۲) که بتمام السنه اروپائی و قسمتی از زبان های شرقی ترجمه شده میگوید هر قدر در تربیت دماغی اطفال زود تر شروع شود بهمان درجه از قوای بدنی اطفال کاسته شده آنها را ضعیف و علیل ورنجور خواهد نمود رشد و نمو قوای دماغی اطفال رابطه محکمی بر رشد و نمو قوای بدنی دارد تا قوای بدنی اطفال بقدر کافی برومند نشده اشتباه بزرگی است قوای دماغی اطفال را بکار وادارند و علاوه میکنند که بزرگترین علماء علم طب و حکمت اظهار می دارند ما حاضر نخواهیم شد اطفال ما تا بسن هشت سال نرسند حروف الفباء را به آنها تعلیم دهند (۳) همه کس بمضار آن پی برده و میدانند که فشار آوردن به دماغ اطفال نابالغ اسباب خطر جانی برای آنها میشود و اغلب آنها را ضعیف - کودن و

(1) Herbert spencer

(2) Education

(3) Education By Herbert Spencer

تنبیل بار میاورد و کاهی هم بمرک خاتمه پیدا میکند باز در اینجا بر میخوریم بیک درد بی درمان که برای چاره و علاج آن مرور زمان لازم است نمیتوان باسانی جبران کرد و آموزش معلم است که قبلا هم در این باب صحبت شده است معلم باید تمام این معایب را در نظر بگیرد و بداند طفل ایرانی در چه سنی باید الفباء خود را شروع کند و باچه حکایات شیرین و کوچک و مختصر او را مفتون کلمات کنند بعد از آن چگونه کتابهای قشنگ و زیبارا که مخصوص اطفال است برای تشویق و ترغیب او تهیه نموده در سهای اولیه را خیلی سهل و ساده بازبان اطفال بانها بفهمانند تمام اینها بدون هیچ زحمت و صبر و تحمل و حوصله و بردباری ممکن نیست و از ایرانی و معلمین امر روزی هم بر نمیاید - چرا - هزار دلیل دارم فقط بیکمی از آنها قناعت میکنم و میگویم برای اینکه زندگانی ایرانی مرتب نیست و چون مرتب نیست از فردای خود ایمن نیست چون از فردا ایمن نیست امر معاش او مختل است چون امر معاش او مختل است حواس جمع ندارد خلاصه حوصله ندارد و نمیتواند با اطفال خورد سال معصوم سربسر بگذارد و باو حالی کند و با آنها با شیرین زبانی صحبت کند دروس اولیه را با طرح های خوب و زینبند با اطفال حالی نماید از روزی که طفل قدم بعرضه وجود میگذارد بحکم طبیعت اعضاء و جوارح طفل شروع به نمو و رشد میکند و مدام میخواهد دست و پا بزند و هر قدر رشد و نمو میکند این حرکات زیادتیر میشود و تابسن ۲۵ سال برسد این حرکات

اجباری و بدون اراده است اما تا پانزده سال نباید مانع از ورزش و حرکات او شد هر وقت که او را از حرکات باز دارید از رشد و نمو او جلو گیری کرده اید و قتیکه از رشد و نمو قوای بدنی او جلو گیری شد از رشد و نمو قوای دماغی او جلو گیری شده است

بنظر نگارنده که بسیار در این باب مطالعه نموده ام تا سن ۱۵ ساله طفل ب ورزش او بیشتر باید دقت نمود و وقت صرف کرد تا بدروس او زیرا يك سر سالم باید روی شانه و گردن برومند و توانا قرار گیرد این نباشد آن یکی ممکن نیست وجود داشته باشد پس درسهای ورزش بدنی او بیشتر در این اوقات مهم است تا درسهای کتابی چون علاقه نیست - علم نیست - اطلاع نیست اطفال را از خورد سالگی و غالباً پنج یا شش سالگی بمکتب و مدرسه میفرستند و در تحت نظر این معلمین عبوس که صبح با يك جار و جنجال و دعوا و نزاعی از خانه بیرون آمده میگذارند و انتظار دارند که این معلمین مردان عالم و بصیر جدی و وطن خواه خوش اخلاق قادر و توانا تربیت خواهند نمود روح شهامت و توانائی را این مدارس در اطفال خفه می - کنند آزادی آنها را میگیرند و آنها را مانند بهائم بار میاورند اذهان آنها را خسته و کسل و با درسهائی پر میکنند که هیچ بحال اطفال در زندگانی آینده آنها مفید نیست .

طفل از سن سه سال هم میتواند بمدرسه برود اما چه نوع مدرسه مدرسه مخصوص اطفال خورد سال که فقط معلومات

دهربان تر از مادر باید آنها را بیازی بگیرند که در تحت نظر این نوع معلمات تربیت شده باشند

در دنیای آدمها عده این نوع مدارس از حد بیرون است و اطفال خورد سال در این مدارس که باغ و فضای بسیار وسیع قشنگ و زیبایی دارد و با گل و ریاحین آراسته شده و سرتاسر سبز و خرم است این اطفال مانند ملائکه های بهشتی در تحت نظر معلمات خوش خلق و خوش اندام و آراسته که خود نیز مانند یکی از آنهاست مشغول بازی و تفریح و گردش و در ضمن نیز آواز و سرودهای مخصوص اطفال را گاهی میسرایند و هی - رقصند. - اینست مدارس اطفال خورد سال شب که این گونه اطفال بمنزل خود عود میکنند گونه های سرخ لبهای خندان و دماغ آنها پراز عطر گلهای باغچه اطفال است شب را با امید فردا زودتر می خوابند که صبح زود تر حاضر شوند حال شما هم میخواهید اطفال خورد سال سه ساله یا چهار و پنج ساله را بمدرسه بفرستید کدام معلمه کدام باغ سبز و خرم آراسته؟

اطفال این مدارس تا بسن شش و هفت سال برسند خواندن و نوشتن حروف و کلمات کوچک و حکایتهای شیرین مخصوص اطفال خورد سال را بلد هستند و نمیدانند چگونه و با چه شیرین زبانی آنها را در مغز و ذهن اطفال جای داده اند حال شما نیز اگر چنین معلمات و چنین مدارس و چنین افسانه ها و حکایات شیرین و مطبوع طبع اطفال دارید اطفال خودتان را بفرستید معطل نشوید فرصت از دست دیود و اگر

ندارید اقلان نشسته غصه بخورید و گریه کنید دلیل هم بیاورید از شما قبول میکنند « گریه بر هر درد بیدرمان دواست . » حال که اینطور است باید دید چه باید کرد اطفال را در خانه - های تنگ و تاریک نگاه داشت یا آنها را برای تعلیم و تربیت به مدرسه فرستاد و آیا در چه سنی باید فرستاد ؟

بنظر نگارنده سن دلیل نیست در هر سن میشود فرستاد ولی باید فکر این را کرد که برای چه باید فرستاد و برود باین مدارس چه بکنند اگر اسباب بازی و تفریح است و سائل و اسباب آن در این مدارس وجود ندارد و اگر برای تعلیم و تربیت است تصور میکنم کتب دروس برای اطفال خورد سال وجود ندارد و اگر فردا یکعده از این کتب حاضر و آماده شود آن وقت معلم این مدارس نیست در هر صورت مشکل حل نمیشود چه میشود کرد همین است که ملت باید از همین اوضاع حاضر صحبت کرد و دید چگونه میشود از این مدارس استفاده نمود و اطفال را در چه سن و سالی میشود باین مدارس فرستاد و امیدوار بود دارای يك تعلیم و تربیت حسابی بشوند .

اطفال ایرانی را وقتیکه داخل سال هفتم زندگانی خود میشوند باید بمدرسه فرستاد ولی مدرسه هر قدر تمیز و وسیع و آراسته و زیبا باشد بهتر و مناسب تر بحال اطفال است روح آنها در آن فضای پاک و وسیع و آراد باز و روشن میشود معلم باید فوق العاده مهربان و خوش خلق و شیرین زبان باشد و بداند که با اطفال معصوم طرف است و این اطفال بهیچوجه برای عتاب

و خطاب درشت و خشن او بانجا فرستاده نشده بلکه فقط برای بازی و تفریح مرتب و منظم بدست او سپرده شده که خود او نیز مانند همراز اطفال با آنها بیبازی و تفریح مرتب و منظم مشغول باشد و آنها را مشغول کند در ضمن اگر فرصت بکند بجا و موقع مناسب بانها يك درس اخلاقی شفاهی بدهد چه بهتر و اگر نمیتواند ازعهده اینکار بر آید دیگر شر نرساند از آداب و رسوم و شرعیات دیگر با آنها صحبت نکند زیرا اذهان اطفال باین عبارات درشت و خشن آشنا نیست آنها را باوقات دیگر که قوای دماغی اطفال رشد و نمو کرده است بگذارد .

در این مدارس و در تحت نظر و تعلیم این قبیل معلمین بگذارند سال اول باخر برسد و بهار که تمام شد اطفال ازمدارس بخانههای خود آمدند و تابستان در منزل بسر بردند برای اول یائیز خود را برای سال دوم آماده خواهند نمود و بایک شوق و ذوقی خود را برفتن مدرسه حاضر خواهند کرد در سال دوم که اول سال هشتم زندگانی اطفال است درسهای الف وباء شروع خواهد شد آنها فقط در تمام روز دوساعت در چهار نوبت در عوض اگر اوقات مدرسه شش ساعت در روز باشد چهار ساعت مشغول بازی و تفریح خواهند شد یعنی نیم ساعت درس با کمال خوش خلقی و شیرین زبانی معلم و یکساعت بازی که هم بازی مهربان با محبت معلم است در اینسال لازم نیست معلم عوض شود يك معلم و برای تمام سال کافی است زیرا اطفال بکه شناس هستند و وقتی که معلم سال اول و دوم یکی شد اطفال بیشتر با آن معلم مأنوس

میشوند و خجالت نمیکشند و هر سؤال را میتوانند بدون شرم حضور از معلم خود بکنند و قتیکه معلم عوض شود این محسنات اربین میرود بهتر و انسب آنستکه معلم یکی باشد و سال اول و دوم را اطفال در تحت نظر و تعلیمات آن يك معلم بیایان برسانند مشروط بر اینکه بهیچوجه بدروس اطفال علاوه نکنند و بگذارند همان کتاب سهل و ساده و زیبا و قشنگ را (که هنوز در ایران یا بر صه وجود نگذاشته) بخوانند و با آن سال را تمام کنند نه کتاب را - سال سوم مدرسه که اول سال نهم اطفال است دیگر اطفال نظر باستعداد ذاتی و فطری تقسیم میشوند انهائیکه استعداد مخصوص دارند باطاقهای مخصوص میروند انهائی که تا اندازه در بنیه و دماغ ضعیف هستند باطاقهای دیگر میروند ولی دروس باید خیلی سهل و ساده و تصور میکنم اگر بکتاب ابتدائی يك کتاب حساب و يك کتاب افسانه نیز علاوه شود بهتر است و باید این کتاب ها مخصوص باین اطاق درس نوشته شده باشد بسیار سهل و ساده و فوق العاده آسان و معلمین مخصوص انها را درس بگویند و مواظب باشند هیچوقت ذهن طفل خسته نشود و اوقات دروس هم در يك دفعه از نیم ساعت تجاوز نکند ولی در عوض يك ساعت تمام بازی و تفریح این بازیها باید طوری گرم و باروح باشد که وجنات اطفال مانند گل سرخ گلگون باشد هر اندازه این بازیها و تفریح ها و جست و خیزها از روی شوق و ذوق باشد بهمان اندازه بصحت و تندرستی اطفال کمک میکند سال سوم نیز باید دو ساعت درس و چهار ساعت بازی

باشد در حقیقت این ۳ سال را میتوان ۳ ساله بازی و تفریح اطفال در مدرسه نامید و آنها را گذاشت و وا داشت در میدانهای بازی مدارس قوای بدنی خود را صحیح کنند و دماغ آنها برای دروس جدی که از سال چهارم یا اول سال دهم زندگانی اطفال شروع خواهد شد حاضر شود اگر باین ترتیب پیش برود اطفال برای اول سال چهاردهم زندگانی خود شش کلاسۀ ابتدائی را تمام کرده با بنیۀ صحیح و دماغ تر و تازه خود را برای کلاسهای متوسطه آماده خواهند نمود.

من مایلم چند کلمه در پرگرام وزارت معارف صحبت کنم و بگویم این پرگرام برای اطفال ثقیل است اطفال تا ۱۵ ساله احتیاج ندارند از کفن و دفن و مرده و زنده و خمس و زکوة چیزی بدانند یا صرف و نحو و مدارج را بخوانند باد دادن انواع و اقسام غسل ها باطفالی که سن ۱۵ نرسیده چه حسنی دارد؟ انتظار نماز خسوف و کسوف از اطفال داشتن چه مورد دارد؟ من میخواهم این عبارت را باطفال حالی کنم راه حالی کردن آن چگونه است (در اجزائیکه در آنها روح حلول ننموده از حیوان ما کول اللحم نماز صحیح است اگر چه از میت جدا شده باشد) (۱) اصلا ذهن طفل نمیتواند این الفاظ و عبارات را درک کند در حقیقت با این عبارات و کلمات و کتب اذهان اطفال ضایع میشود و آتیه او را بواسطه جا دادن این کلمات در دماغ طفل خراب میکند اذهان اطفال بضبط این عبارات قادر

نیست بزوز و فشار در مغز طفل جا دادن هم غلط است من نمی خواهم تنقید کنم نه تنها کتب شرعیات کتب دیگر نیز از همین قبیل است باید يك فکر اساسی کرد علماء و ادباء را جمع نمود و يك رشته کتب دروس بفرخور تعلیمات امروزی تهیه کرد و بدست معلمین صحیح و مطلع سپرد که آنها را تدریس کنند و جلوگیری کرد از اینکه هر کس هر کتابی را که می خواهد بهر شکل و ترتیب چاپ میکنند و هر قیمتی را که می خواهد دریافت کند و بر اولیای اطفال تحمیل نماید آزاد باشد این غلط است و مفاسد بی شمار دارد این حق وزارت معارف است و بس و مدتها هم باید جاری و برقرار باشد تا قوه فهم و رشد و تمیز در جامعه پیدا شود تا بدانند که هر کس هر چه دارد باید در این راه نثار کند نه اینکه کتب دروس منبع يك عایدی برای اشخاص متفرقه باشد.

امروز چه علومی لازم است؟ و اساس تعلیم و تربیت چیست؟

این يك موضوع بسیار مهم اساسی است که در این مملکت امروز چه علومی لازم است که اطفال آنها را فرا گیرند یا اینکه اصولا اساس تعلیم و تربیت چیست اگر توانستیم بطور واضح و روشن این موضوع را تشریح کنیم چه بهتر حل تمام مشکلات تعلیم و تربیت شده و بایک امیدواری و اطمینان به اتمیه میتوانیم از تربیت آینده اطفال ایرانی خاطر جمع باشیم

درین موضوع که می خواهم داخل در بحث آن بشوم علماء

بسیار سخن رانده اند از آنجمله استاد ذوفنون دانشمند معروف و متبحر انگلیسی هربرت اسپنسر است که بیش از هر کس داخل این بحث شده و دقت نموده است

استاد معظم اساس تعلیمات را روی يك شالوده فلسفی و علمی گذاشته گوید اولاً باید دید احتیاجات بشر چیست؟ چه چیز در زندگانی بشر الزام و واجب است که انسان آنرا فرا گیرد بعد داخل در جزئیات امر شده یکایک را شرح میدهد و باین نتیجه میرسد که انسان قبل از هر چیزی باید بداند چگونه وجود خود را حفظ کند و چه چیز اسباب هلاکت و چه چیز اسباب رشد و نمو قالب اوست و چه علومى را فرا گیرد که خود را از بلیات ارضی و سماوی محفوظ دارد بعبارت دیگر تکلیف و وظیفه اولیه بشر این است که علومى را فرا گیرد که برای بدن و سلامت مزاج و بقای انسان لازم است و اگر دارای این معلومات نباشد نمیتواند از سلامتی و حیات خود ایمن باشد قدم دوم معلومات و علوم که انسان محتاج بدانستن و آموختن آنها می باشد عبارتست از فنون و صنایع و اطلاعات و معلومات بدی که بتواند بواسطه آنها امور معاش و زندگانی خود را اداره کند انسان بدون دانستن طرق تحصیل ثروت یا تولید ثروت و مهیا نمودن اسباب و وسائل آن نمیتواند در دنیا زنده بماند حیات و بقای او بسته بقوه تحصیل ثروت اوست و آن نیز بسته و مربوط بدایره علم و فن و اطلاع اوست که هر قدر وسیع تر باشد بهمان اندازه تهیه و تولید ثروت برای او

سریع تر و آسان تر خواهد بود قدم سوم باید معلوماتی را فرا گیرد که بتواند بواسطه آن خانواده و عائله خود را اداره کند این نیز يك دامنه وسیع دارد که هر انسان لایق و کافی و مفید بحال جامعه خود باید این علوم را دارا باشد و بدون این علم قادر نیست يك پدر صحیح و توانا تعلیم و تربیت اطفال خود را دارا باشد.

در قدم چهارم دارای معلومات و علوم و اطلاعات برای یکنفر که عضو جامعه يك ملتی است این نیز يك معلومات مخصوصی است که هر وطن پرست و ملت دوستی باید دارا باشد و بداند نفع و ضرر ملت و وطن او در کجاست و از چه چیزها در سیاست باید احتراز نمود و از چه چیزها باید استقبال کرد ملت او با چه مللی روابط حسنه دارد و با چه مللی دشمنی های تاریخی در میان است تاریخ ادبیات آداب و رسوم و شئون و مذهب وطن و ملت خود را خوب بداند منابع ثروت و طرق بکار انداختن آنها و راه تولید ثروت و طرق تجارت و صنعت و زراعت مملکت خود را بداند بعبارت دیگر علوم و فنونیکه در این رشته لازم است آنهائی هستند که آن شخص را بتمام جزئیات مملکت خود آشنا کنند و از احوال روحیه ملت خود واقف باشد و بداند روحیات ملت او از چه چیزهائی تحریک میشود و از چه چیزهائی اعصاب آن آرام و ساکت میماند خلاصه کلام باید باندازه معلومات داشته باشد و تحصیل کند که بتواند در میان ملت خود يك مقام ارجمندی را دارا باشد و برای ملت

و وطن خود مفید باشد و يك ستاره درخشانی در میان ملت خود باشد که بحیات ملی و وطنی خود رونق و فروغ بخشد در قدم پنجم که راحتی و خوشی و روح يك ملتی لازم دارد آن علوم و صنایع مستظرفه است مانند نقاشی موسیقی و آواز و امثال اینها که ترقی روحی و ذوقی يك ملتی مربوط به آنهاست .

فیلسوف معظم گوید درینصورت دانستیم که برای انسان چه علومی لازم است و با این جار و جنجال روزگار و این کوتاهی حیات و زیادای کار که در جلو هر انسان است نمیتوان ایام طفولیت و عمر جوانی و سن کهولت را بیهوده گذرانید و آنها را در جاهائی صرف نمود که نه خود نه وطن خود و نه جامعه خود از انسان بهره مند شود پس قدر و قیمت انسان در معلومات اوست و قتیکه این مسئله بر ما مسلم شد باید دید چه دانشی (۱) در قدر و قیمت مهم تر و ذی قیمت است ؟ اگر این سؤال را جداً از خود بکنیم خواهیم دید جواب محکم و متین آن این است که علم (۲) و این يك جواب قطعی و ثابتی است که در هر مورد و در هر حال حقیقت ظاهری خود را آشکار خواهد ساخت مثلاً برای حفظ و نگاهداری حیات و نمو و رشد بدنی و دانستن اصول حفظ الصحه و مهمتربین معلومات در این قسمت دانستن (علم است) برای کسب معاش و تهیه وسائل زندگی معلوماتی که بزرگترین ارزش را برای انسان داشته باشد « علم است » برای اجرای وظایف پدری و فراهم آوردن اسباب

راحتی و خوشی خانواده و تهیه وسایل تعلیم و تربیت اطفال بهترین هادی و دلیل در این قسمت فراگرفتن « علم است » برای دانستن و فهمیدن اوضاع وطنی و احوال ملی در گذشته و حال که بدون دانستن آنها يك وطن پرست و ملت دوست حقیقی نمیتواند تکالیف ملی و وطنی خود را بطور کامل ادا کند واجب ترین و الزم مفتاح تمام این مشکلات برای انسان « علم است » همچنین بوجود آوردن عالی ترین و کامل ترین قسمت های صنایع ذوقی و شوقی و تفریح دماغی يك ملتی مانند نقاشی - موسیقی و غیره در هر صورت و شکلی بهترین وسیله تحصیل آنها در مقابل انسان دانستن « علم است » (۱) موضوع تمام علوم برای نفع تمام بشر در تمام ادوار گذشته و حال و آینده است .

اینك دانستیم چه نوع دانش ها برای اولاد انسان لازم است و وسیله دانستن آنها چیست و بعد از اینکه به کسب آنها موفقیت حاصل شد در کجاها باید بکار برد تا انسان بتواند آن وظایف انسانی را که فقط برای خاطر آنها باین جهان آورده شده با اطمینان کامل و با قلب پر از شوق و شغف درباره خود خانواده خود، ملت و وطن خود انجام دهد .

وقتیکه طفل دوره مقدماتی خود را پیدایان رسانید در حفظ الصحه او دقت کامل شده و دماغ او را تر و تازه بار آوردند

(1) Education Intellectual, and Physical By Herbert Spencer. London. 1906. P. 63-4

و بهیچوجه کلمات یا عبارات یا مطالب کسل و خسته کننده باو تلقین نکردند و او را برای فرا گرفتن معلومات و دانش فقط ترغیب نمودند و تشویق کردند. معلمین خوش سیرت و شیرین زبان و دلسوز و علاقه مند برای او فراهم آوردند آنوقت است که این طفل مستعد فرا گرفتن هر نوع معلومات سودمند و مفید است در همین هنگام است که باید اطفال ۱۴ ساله را بمیل و رغبت و رضای باطنی و طبیعی خودشان دعوت نمود علوم و صنایع که اسباب ترقی و سعادت دیگران شده و آنها را باین درجه قادر و توانا و برومند نموده است اینها نیز فرا گیرند - در تقسیمات استاد ذوفنون هربرت اسپنسر دیدیم که قدم اول فرا گرفتن دانش و معلومات است که برای حفظ و نگاهداری و نمو و رشد بدنی است یعنی يك انسان بدون دانستن این قسمت از معلومات که انسان در تحت تأثیر چه نوع عواهل قابل رشد و نمو است و از چه نوع عواهل که باعث فنا و اضمحلال اوست باید احتراز کند بهتر این است که در اینموضوع عین عبارات کتاب فوق الذکر که موسوم به « تربیت » است ترجمه شود.

اگر کسی در اهمیت دانستن و آشنائی بقوانین اصلی علم اعضاء و جوارح انسان (فیزیولوژی) در تردید است که بهترین وسایل حفظ زندگانی و حیات است خوب است باطراف و جوانب خود نیز نظری بیاندازد و ببیند چقدر از مرد ها و چقدر از زنها درسنهای متوسطیا در آخر عمر دارای بنیه و ساختمان صحیح و کامل هستند ندرتاً ما برمیخوریم باشخاصی

که علائم و آثار قوت و توانائی ادوار جوانی را دارا هستند و تا آخر حیات با آنها این قوا همراه است ولی هر ساعت باشخصی تصادف میکنیم که نمونه‌هایی از اشخاص علیل المزاج و دارای ناخوشیهای مزمن که قبل از وقوع و در سن های جوانی مبتلا شده‌اند تقریباً این قبیل اشخاص نایاب هستند که در تمام عمر خود بواسطه ندانستن قوانین معین حفظالصحه خودشانرا گرفتار يك یا چندین نوع ناخوشیها نکرده باشند در صورتیکه مختصر اطلاع از اصول حفظالصحه ممکن بود آنها را از يك یا چندین خطرهای مهلك و کشنده ناخوشیهای معمولی نجات دهد گاهی برمیخوریم باشخصی که مبتلای ناخوشیهای مرض قلبی هستند که در نتیجه تب روماتیک (۱) که از اثر بی توجهی آنها از سرما بوده عارض گشته است اگر اندک اطلاعی از فیزیولوژی داشتند هرگز مبتلا باین مرض نمیشدند

بسا اشخاصی که چشمهای خود را بواسطه عدم اطلاع از اصول حفظالصحه آن بواسطه مطالعه زیاد از دست داده و تا آخر حیات از المایند بصری محروم مانده اند در حالتیکه جزئی اطلاع از اصول حفظالصحه آنها را از این ناخوشی مصون نگاه می داشت

دیروز داستان يك شخصی مطرح بود که بواسطه صدمه جزئی که بزائوی او وارد آمده بود میبایست چند روزی برای بهبودی آن استراحت کند غفلت نموده آنها را بکار انداخته و در

(1) Rheumatic Fever

نتیجه آنها بکلی فلج و از کار انداخته است و اگر این شخص جزئی اطلاعی از ساختمان و تشریح آن داشت ممکن نبود بپای لنگ حرکت کند و آنها تا آخر عمر خویش فلج نماید.

امروز از يك شخص دیگر حکایت میکردند که مجبور شده است برای چند سال در رختخواب بیماری بخواهد تا شدت ضربان قلب که بواسطه انجام و مداومت کارهای دماغی خارج از اندازه عارض او شده است رفع شود باز از شخص دیگر سخن در میان است که بواسطه نمایش بعضی عملیات ابلهانه پهلوانی که فوق قدرت و توانائی بشری است خود را علیل و تا آخر عمر خود را ضعیف و ناتوان کرده است چه بسیار کسانی که بواسطه عدم علم و اطلاع مختصر از اصول و قوانین علم ابدان بشری خود را بدبخت و پریشان و عائله‌های خودشان را گرفتار فقر و فلاکت نموده‌اند.

در حال ما امروز از این قبیل اشخاص بسیار مشاهده میکنیم که نتیجه بی‌مبالائی از رنج و تعب و ضعف و خستگی و ناتوانی بدون استراحت و جبران و تفریح عارض شده اسباب اتلاف نفوس ذکيه گردیده اوقات گرانبها و مبالغه بیحد و حساب مصرف گردیده و از انجام کلیه تکالیف وجدانی بازمانده و عاقل و باطل شده‌اند و برای انجام هیچ خدمتی نمیتوانند قادر باشند و از انجام تکالیف و وظایف پدری باز مانده و از بجا آوردن خدمات ملی و وطنی خود ناتوان شده و از لذائد و خوشیهای طبیعت محروم مانده‌اند.

آیا این مسئله بطور واضح روشن نشده گناهان بیشمار (قسمتی از پدران بارث رسیده و قسمتی خود مرتکب شده) که باعث ظهور اینهمه ضعف بنیه و عدم صحت و تن درستی شده بیشتر باعث خرابی حیات بشری میباشد تا علل دیگر ؟ تا اندازه زیادتری درعوض خوشی و خرمی زندگانی جهان باعث خرابی و اضمحلال آن شده است ؟

منحصر باین تنها نیست حیات بشری که باین اندازه عزیز و گرانبها است نه تنها زبون و از کار افتاده است بلکه عمر و ایام زندگانی آن نیز کوتاه شده است اینکجه معروف است و میگویند بعد از يك ناخوشی و مداوای آن و عود صحت و برخاستن از رختخواب بیماری انسان مجدداً بحال اولیه عود میکند این يك غلط و اشتباه بزرگی است باید بدانند که هر نوع اختلال درعضوی از اعضاء بدن پیدا شود باعث از کار افتادن آن میگردد یا آنرا از اجرای وظایفی که طبیعت بشری برای آن معین نموده است منحرف میکند يك چنین اختلالی ممکن نیست رفع شده و آن عضو را بحال اولیه خود بگذارد بلکه يك خسارت باقی و دائمی بر آن وارد شده است اگر چه آن محسوس نیست ولی همیشه در آن قسمتها باقی است و طبیعت آنه یکنانه محاسب دقیق انسان است با سایر خطاهای او رویهم جمع کرده از ایام حیات کسر خواهد نمود و وقتی حساب ما را ارائه خواهد داد که ایام عمر ما در سن جوانی باخر رسیده و دم واپسین باقی مانده است

بواسطه تجمع ناخوشی های جزء و عوارض مختصر حیات انسان غالباً رو بضعف و سستی میرود و در نتیجه گرفتار چنگال مرگ میگردد در صورتیکه با رعایت اصول معلوم و معین بسیار سهل و آسان است که آنها تا آخر عمر طبیعی بخوبی و خوشی ادامه داد.

وقتیکه عمرهای طبیعی و متوسط را با زندگانی امروزی که چه اندازه کوتاه و غیر طبیعی است مقایسه میکنیم آنوقت است که میفهمیم خسارت و زیان ما چه مقدار است و این کسری های پی در پی که بواسطه بی مبالاتی از اصول حفظالصحه بدن نسبت بزندگانی صورت میگیرد دیده میشود که در حقیقت نصف ایام عمر گرانمایه و ذیقیمت انسان دور انداخته میشود (۱) پس بنا بر آنچه که در فوق گذشت آن دانشی که اسباب حفظ و نگاهداری و صیانت وجود شخص انسان است و بواسطه آن از فنا و اضمحلال حیات بشری جلو گیری میشود در درجه اول اهمیت واقع است در اینجا ادعا نمی کنیم که دارا بودن این دانش و معلومات کاملاً ما را از تمام مفاسد و خطرات امراض مصون و محفوظ خواهد داشت پر واضح است که در حال حاضر تمدن امروزی دنیا احتیاجات روز افزون انسان را

(۱) مقصود در اینجا افراط و تفریط و غوطه ور شدن در لذات جهان است که هر انسان گرفتار شده این عادت مذموم خواهی نخواهی دچار يك نوع امراضی خواهد شد نه تنها خود بلکه اولاد و اعقاب او نیز گرفتار این درد و الم شده تا نسل او باقی است از میان آنها بیرون نخواهد رفت - در رساله سوم مشروحا در این قسمتها بحث خواهد شد

و ادار میکنند که از حد اعتدال خارج شود بعلاوه باعدم چنین اجباری پر معلوم است که تمایل آنها برخلاف تصمیمات اولیه شان غالباً آنها را و ادار میکنند که آتیه درخشان خود را فدای مسرت و لذت آنی و حاضر بکنند ولی ادعای ما در این است که دانش حقیقی و صحیح که بطور تأکید در موقم مناسب تحصیل شود فوق العاده مؤثر و سودمند است بعلاوه گوئیم که قوانین و اصول حفظ الصحه باید قبل از اینکه بانها عمل و رفتار شود بطور واضح و روشن دانسته و شناخته شوند و اطلاع بیک چنین دانش و علمی باید مقدم بر یک زندگی و حیات عاقلانه زمینده باشد تا اولی نیست ثانوی نیز صورت خارجی پیدا نخواهد نمود.

وقتیکه استنباط میکنیم که صحت بدن و سلامتی نفس و روح با شهادت انسان و مسائل مهم خوشی حیات و راحتی دماغ و امثال اینها هستند در این صورت تعلیم و تدریس اصول آن بر هر رشته از معلومات علمی باید برتری و تفوق داشته باشد بنا بر این مسلم است که تعلیم و تدریس دوره معین و معلوم فیزیولوژی بقدر لزوم که شامل حقایق و اصول اساسی این علم شریف است و تناسب و رابطه روشن و واضحی در زندگی یومیه هر فردی از افراد اولاد انسان دارد و از اهم واجبات و قسمت اعظم تعلیم و تربیت مفید و سودمند و عاقلانه است.

شاید این نظر برای اشخاص معلوم و معین خوش آیند نباشد و با نظر تحقیر بر آن بنگرند ولی اگر توجه کنند خواهند دید

کمال اهمیت را داراست (۱) اگر کسی بندر جز را با دره جز
فرق ندهد اسباب استهزاء حاضرین است یا میر جاوه را یکی
از بنادر خلیج فارس بداند اسباب خنده است ولی ندانستن حالت
عادی نبض یا جریان معتدل قلب یا علت ورم ریه و کبد و اینکه
وظیفه ستون فقرات چیست خجالت ندارد

در صورتیکه این است که رابطه مستقیم با زندگانی انسان
دارد و مردم شایق و مایلند که اولاد آنها در مسائل تاریخی و
احوال و سوانح و خرافات دو هزار سال قبل عالم و بصیر باشند
ولی مایل نیستند و توجه ندارند آنها را بساختمان بدنی و
استخوان بندی و اعمال اعضاء و جوارح بدن انسانی آشنا کنند
این است وضع تعلیم و تدریس پوسیده امروزی و اینست اوضاع
خطرناک تعلیمات ظاهری که از عدم اطلاع اینهارا بر آنچه در عالم
مفید و سودمند است رجحان داده اند « (۲)

از این قسمت بگذریم قدم دوم تعلیم و تربیت در زندگانی
انسانی که مفید و سودمند باشد کسب معلومات و اطلاعاتی است
که در تمام مدت عمر بشر لازم و واجب است که آنها را دانسته
و برای کسب معاش روزانه خود بکار اندازد بعبارت دیگر بعد
از دانستن اصول اولیه حفظ الصحه بطور مختصر و مفید که بواسطه
همان معلومات موجز قادر است از جسم و روح خود حفاظت
(۱) در اینجا فیلسوف جلیل القدر مثلی ایراد میکند که عین ترجمه در
فارسی مفهوم نخواهد بود بهتر دیده شد که يك مثل فارسی که روح مقصود اصل
کتاب را داشته باشد ایراد شود
(۲) کتاب تربیت تألیف هربرت اسپنسر فیلسوف معروف انگلیس صفحه ۲۰

کنند و آنرا در حال صحت و تندرستی و توانائی نگاهدارد لازم می آید که رشته را در پیش گرفته تحصیل نماید تا وقتی که وارد دنیای عمل و کار میگردد بتواند در میدان مبارزه حیات پایداری کرده جای و مقام خود را باز کند و با مهارت و از روی اطلاع معاش روزانه خود را از طریق مشروع و شرافتمند بدست آورد.

بنظر نگارنده بهترین طرق همان راهی است که فیلسوف معظم هربرت اسپنسر هدایت نموده است و تقسیمات تحصیل سودمندی را نشان داده است و در حقیقت برای ملتی که میخواهد مقام خود را در دنیا حفظ کند و اولاد وطن خود را برای مبارزه حیات آماده کند باید همان اصول تقسیمات این دانشمند را تعقیب و رشته های تحصیلی را که نشان داده است دنبال نماید من نیز نظر با اهمیت موضوع همان تقسیمات فیلسوف عالی قدر را تعقیب میکنم و نظریات معظم الیه را بطور خلاصه مینسکارم.

وقتی که دانستیم حفظ بدن مربوط بدانستن کدام یک از معلومات است و اسباب رشد و نمو آنرا هم تمیز دادیم و از علل و اسبابی که ممکن است بجسم و روح ما زیان آورد مطلع شدیم و بموقع و بجای خود آن قوانین و اصول را رعایت نمودیم دارای یک جسم قادر و توانا و یک روح با شهامت و باجزم و اراده محکم و متین خواهیم شد آنوقت است که باید دید بچه وسیله آنرا با همان حال صحت و تندرستی نگاهداشت در اینجا بهترین راه طریق کسب معیشت و ما بحتاج روزانه است که برای تهیه اسباب و وسایل آن محتاج معلومات و اطلاعات خواهیم

شد که از چه راه و طریقی بهتر و مناسب تر بتوان تحصیل معاش نمود و عاقلانه در دنیا امرار حیات کرد اینرا هم باید قبلا تذکر بدهم که لذت حیات در تحمل رنج است رنج نیست راحت نیست آن کسانیکه دنبال راحتی در تلاش هستند در اشتباهند زیرا وقتی انسان خوش و خرم و راحت است که يك کار مفید و سودمندی را انجام داده است فقط راحتی خیال و تفریح دماغ وقتی است که انسان وظیفه خود را صمیمانه انجام داده است هر تفریح دماغی که تصور کنید بعد از تحمل يك رنجی است تارنج نیست تفریح نیست پس بدون رنج دنبال راحتی و خوشی گردیدن يك نوع ناخوشی است که فقط یکنانه علاج آن کوشش و تحمل زحمت در يك کار سودمندی است .

امروز اشخاص دارا و صاحبان ثروت و املاک متعددباین نکته متوجه شده اند که ثروت یا تمول یا املاک نیست که اسباب ناخوشی و راحتی خیال و جسم باشد بلکه کار و تحمل رنج و اشتغال بيك عمل مفیدی است که در آنها سلامت نفس و راحتی خیال و آسایش بدن تولید میشود

هر کس از هر طبقه که میخواهد باشد اگر میخواهد يك زندگی خوش و خرم و با صحت بدن و راحتی خیال داشته باشد مانند يك عمله کار کند مانند یکنفر فقیر امرار معاش نماید و مانند يك حکیم و دانشمند فکر کنند - اگر لذت حیات انسانی را طالب است این نسخه برای آن سودمند است

باری در همه سر مطالب اینها جمله های معترضه بوده مقصود

اصلی فرا گرفتن معلوماتی است که در کسب معاش و زندگی بشری مفید است .

باستثنای عدّه قلیلی که بار دوش جامعه اند و ابدأ بطریق سعی و عمل آشنا نیستند افساب و وسایل معیشت آنها تحمیل طبقه کارگر و مولدین ثروت است باقی دیگر طبقات مشغول کسب و کار و تولید ثروت هستند و کارهای آنها بیش از سه قسمت ندارد یا تولید ثروت است یا تهیه ثروت و یا تقسیم ثروت و از این سه حالت خارج نیست و مقیاس و اندازه و تسهیل یا تقسیم آنها بمیزان علم و اطلاع متصدیان آن اقسام سه گانه است هر اندازه معلومات یا اطلاعات بهتری فرا گرفته باشند بهمان میزان و درجه در تولید و تهیه و تقسیم ثروت بهتر و ماهر تر و سریع تر خواهند بود .

حال باید دید آن اطلاعات که اسباب کثرت و سهولت و سرعت در عمل است چیست ؟ یقین است در قدم اول دانستن اصول و قوانین مخصوص هر يك از این قسمتهای سه گانه است . آن شخصی که کار او تولید ثروت است باید از خواص طبیعی و شیمیائی و ذاتی آن متاعی که مشغول پرورش و بعمل آوردن آنست آگاه باشد درینصورت لازم میشود از علمو که از این موضوع بحث مینماید اطلاعی داشته باشد .

حال این يك قسمت را میگیریم و پیش میرویم ببینیم در مملکت ما اوضاع و احوال تولید ثروت چگونه است آیا نسبت بان اصول و اساس تولید ثروت توجه میشود یا نه ؟ اگر

میشود اینهمه بدبختی و فقر و فلاکت در میان طبقه کارگر برای چیست؟ اگر نمیشود و نسبت بان اصول توجهی ندارند چرا ندارند؟ آیا میشود جلب توجه کرد یا نه؟

ایران يك مملکت زراعتی است و سرمایه آن آب خورشید و زمین است که الحمدلله لطف خداوند تبارک و تعالی این نعمت کرانبها را برای ایرانی بکثرت آماده نموده است فقط محتاج بدست قادر و توانائی است که از آن نعمات الهی استفاده کنند و باید آن دست با قدرت را فراهم آورد و آنرا با اسباب و ادوات امروز مسلح کرد و بعلم و اطلاع زراعت امروزی آشنا نمود آنوقت او را بکار واداشت و گذاشت بیست برابر محصول کنونی را بوسیله آن اطلاع و معلومات بعمل آورد و يك قانونی هم وضع گردد که مناسبات مالک و رعیت را معین نماید و گذاشت از منابع خدادادی هر دو عادلانه استفاده کنند.

اوقات اطفال ما در مدارس متوسطه و اگر باشد عالی تمام بیهوده صرف میشود اذهان و دماغهای آنها را با معلوماتی مملو میکنند که بهیچ دردی نمیخورند عوض این معلومات لازم و واجب است که چندین مدرسه فلاحتی و زراعتی در نواحی مختلف مملکت افتتاح کرد و واداشت اطفالی که دوره ابتدائی را تمام نموده اند در آن مدارس مشغول تحصیل و عمل زراعتی شوند باین وسیله يك میدان وسیعی برای تولید ثروت در این مملکت باز کرده اید که بیش از پنج ملیون نفرات میتوانند از آن تحصیل معاش آبرومندی بنمایند.

هنوز ایرانی از آن خواب و خیال ادوار گذشته بخود نیامده هنوز هم عوض زمین در آسمان سیر میکند و تصور مینماید عزت نفس و شرافت در داشتن يك مقام سیاسی یا اداری است یا استخدام در يك مؤسسه خارجی یا تجارتي است در صورتیکه اینطور نبوده بلکه عزت نفس و شرافت شخصی در استقلال روحی و آزادی شخص اوست که بتواند بطور مستقل و آزاد کسب معیشت نماید و بدون تعظیم و تکریم بمانند خودی وسایل زندگانی خود را تهیه کند اینست معنی شرافت نفس و عزت روح. هیچ کار و عملی در دنیا نیست که شرافت ذاتی برای خود نداشته باشد و هر کس که در آن مشغول است از آن شرافت ذاتی بهره مند نشود شخص شریف کسی است که کار کند و از آن امرار معاش نماید و غیر شریف کسی است که از اندوخته دیگران مصرف میکند و هیچ کار بلد نیست.

اجازه بدهید قدری در اینجا حاشیه بروم چندی قبل موضوع این بود که یگنفر صراف برای بانک ایران استخدام کنند در این موضوع در مجلس مذاکره زیاد شد تا بالاخره رأی دادند که دولت سالی مبلغ بیست هزار تومان بدهد و این صراف خارجی را استخدام کند حال چه مبلغ خرجهای دیگر خواهد داشت بمانند بیست هزار تومان مسلم و معین است اما از طرف دیگر ایرانی هزارها سیاست باف هزارها وزارت باف معاونت باف قضاوت باف ریاست باف دارد ولی برای عمل ملاحظه می فرمائید یگنفر صراف ندارد که جای خود دارد هر کاری که

تصور کنید محتاج بعلم و عمل و اطلاع است کسی برای آن پیدا نمیشود ملت ایران درست در وضعیت واقع شده که ملت اسپانیول در اواسط قرن هیجدهم واقع شده بود و تمام کارهای عمده بدست اجانب اداره می شد

پس باین آسانی ممکن نیست روحیات يك ملتی را تغییر داد هر تغییری که باید بدهید تدریجی و بمرور زمان باید باشد درینصورت عادت دادن ایرانی بشغل باستان اجدادی که در سایه آن شغل افتاب در مملکت آنها غروب نمیکرد و دارای این اقتضار بودند جز از راه مدرسه ممکن نیست مشروط بر اینکه اساس و شالوده آن محکم و متین باشد - اولیای امور و پیشروان ملت و علماء شرعی و عرفی از جان و دل در ترویج و انتشار و عملی بودن آنها بکوشند تا بتوانند ایرانی را از این احوال و اوضاع کسالت و تنبلی و بیکاری بیرون آورند و آنها را مردان کار و صاحبان علم و اطلاع نمایند از آنجمله است مدارس فلاحتی و زراعتی که اس و اساس تولید ثروت در این مملکت است مخصوصاً باید ایرانی را در این رشته بخصوص تربیت کامل نمود و آنها را بکار زراعتی ترغیب و تشویق کرد و اسباب عمل و وسائل کار را برای آنها فراهم آورد.

گویا در جای دیگر هم باینموضوع اشاره کرده باشم که احوال روحیه ملل شرقی غیر از احوال روحیه ملل غربی است در شرق هر اصلاحی که باید شروع شود عملی شود و نتیجه مطلوبه از آن حاصل گردد باید دولت اقدام نماید و اسباب و

وسایل آنرا فراهم آورد و مواظبت داشته باشد تا نتیجه بدهد جز این باشد صورت خارجی پیدا نمیکند بعبارت سهل و ساده عرض کنم ملل مشرق مانند اطفالی تربیت شده اند که باید کسی مواظب آنها باشد که لباس بپوشند غذا بخورند دست و صورت خود را بشویند یکنفر همراه آنها بمدرسه برود درسهای آنها را یاد گرفته بانها یاد بدهد از مدرسه بیاورد شام بدهد و جای آنها را آماده کند لباس از تنشان در بیاورد و بخواباند و صبح دیگر همین عملیات را تکرار کند نتیجه هر چه میشود بشود هیچ فرقی بین افراد شرقی و ملل شرقی نیست از خود هیچ اراده ندارند اجتهاد ندارند عمل ندارند احترام ندارند دولت و حکومت باید برای آنها لله و پرستار باشد این عمل باید سالها تکرار شود.

ملل غرب درست نقطه مقابل ملل شرقی هستند آن ها دارای عزم و اراده اقدام و اجتهاد هستند هر اصلاحی که باید در امور ملی و مملکتی بشود فکر اولیه آن در میان طبقات مردم رشد و نمو کرده اولیای امور را مجبور باجرای آن می نماید فرض شود اگر وضع يك قانونی برای بهبودی تعلیمات عمومی لازم شود اول لزوم وضع چنین قانونی در میان طبقات مختلف مردم محسوس شده بعد بطبقات مافوق سرایت نموده آنها را مجبور بوضع و اجرای آن خواهد نمود - تقریباً بلکه تمام قوانین ملت انگلیس در این چند صدساله اخیر روی این اصول وضع شده و له، ایران نیز جزو ممالک شرقی است ملت آنها هم خواص روحیات

ملک شرقی را داراست و برای آن نیز دولت باید در هر ادوی پیشقدم باشد طرق سعی و علم و دانش و وسایل تولید و تهیه ثروت را بان بنماید و تا این ترتیب پیش نیاوده غیر ممکن است ایران بخودی خود داخل این مسائل شود و کلیم خود را از اب بیرون کشد .

ایرانی را باید باز داشت از احوال و اوضاع زمین های خود مطلع شود و درجه حاصلخیزی و طبیعت خاک و قوت و ضعف آنرا بداند و از روی عملیات علمی بفهمد چه حاصلی در زمین های پر عرض و طول وطن او بهتر و مناسبتر و از حیث قیمت زیادتر بعمل میاید و چه نوع حبوباتی بهتر بازار دارد و زودتر میتواند آنرا بفروش برساند - در مازندران برنج کاری يك بلائی برای مردم شده و همه ساله دعوا و جنجال و کشمکش است که برنج بازار ندارد و بفروش نمیرسد در داخله که محل فروش ندارد روسیه هم اگر خریداری نکند باید دور ریخت ضرر و زیان انهم برعیت بی علم و اطلاع وارد میاید که يك سال تمام بانواع و اقسام و با سخت ترین رنج و زحمتی آنرا بعمل آورده آخر سال هم چیزی عاید او نشود اگر علم در اینجا دخالت کند و این طبقه دارای معلومات شوند خواهند دانست اگر برنج کاری سودی ندارد محصول دیگر را باید انتخاب کنند که در آن سرزمین حاصلخیز دیوان سفید بهتر بعمل میاید در کتابهای بسیار خوانده ام که مازندران را يك هندوستان که چك نامیده اند در حقیقت هم همین است و معروف

است که از زمین آن سالی سه مرتبه بلکه چهار مرتبه میتوان حاصل برداشت و اگر سکنه آن از علوم و فنون امروز زراعتی و فلاحتی و صدها رشته‌های آن اطلاعی داشته باشند میتوانند در اندک مدتی دارای ثروت بیحد و حساب شوند و اینکه امروز نمیتوانند باندازه صد يك استعداد طبیعی خاک مازندران از آن استفاده کنند بواسطه اینستکه اصول زراعت علمی را بلد نیستند و کسی هم نیست بانها یاد بدهد با این حال و با این آب و هوای فوق‌العاده مساعد و زمین حاصل خیز با استعداد باز اهالی آنجا در فقر و پریشانی امرار حیات میکنند چاره و علاج فوری و آنی تمام این بدبختیها هم که بالاترین آنها بی علمی است فقط تأسیس مدارس زراعتی است اگر فردا دایر شود در مدت یکسال اثرات حیات بخش خود را خواهد بخشید .

با افتتاح چند مدرسه يك گروهی را از فقر و فاقه نجات داده اید و يك مملکتی را آباد نموده اید همین مازندران که امروز اهالی زحمت کش زراعت پیشه آن گرفتار انواع بدبختی از حیث فقر و فاقه شده‌اند یکوقتی شهرت محصول ابریشم آن جهانگیر شده بود و از اقطار بعید و دور دست دنیا تجار برای خریداری و تجارت آن خودکشی مینمودند در زمان شاه عباس کبیر و تا دوست سال بعد هم این متاع گرانبها در آن سرزمین بکثرت عمل میامد و در سال متجاوز از دو هزار لنگه سی منی (۱) حمل بخارج میشد و امروز از آن محصول

نفیس اثری باقی نمانده در صورتیکه خیلی سهل و آسان میتوان بعمل آوردن این محصول ذی قیمت را رواج داد - تنها در نقطه مازندران نیست سایر نواحی ایران نیز در عمل آوردن ابریشم شرکت داشته - محصول ابریشم گیلان چهار برابر محصول ابریشم مازندران بود و محصول کلیه ایران در اواخر سلطنت شاه عباس کبیر به بیست هزار عدل رسیده بود و تا چهل سال بعد هم تجارت این متاع نفیس در ترقی بود در سال یک هزار و هشتاد و یک هجری عدد عدلهای صادره ابریشم از ایران به بیست و دو هزار عدل رسید و بعد از این تاریخ دیگر مانند سایر امتعه و محصولات مملکتی رو بانحطاط گذاشت تا حال که بنقطه صفر رسیده است .

حال تصور کنید بواسطه عدم توجه و هرج و مرج های داخلی محصول چه متاع گرانبهائی از دست رفته و اگر امروز در دنبال آن یک دست قادر و توانائی باشد ممکن است آب رفته را بجوی باز آرد و مجدداً اسباب و وسایل ترویج آنرا فراهم نماید و مردم را بعمل آوردن آن ترغیب و تشویق کنند و از این راه یک عایدی سرشاری برای طبقات کارگر و زحمت کش و یک منبع عایدی برای دولت فراهم آورد

این قسمت نیز باید جزو تعلیمات و پروگرام مدارس و فلاحتی داخل گردد که اطفال بزرگان و زارعین را در این فن بخصوص تعلیم و تربیت نماید .

من تاریخ محصول ابریشم در ایران و کشمکش های سیاسی

در این باب را بموقع دیگر میگذارم که این داستان شیرین ایران باستانی را بکروزی برای شما نقل کنم ولی حال فقط بهمین مختصر قناعت میکنم که یکی از اسباب شهرت ایران در اوایل دوره صفویه که بقول بعضی ها دوره طلائی ادوار ایران بعد از استیلای عرب است محصول ابریشم ایران بوده است که اول بواسطهٔ تجار شهرهای مهم ایتالی (۱) بعد پرتغالی ها بعد سایر ملل که انکلیسها هم جزو آنها بودند در اروپا شهرت عظیم پیدا کرد (۲) و ایران اترمان در سال ملیونها از این تجارت استفاده مینمود و حال هم هیچ مانعی ندارد با این مزد ارزان که برای کارگران ایرانی است بهتر و آسان تر میتواند در این رشته بخصوص با سایرین رقابت کند و محصول ابریشم خود را در بازار های دنیا که بیش از هر چیزی طالب دارد بفروش رسد يك موضوع دیگر نه در این جایی تناسب نیست تذکر

بدهم ان محصول تریاک است که عجاله یکی از منابع مهم عایدی زارعین و صاحبین املاک میباشد و خزانه دولت نیز از این راه مبالغ هنگفت بهره مند است و نمیتوان آنرا باین سهولت و ارزانی از دست داد جار و جنجالی هم که در خارج در اطراف آن بر پاشده خالی از دسایس سیاسی نیست و اینکه متوسل میشوند

تجار ژنوا قبل از ظهور پادشاهان صفوی با کیلان تجارت ابریشم داشتند
(1) Genoa

(۲) شهرت دیگر ایران در این تاریخ جلو گیری از هجوم عثمانی ها با اروپا بود که فتوحات سلاطین صفوی اروپارا از چنگال عثمانی ها نجات داد .

که جلو گیری از این سم مهلك برای خاطر عالم بشریت و حفظ و صیانت اولاد انسان از این معجون کشنده است تصور می رود حقیقت نداشته باشد اگر راست است اول باید آلات قتاله را از بین برد و آنها را معدوم کرد و ملیون ها نفوس بشری را که در اسارت و بندگی بنام حق استعمار مقید داشته اند آزاد ساخت و برای آنها حق حیات قائل شد آنوقت دست باین نغمه هازدر ضمن هم دید آیا بعمل آوردن این محصول برای بشر لازم است یا نه در صورتیکه مقدار معین و محدود برای سلامتی و احتیاج انسان لازم است باید دید آنمقدار معین و محدود را در کجا بعمل آورد آب و هوا و آفتاب و زمین کدام نقطه از نقاط عالم برای این محصول بهتر و مناسب تر و محصول آن مرغوب تر است .

از هر نقطه نظر که باشد دنیا احتیاج فوق العاده بمحصول تریاک ایران دارد زیرا بتصدیق علماء این فن تریاک ایران بهترین تریاکهائی است که در سایر نقاط دنیا بعمل میاید حال اگر نظر سیاسی نباشد فقر و پریشانی ما محرك اصلی موضوع نباشد استقلال مالی ما مورد حسد سایرین نگردد و مقصود از بین بردن يك چنین منبع عایدی رعیت و ارباب و خزانه نباشد و اگر هزاران نیرنگ های دیگر دردنبال سرهای سیاسی وجود نداشته باشد آنوقت باز ما استحقاق این را خواهیم داشت که محصول تریاک محدود و معین دنیا را در ایران تهیه کنیم زیرا محصول تریاک ما در زمین حاصلخیز ایران در زیر آفتاب درخشان و حیات بخش بهار و در اثر آبهای فراوان این فصل بهترین نمونه تریاک

دنیارا بوجود میاورد درینصورت ما بحکم احتیاج و برای خاطر مبتلایان امراض بی شمار که تریاک یکی از اسباب بهبودی آنهاست ناگزیریم که زراعت تریاک خودرا ادامه دهیم (۱) ازینقسمت که بگذریم قسمتهای دیگر محصول مملکتی است مانند نیشکر خوزستان زراعت چای درگیلان و مازندران و محصولات دیگر که باید متخصصین این فن شریف تعیین نمایند که چه محصول بهتر و مناسب تری درآب و هوای مختلف ایران سهل تر و اسان تر و بکثرت عمل می آید و تمام اینهارا بخوبی میتوانند درمدارس فلاحتی بشاگردان و متعلمین تعلیم بدهند و آنها را برای انجام این عمل سودمند بافتخار آماده کنند

باور کنید که یکی از اسباب مهم که لازمه آبادی و عمران و ترقی مادی این مملکت است این رشته سودمند است هر ملتی که یا بدایرة ترقی نهاده است راه منحصر بفرد آن فن شریف زراعت بوده است که در مملکت ما یک مقام بس پست و محقری را دارا شده و مدرسه باید این نقص را بر طرف کند و ایرانی را با آن استعداد طبیعی که ذاتاً در این رشته

(۱) موضوعی که در این باب اسباب زحمت است مصرف محل است جلو گیری از آن نیز چندان مشکل نیست وقتیکه شما یک اصول تعلیم و تربیت صحیح درمیان مات قائل شدید بالطبع مضار استعمال افیون بطریقی که درممالک مشرقی معمول است برطرف خواهد شد انسان تاضرر یک امری را ندانسته مشکل است از ارتکاب آن خود داری کند لازم است درمدارس اثرات افیون والککل را دراعضاء انسان عملا و بعینه نشان بدهند باور کنید آنها بیکه بعین دیده اند هرگز خودرا لرفقار افیون و الکل نخواهند نمود

دارد تربیت نماید .

اینک موضوع مهم دیگر که علاقه مخصوص بسعادت و ترقی و رابطه ثابت و محکمی با تولید ثروت دارد صنایع و حرفه‌هایی است که در یک مملکتی باید وجود داشته باشد این رشته نیز مانند رشته فلاحت تعلیم و تربیت مخصوص لازم دارد و مانند سایر منابع تولید ثروت باید طرف توجه اولیای امور واقع گردد که اسباب و وسایل تعلیم و تدریس آن در مملکت مهیا گردد تا اینکه ایرانی بتواند با سایر ملل که در این فنون قرن‌ها است جلو افتاده اند برابری کند .

یک قدری در اطراف و جوانب مملکت گردش کنید یا در بازارهای شهرها بروید بدکانها و محل‌های داد و ستد تماشا کنید خواهید دید از پنجاه دکان که بنظر شما می‌رسد در یکی از آنها متاع محصول ایران را پیدا نخواهید کرد هر چه بچشم شما می‌خورد تماماً از محصول صنایع خارجی است ایرانی در تهیه و تولید آنها هیچ شرکت نداشته و کارگران ایرانی در ساختن آنها هیچ دخالتی ننموده اند هر چه هست و موجود است از مصنوعات خارجی است و خود ایرانی در تمام نقاط مملکت دست روی دست گذاشته بیکار در گوشه نشسته آفتاب می‌خورند ولی مایحتاج خود را از خارجه وارد کرده به مصرف می‌رسانند و بفقیر و پریشانی تن در داده از دایره سعی و عمل دور مانده است .

در اینجا می‌خواهم یک موضوع خیلی سهل و ساده را بیان

کنم بعد سر اصل موضوع بروم

فرض کنید يك خانواده دارای يك هزار تومان سرمایه باشد و عدهٔ عائلهٔ آن نیز بده نفر برسد هر ماه هم هشتاد تومان خرج داشته باشند حال اگر این عائلهٔ ده نفری بخواهند بیکار و بدون انجام شغلی که از آن ثروت تحصیل شود امرار حیات نمایند آن هزار تومان در عرض يك سال تمام خواهد شد و از روی این حساب میتوانیم عمر آن خانواده را بدقت بدانیم که در چه روزی به آخر خواهد رسید و از گرسنگی هلاک خواهند شد حال اگر اینطور نباشد و برعکس در آن عائلهٔ پنج نفری باشند که هر يك در ماه بیست تومان از راه نَسب و کار تحصیل نمایند درینصورت بکنوع ترقی در میان آن عائله بظهور خواهد رسید و در هر ماه مبلغ بیست تومان نیز بسرمایهٔ آن افزوده خواهد شد

در این خانواده فرضی ما هر قدر عدهٔ کارکنان بیشتر شود بهمان میزان و اندازهٔ سرمایهٔ اصلی آنها افزوده خواهد شد هیچ فرق نمیکند حال ملت نیز همین است و مانند يك عائله است منتها بزرگتر و حدود آن نیز عوض چهار دیوار خانه سرحدات مملکت است .

ملت باید در داخلهٔ این سرحدات که بمنزلهٔ چهار دیوار خانه است خرج و دخل روزانه و ماهیانه و سالیانه خود را در يك دفتر کوچک بغلی باقی و فاضل کند اگر صادراتش کمتر از میزان وارداتش فوری در صدد علاج و چاره بر آید زیرا

ملت نیز مانند يك خانواده است خرج آن که در مقابل عایدی
قلیل واقع شود اثر بفقیر و پریشانی و بالاخره ببطرف اضمحلال
و فنا خواهد کشانید ناچارست که درصدد ازدیاد دخل بر آید
و بین خرج و دخل خود تعادل دهد غیر از این چاره دیگر
متصور نیست اگر باشد تا حال که در دسترس ملل گذاشته نشده.
اگر ملتی بخواهد ترقی کند باید بیش از مصرف خود تهیه
و تولید ثروت نماید و آن را طوری عمل بیاورد که بتواند برای مازاد
مصرف خود بازار و خریدار پیدا کند تا بتواند بشروت ملی خود
ببفزاید و خود را دولتمند - قوی - قادر و توانا نماید.

حال صحبت در مازاد مصرف نیست اگر ایرانی بتواند
مایحتاج خود را از این راه تأمین کند زهی سعادت و سربلندی است
و اگر بتواند اقلاً آنچه که مصرف میکند خود تهیه کند آ نروز
روز با افتخار ایرانی خواهد بود.

شما ممکن نیست بتوانید يك اروپائی را پیدا کنید که
عاشق خریداری امتعه و محصول وطن خود نباشد این مسئله يك اسباب
بدبختی بزرگ است که ایرانی نتواند مصرف و مایحتاج خود را تهیه
کند یا برای خریدن و استعمال امتعه وطنی خود علاقه نشان ندهد.

صنایع یدی داخلی در اثر رقابت های خارجی در این
سنوات اخیر بیشتر دچار انحطاط گردید مخصوصاً درین پنجاه ساله
اخیر بکلی از میان رفت گویا در خاطر ها باشد در کاشان و یزد
و کرمان، گیلان مازندران خراسان و سایر نقاط ایران چقدر کار
خانه های پارچه بافی ابریشم بافی و مخمل بافی و صنعت قلمکار و

سایر جنس های ذرعی موجود بود چه شدند ؟ بافنده های آنها امروزه کی ها هستند خریدار آنها کجاست که دروخته تمام جفت شد و از بین رفت ؟ -

صد ها هزار مردم کارگر و سرمایه دار از این ممرها تحصیل معاش مینمودند و کرورها اعضاء خانواده ها از پرتو این مؤسسات زندگانی میکردند حال بجای تمام آنها امتعه خارجی استعمال میشود و قیمت ان از سرمایه ملی یا از ان يك هزار تومان سرمایه عائله فرضی ماداده میشود و جبران ان از هیچ راهی ممکن نیست روزی خواهد رسید که این ملت با فقر و پریشانی خیلی سخت تر ازین که حالیه دست بگیربان است مصادف شود.

علاج تمام این درد ها - (اگر میخواهید مؤثر مفید و قطعی باشد) - تأسیس مدارس صنعتی است بجای این همه جار و جنجال چند مدرسه فلاحتی و صنعتی دایر کنید بگذارید جوانهایی که دوره ابتدائی را تمام نموده اند داخل این مدارس شده صنعت های یدی و حرفه های عملی را یاد بگیرند

تا شما این نوع مدارس انهم با نیت صاف و پاک و از روی ایمان کامل تأسیس نکنید محال است بتوانید چاره فقر و فلاکت يك ملتی را بکنید

این یکانه راهی است که تمام ملل مترقی روی زمین این راه را رفته بمقصود رسیده اند اگر از ابتدای ظهور مشروطیت زعماء قوم این راه را پیموده بودند امروز هزارها جوان قابل و کامل و وطن پرست مفید بحال جامعه تحصیل کرده و با علم

داشتیم که هزاران درد های علاج نشدنی شما را چاره مینمودند .
باور کنید امروز هر ذرع پارچه خارجی را که شما
از دلالت های مسلمان گبر بهود و نصاری از بازار خریداری
میکنید يك تکان محسوسی بارکان وطن و ملیت خود داده اید
که نتیجه تدریجی آن انهدام اساس استقلال سیاسی و مالی شما
خواهد شد تا زود است بخود آئید اولاد و جوانان خود را در
مدارس علمی صنعتی و زراعتی تربیت کنید وسایل و اسباب
تحصیل آنها را فراهم بیاورید و مانند يك پدر دلسوز و مهربان
مراقب و مواظب باشید که تعلیم و تربیت صحیح و به معنای
اتم آن فرا گیرند (اینکار نیز کار اولیای امور است که وسایل
و اسباب آنها را فراهم آورده خواهی نخواهی اولاد ایرانی را
مجبور به فرا گرفتن معلومات فوق نمایند) .

اگرچه مکرر باین نکته اشاره نموده ام باز لازم میدانم
در اینجا تکرار کنم که تربیت اولاد بسته با استعداد پدر خانواده
است اگر پدر تحصیل کرده و دارای معلومات است منافع
علم و صنعت و مزار جهل و نادانی را میداند یقین اولاد خود
را طوری تربیت خواهد نمود و تعلیم خواهد داد که در دنیا
عاجز ذلیل بی دست و پا بار نیاید و او را با معلومات علمی و
صنعتی و بدی چنان مسلح خواهد نمود که در هر درجه از
درجات اجتماعی واقع شود بتواند امور زندگانی خود را خود
اداره نماید و بار دوش کسان یا جامعه با وطن خود نشود و
قادر باشد علاوه بر اینکه کلیم خود را از آب بیرون کشد دست

مساعدت بسوی دیگران نیز دراز کند و برای وطن و ملت خود مفید باشد جامعه از وجود او استفاده کند - يك پدر با معلومات تربیت اولاد خود را اینطور میخواید و اینقسم انجام میدهد حال يك دولت نیز چنین است باید جای آن پدر عالم و بصیر باوضاع زمان را بگیرد و بهمانطور منتها دامنۀ آن وسیعتر و عریض تر اولاد و فرزندان وطن خود را تعلیم و تربیت کند و آنها را مردان دانشمند صاحب معلومات دارای صنایع متنوعه بار آورد اگر میخواید ملت و مملکت خود را ترقی دهد راه ترقی همین است دولت ما باید مانند يك پدر با معلومات يك خانواده اولاد خود را با بهترین معلوماتی مسلح کند و آنها را بکسب علم و صنعت باز دارد مجبورشان کند که مایحتاج خود را خود تهیه نمایند و اگر تمام آن مایحتاج را خود نتوانند آماده کنند علم و اطلاع فهم و قوه سعی و عمل خودشان را در راهی صرف نمایند که نتیجه بهتری بدست آورند - اگر نمیتوانند پارچه خوب بیافند یا اسباب و وسایل تهیه آن بطوریکه برای سایرین موجود است برای آنها فراهم نیست اسباب و وسایل مایحتاج دیگر را فراهم آورند که استعداد تهیه آن در آنها یا اسباب آن بهتر آماده است

فرض کنید اگر ما امروز نمی توانیم قند و شکر بعمل آوریم و اسباب و ادوات و کارخانه آن فراهم نیست خود نیز قبل از اینکه در عمل آوردن قند فکر کرده باشیم يك مصرف عمده آنرا در این مملکت ایجاد نموده ایم ناچاریم برای جبران

و حفظ آن سرمایه یکهزار تومان فرضی عائله اوقات خود را
مصرف تهیه و فراهم آوردن متاعی نموده باشیم که انرا داده
در عوض قند و شکر برای خانواده خود تهیه نمائیم البته اگر
جز این باشد آن سرمایه اصلی فقط برای مصرف قند و شکر از
بین خواهد رفت پس ناچاریم تهیه متاع دیگر نمائیم و اگر
هیچ چیزی در دسترس خود نداشته باشیم اقلا صنعت اجدادی
و ارثی خود یعنی قالی بافی آن صنعتگران بهای موروثی ایرانی
را که با تمام نیرنگهای خارجی و داخلی نتوانسته اند آنرا از
چنگال ما بیرون آورند یا مانند آن را در خارج تهیه نمایند
از دست نداده ایم .

ما باسانی میتوانیم این صنعت گرانبهای پدران را که
در عرض قرون متمادی میان عائله های ایرانی متداول بوده
هنوز هم که هست در میان هر کلبه محقری دستکاه آن بریاست
بطور عملی ترقی دهیم یا رنگ آمیزی مخصوص امروزی که پسند
بازارهای اروپا و امریکاست با رنگهای ثابت ایرانی که هرگز
زوال پذیر نیست تهیه نمائیم و بدهیم در عوض قند و شکر که
محصول وطن امروز ندارد بگیریم .

این از عقل دور است که ملت را بخوردن چای و
قند و کاکائو و امثال آن عادت داد ولی فکر نکرد که پول آن
را از تجا باید آورد و داد شما دارای هر اندازه ثروت و سرمایه
باشید در صورتیکه چیزی در بساط باقی نمانده است باز هم قادر

خواهید بود قند و چای و انواع و اقسام اینها را از خارج بخرید؟ با کدام پول؟

خوب دیگران این فکر را نکردند شما هم که نکنید چه فرقی با پیشینیان بی اطلاع و بی فکر و دانش خود خواهید داشت . . ؟ .

وقتی که پدر يك غائله دید اولاد او مخارج دیگری پیدا نمود و با احتیاجات دیگری داشت ناچار است یا يك منبع عایدی جدیدی پیدا کند که آن احتیاج را جبران نماید یا اینکه از سرمایه اصلی و اندوخته خود جبران کند و این طریق طریق فنا و اضمحلال آن خانواده است .

حکومت يك ملتی نیز همین مسؤولیت را داراست وقتیکه يك ملتی رو برشد و نمو میرود یا تمدن سایرین از گوشه و کنار آن بشکل تجملات خود نمائی میکند لابد و ناچار احتیاجات سابق آن ملت افزوده خواهد شد پناه بر خدا وقتی که آن ملت در حال نیم وحشی و غیر متمدن باشد و بنمایش های ظاهری متاع بیگانگان بدون شك مقتون شده خود را بزر و زیور قشنگ بد اصل خوش ظاهر و بد باطن آن متاع آراسته خواهد نمود (۱)

چه فرقی مابین ما و وحشی های افریقای وسطی است؟

دانه های زرنکار که هزار دانه آن بیش از ده شاهی ارزش ندارد

(۱) من در جای دیگر درینموضوع بیشتر بحث خواهم نمود مخصوصاً در

باب استعمال تجملات خارجی که زنان ایران بیش از بار آوزندگان و آماده کنندگان این متاع بترویج آن میکوشند در حقیقت آرایش و زینت آنها با تجملات خارجی دلیل بر بی اطلاعی آنها است نه بر سلیقه و وجاهت

در عوض عاج و پوست پلنگ قبول مینمایند ما نیز درست همان اخلاق و عادات را دارا هستیم - طلا و نقره که گران بهاترین فلزات روی زمین است و نمیدانیم چگونه تحصیل شده و با چه زحمتی بدست آمده است میدهیم و در عوض روبان یا بافته های پنبه توری که بیش از چند ساعت رونق و دوام ندارد خریداری میکنیم درست دقت کنید هیچ فرقی بین شما و وحشی های ادوار سلف موجود است؟

این نیز يك بدبختی روی بدبختیهای دیگر ایرانی است که قبل از دارا شدن علم و اطلاع و بصیرت باحوال و اوضاع تمدن مادی اروپا که وارد ایران گردیده و قسمت اعظم آن مخرب اخلاق و صفات پسندیده بشر است ملت جاهل از همه جا بی خبر همان تمدن مادی را استقبال نموده عوض فرا گرفتن علم اروپائی گول ظاهر آنرا خورده همان شکل ظاهر آنرا قبول نمودند و مقلد صرف آن شدند بدون اینکه در فکر و طرز زندگانی ایرانی فرق محسوسی پیدا شده باشد

رفع این عیب نیز فقط از راه مدرسه خواهد بود و بس در هر حال دولت باید تمیز بدهد و خوب مطالعه کند و دقت کند و ببیند ملت او چه احتیاجاتی را داراست و تهیه آن بچه وسیله ممکن است آیا میشود آنها را در داخله مملکت ارزان و مناسب فراهم نمود اگر میشود چه بهتر باید بدون فوت وقت اسباب و وسائل آنرا خود فراهم بیاورد زیرا غیر از او کسی دلسوز نیست علاقه ندارد بر عهده دولت است اگر

دولت نکند کسی دیگر نیست آنرا انجام دهد ما هنوز خیلی راه داریم تا بمقصد برسیم و از خود دارای عزم و اراده باشیم و بتوانیم خود بخود راه ترقی و تجدد را بییمائیم .

تجار و سرمایه داران ما هنوز هم که هست مانند دلاکهای بیکار حمام سر یکدیگر را هیئتشانند و اگر فرصت کنند ریش دولت را هم قبضه خواهند نمود (۱) هنوز لذت استقلال سیاسی و اقتصادی را هیچ یک از طبقات مردم نفهمیده و ندانسته اند هر وقت بدانند آرزو از جان و مال در راه ترقی و سعادت ملت دریغ ندارند .

اگر چشم و گوش ایرانی باز بود اوضاع و احوال برادران اسلامی خود را میدید و میشنید ضجه و ناله های مسلمانان مصر و هند و سایر ممالک مسلمان نشین افریقا و آسیا بگوش او میرسید آنوقت لذت و معنی استقلال سیاسی و مالی را میفهمید و آنها را مانند جان شیرین در آغوش میگرفت و برای حفظ و نگاهداری آنها از مال و جان و فرزند و هستی خویش دریغ نمی نمود آو خ ! خواب شرقی چقدر سنگین است ؟ !

احتیاجات ملی که معلوم شد طریق تحصیل آن نیز باید معلوم شود - آیا در داخله تهیه شود بهتر است یا از خارج اگر از خارج است باید متاعی را در عوض در داخله بوجود آورد که آن مصرف یا احتیاج را که از خارجه است جبران

(۱) این يك اصطلاحی است در میان اهل بازار که خودشان بهتر معنی حقیقی آن آشنا هستند .

کنند غیر از این شق ثالث ندارد

این کی خواهد شد؟ و قتیکه مدارس علمی و صنعتی در نقاط مهم و عمده مملکت دایر شود - دامنه آن عجالتاً چندان وسیع هم لازم نیست ممکن است یکچنین مدارس عالی یا دارالفنون هائی یکی در شیراز - یکی در کرمان - یکی در کرمانشاهان - یکی در تبریز - یکی در خراسان - یکی در مازندران - یکی در رشت - یکی در خوزستان - یکی دو باب هم در خود پایتخت که مجموعاً ده باب بیشتر نخواهند شد و هر يك اگر خوب اداره شود و بمعنای تام و تمام و حقیقتاً مدرسه باشد سالی بیش از ده هزار تومان خرج نخواهد داشت و در تمام مملکت در سال بیش از یکصد هزار تومان مخارج آنها نمیشود در این صورت در مدت پنجسال دارای هزارها جوان تحصیل کرده با علم و صنعت خواهید بود .

غافل هستید و قتیکه جوانهای يك ملتى از روی اصول علمی و صنعتی تربیت شدند چه انقلاب عظیمی در مملکت پیدا خواهد شد ؟

غرض من انقلاب خونین نیست من در هر جا و در هر موقع در نوشتجات و مقالات خود باین نکته اشاره نموده‌ام که ایران فقط و فقط در سایه اصول ثابت و محکم خلل ناپذیر تکامل ترقی خواهد نمود و بس و هر کس دست بنگمۀ انقلاب زند از اوضاع و احوال روحیات ایرانی بی اطلاع است .
تاریخ ملل بی شماری را در مد نظر دارم که عده

منور الفکری کم تجربه گول يك طبقه بسیار قلیل جامعه را خورده متوسل باصول انقلاب خونین شده نه تنها هستی و جان خود بلکه زندگانی مادی و معنوی يك ملت را دچار فلاکت و بدبختی نموده‌اند و یکنوع موانعی در مقابل رشد و نمو مادی و معنوی ملت خویش فراهم آورده ترقی آن را سالها عقب انداخته‌اند .

این انقلاب که من مقصود دارم بمرور زمان در اثر تعلیم و تربیت معلمین ماهر و استادان ذوقنون در میان شاگردانیکه در این مدارس تحصیل میکنند پیدا شده و اینها وقتیکه از مدرسه خارج میشوند دارای معلومات علمی و عملی و صنایع و حرف بدی خواهند بود و این جوانها با يك شوق و ذوق ملی با استعداد جوانی و با اسلحه علمی که در مدرسه فرا گرفته‌اند محیط خاموش بی سر و صدای مستولی شده از چندین قرن گذشته ایران را بر هم زده روح جدیت و شهامت و سعی و عمل را که علایم جنبش عمومی و تغییرات کلی آتیه است بجای آن ایجاد خواهند نمود و در هر رشته از رشته های تولید ثروت مانند زراعت - صنعت - تجارت و هزاران منابع دیگر تولید ثروت يك انقلاب عظیم پر جوش و خروشی بظهور خواهد رسید که اسباب حیرت و تعجب خودی و بیگانه گردد .

من در رساله سوم این رشته از احوال روحیه و ساختمان فکری و دماغی ملت ایران مشروحاً بحث خواهم نمود و بدلائل تاریخی و عقلی و حسی روشن خواهم کرد که استعداد ذاتی و

فطری ایرانی تا چه پایه است و اینکه تا امروز باین حال خمودگی و تنزل و انحطاط مانده علل آن چیست اگر جامعه ایرانی باید ترقی کند راه و طریق آن کدامست تمام اینها را مفصلاً و مشروحاً و مبسوطاً بیان خواهیم نمود حال می خواهم بيك نکته كوچك و مختصری اشابه كنم بعد دنباله سخن را گرفته این رشته را باخر رسانم .

مقصود من در اینجا اینست که ایرانرا نمیشود با سایر ملل آسیائی مقایسه کرد اصلاً و اساساً ایرانی غیر از نژادهای مختلف آسیائی است استعداد ذاتی و فطری آنرا هیچ يك از ملل آسیائی دارا نیستند (۱) با اینکه از تربیت مادی و معنوی آن قرنهاست غفلت شده آن استعداد ذاتی را هنوز هم داراست و مانند يك قوه پنهان و مخفی در هر آن میتوان آنرا به کار انداخت و استفاده نمود در طبیعت ایرانی نیز چنین قوه موجود است فقط محتاج به اینست که يك علاقه مند و ذلسوزی آنرا بکار اندازد .

امروز دیده میشود در هر مدرسه خارجی که اطفال و جوانان ایرانی داخل میشوند گوی سبقت را از سایرین میربایند و از سایر اطفال ملل اروپائی در تحصیل و درك علوم پیش می گیرند در هوش و ذکاوت و فهم مسائل علمی و صنعتی بهیچ -

(۱) رجوع شود بسفر نامه مسیو ژبر که مؤلف کتاب مرآت البلدان از صفحه ۳۶۲ تا صفحه ۳۶۹ بان اشاره نموده و قسمتی را ترجمه کرده است جلد اول . بلاویروف سوراود وارد برون مرحوم در کتاب انقلاب خود شرحی مبسوط در باب صفات فطری ایرانی نگاشته است -

وجه از سایرین باز نمیمانند و اگر فردا بکنوع تعلیماتی در مدارس ایران بطور علمی برقرار شود و از حشو و زواید دروس مانند صرف و نحو بیامورد و تعلیم شرعیات بيموقع و فقه و اصول که هیچ مناسبت با دوره تحصیلات علمی و فنی و صنعتی ندارد (۱) جلو گیری شود خواهید دید جدیت و استعداد ایرانی در فرا گرفتن علوم و فنون و صنایع یدی تا چه درجه است شما فقط کمک کنید قیود و پای بند های ادوار گذشته را از دست و پای آنها بردارید زمینه تحصیل و تربیت را برای آنها فراهم آورید اسباب و وسایل دانستن و فهمیدن را برای آنها آماده کنید و باین واسطه روح دانستن - خواستن و توانستن را در آنها ایجاد کرده اید آنوقت است که ایرانی خواهد توانست از منابع طبیعی و خدا دادی خود بر خوردار گردد و آنها را خود و بنفس خود بکار اندازد.

بشما بر نخورد عصبانی هم نشوید اگر چه تلخ است ولی چه باید کرد چون عین حقیقت است باید گفت و آن نیز این است که بواسطه عدم اطلاع و عدم بصیرت و عدم علم و دانش تمام منابع ثروت ملی شما در دست بیگانگانست حال نمیخواهم داخل در جزئیات امر شوم و بیشتر شمارا خسته و ملول کنم

(۱) اشتباه نشود من مخالف تدریس این عنوان نیستم ولی باید دید در کجا و برای چه اشخاصی باید تخصیص داد لا شود تدریس آنها در مدارس ابتدائی که مورد ندارد و شرح آن گذشت در مدارس فنی و صنعتی و حرفهای یدی نیز زیاد آن موضوع ندارد و نمیشود جوانان با استعداد را باین عنوان معطل کرد زیرا فرصت ندارند

وای يك منبع عایدی نیست که نفع سرشار آن عاید خارجی نشود
پر جای دور و دراز نمیرویم استقلال مالی يك ملتی بسته باعتبار
آن ملت است و اعتبار عمده آن اسناد خزانه داریست از شما
سؤال میکنم این اسناد شما دارای این اعتبار هست ؟ اگر
نیست میدانید چرا نیست ؟

يك سؤال دیگر از شما میکنم تا مطلب بهتر روشن
شود . هیچ میدانید منافع رواج اسکناس در يك مملکتی چیست ؟
میدانید دولتی نیست که رواج اسکناس و میزان جریان آن
دست خودش نباشد ؟ تا صدور میزان و رواج آن در دست خود
دولت نیست گرفتار چه بی اعتباریست ؟

من تصور نمیکنم در تمام ایران پنجنفر باشد که بمضار
باطنی این امر پی برده باشد واضحترا عرض کنم امروز
استقلال مالی ایران در ید قدرت بانک انگلیس است و هر وقت
بخوهد آنها خفه خواهد نمود (۱)

بر دارید رایرت مؤسسات نطف جنوب را خوب دقت
کنید در ایران کسی پیدا میشود بداند که چه عملیاتی در
معادن نطف جنوب میشود - کتاب سرادواری را که در سال

(۱) هنوز اینموضوع اسباب تعجب و حیرت من است که يك تحقیقات عمیقتری
در این مسئله نشده بموجب ماده سوم قرارداد دولت ایران با بارون روتر در سال
۱۸۸۹ مسیحی و ۱۳۰۷ هجری با مضای ناصرالدین شاه رسیده میزان رواج
اسکناس ، ۸۰۰ هزار لیره است که نصف آن قسمت باید عین طلا در خزانه
بانک موجود باشد و بعد به يك ثلث برسد حال معلوم نیست آیا باین شرط عمل
شده است یا نه حالیه چه حالت دارد ..

۱۹۲۶ در دو جلد انتشار یافته آن قسمتی که در باب عایدات و اهمیت معادن نفت جنوب ایران شرح داده مطالعه کنید خواهید دید چه عایدات سرشار فوق العاده از این راه نصیب سرمایه - داران دولت انگلیس میگردد صبر کنید خواهید دید همان عبارت را که در باب هندوستان مکرر در مکرر گوشزد دنیا نموده اند که انگلستان ممکن نیست بدون هندوستان زندگی کند در باب معادن نفت جنوب ایران نیز همین کلمات را تکرار خواهند نمود که انگلستان بدون معادن نفت جنوب نمیتواند در دنیا زندگی کند با تمام این احوال در ایران یک نفر مطلع و بصیر این کار نیست که بداند و بفهمد و تمیز بدهد صاحبان امتیاز در آن معادن زرخیز که شهرت منافع کثیر آن دنیا را بحیرت انداخته چه میکنند عایدی حقیقی آن چیست ؟ سهم صحیح ایران چه مبلغ است ؟

خاطر دارم و قتی که موضوع واگذاری نفت شمال به کمپانی امریکائی مطرح بود مکرر در ساحت مقدس مجلس اظهار میشد که ما هیچ اطلاعی از معادن نفت و استخراج آن نداریم این برای یک ملتی خجالت نیست که از منابع ثروت و عایدی که خداوند برای آن در بطن زمین ذخیره نموده است اطلاع نداشته باشد ؟

ایرانی استعداد ذاتی و فطری را داراست قوای فهم و تمیز آن بحد کافی بلکه زیاده تر در نهاد او سرشته است جدیت و پشت کار در سعی و عمل را دارد فقط و فقط عیبی که دارد

این است که قوای روحی و جسمی او بکار نیفتاده مانند اعصاب از کار باز مانده میباشند که باید آنها را بکار انداخت مثل خفته میماند که باید بیدارش کرد آن نیز بهیچ راهی ممکن نیست جز از راه علم و دانش آنرا هم باید در مدارس صحیح و مرتب و منظم تحصیل نمود .

موضوع معادن ایران از موضوعات بسیار مهم است اگر چه امتیازات بیحد و حساب در زمان سلاطین بی علاقه قاجار باجنیبها داده شده باینحال آنچه که باقی است و در اختیار خودشانست باز يك منابع عایدی سرشاریست و اگر ایرانی در شناختن آنها ماهر شود و برای استخراج آنها کوشش کند در اندك زمانی منافع هنگفت عاید ملت و دولت خواهد گردید و این فقر و فاقه و پریشانی طبقات کارگر تا حد معینی بر طرف خواهد شد سرمایه های زیاد برای استخراج آنها بکار افتاده عدۀ زیادی در عملیات و تهیه آنها بکار مشغول خواهند شد این که ایرانی نمیتواند داخل این رشته ها شود برای اینست که اطلاع ندارد و معلومات این فن را فرا نگرفته است هیچ صحبت معدن شناسی بگوشش نرسیده يك مؤسسۀ که این فن را در ایران ترویج کند وجود نداشته سالهاست باسم يك وزارت فوائد عامه وجود دارد که تا چند سال قبل آنها تیکه بیرون دروازه طهران مسکن دارند اطلاع نداشته اند حال بعد ها اگر يك عملیاتی بکنند و از خود آثار و علایمی در باب معادن ایران ظاهر نماید بسته باینه است که هنوز نیامده است .

اما برای اینکه ایران از معادن بیحد و حساب و گرانبهای خود استفاده کنند در قدم اول تعلیم و تربیت یکعده جوانان ایرانی است در این فن شریف که بواسطه آنها يك تحقیقات علمی و عملی در تمام نقاط مملکت ایران بعمل آید و از روی يك صورت و احصائیه صحیح نقاط و جبال هر يك از معادن و نوع آن و استعداد آنرا معین کنند دولت نیز اسباب تشویق و تسهیل و ترغیب صاحبان سرمایه‌های داخلی را فراهم آورد که بتوان با دست ایرانی و سرمایه ایرانی و برای منفعت ایرانی این معادن زرخیز خدادادی را بکار انداخت .

این قسمت نیز مانند قسمت های دیگر منابع تولید ثروت بواسطه عدم علاقه سلاطین وقت یا بروز و ظهور هرج و مرج های بیشمار که ایران همیشه گرفتار و با آنها دست بگریبان بوده است بمرور از بین رفته و دیگر کسی بفکر استفاده از آنها نبوده است معادن ایران بقول علماء متبحر این فن بهترین معادن روی زمین و از حیث خزائن معدنی وافر ترین آنهاست در زمانهای قبل از اسلام وقتی که ایران دارای شان و شوکت امپراطوری بوده بکثرت و وفور از آنها استفاده شده است ولی همینکه اغتشاشات داخلی حکم فرما شد این معادن نیز متروک مانده است .

چون فرصت و موقع نیست از شرح داستان حیرت انگیز این معادن در زمانهای قبل صرف نظر میکنم فقط بیک مختصر شرحی از زمان سلاطین صفویه که يك دوره نسبتاً امن و امان و هنگام سعی

و عمل بود اکتفا مینمایم.

در زمان سلطان عظیم الشان شاه عباس کبیر معادن ایران بکار افتاد معادن آهن - فولاد و مس و سرب و نقره از توههای اطراف و نواحی اصفهان - کرمان - یزد مازندران و کردستان و قزوین استخراج میشد حتی از معادن نفت خوزستان نیز استفاده شده معادن فیروزج نیشابور مبالغی عمده عایدی داشت.

کتابهای دوفرنویسنده که معروف هر ایرانی هستند شاردن و تاورنیه که هر دو از نویسندگان های دقیق و ماهر بودند و با عده از سلاطین صفوی معاصرند بطور مبسوط از معادن ایران سخن میرانند که خود يك داستان علیحده است.

با اینکه زمان نادر يك دوره ساکت و آرامی نبود و ملت ایران بواسطه از بین رفتن سلسله صفویه و حمله افغان و جنگهای نادر در حال تشنج بودند

باز قسمتی از معادن ایران از کار نیفتاده بود در آمل مازندران کوره آهن ذوب کمنی دایر بوده و لوله های توپ و گلوله های آنها و سایر ادوات جنگی از آهن های استخراجی از معادن ایران تهیه میشد.

در دوره قاجاریه نیز معدن شناسان انگلیسی در معادن آذربایجان تحقیقات و عملیات نمودند مخصوصاً معدن شناس معتبر موسوم به ویلیام سن در نزدیکی ترکمان چای اسباب و ادوات عریض و طویلی برای استخراج مس بکار انداخت.

معادن آهن محال قره داغ معروف خاص و عام است در

اواخر سلطنت فتحعلی شاه فرمان استخراج و بکار انداختن معادن آهن قرچه داغ بیکنفرا نکلیمی داده شد و ماشین و اسباب مخصوص برای استخراج نیز از انگلستان وارد نموده بکار انداخت و بواسطه اختلافات سیاسی که خود يك داستان علیحدّه است این نیز بدون اخذ نتیجه متروک ماند

ناصر الدین شاه عشق مفرطی بطالا و نقره داشت و خیلی هم سعی مینمود که معادن آنها را در ایران پیدا نموده بکار اندازد شاید محرك اصلي فرستادن یکمده شاگرد باروپا و تدریس رشته مهندسی و معدن شناسی در دارالفنون طهران همین يك مسئله بوده است و بس - ولی سوراخ دعا را گم کرده بود

لرد کرزن معروف در جلد دوم کتاب خود راجع بایران در صفحه ۵۱۴ مناطق مخصوصی که معادن ایران در آنها واقع شده اند به شش منطقه تقسیم نموده اول ازربایجان دوم دامنه های شمالی و جنوبی سلسله جبال البرز در قسمت رشت - رود بارواستراباد سوم خراسان چهارم کرمان پنجم نواحی مرکزی از قم تا شیراز مخصوصاً اطراف اصفهان و نائین ششم سواحل خلیج فارس و جزایر آن و برای هر يك از این قسمت های ششگانه يك سلسله اطلاعات مفیدی بیان میکند که نقل تمام آنها در اینجا باعث تطویل است و نویسنده را از مقصود خود دور میکند طالبین اطلاعات این قسمت را بکتاب فوق از صفحه ۵۱۰ تا صفحه ۵۲۲ مراجعه میدهیم که سر فرصت مطالعه نمایند .

مقصود عمده من نمودن اهمیت فوق العاده معادن ایران

است که غالب نویسندگان های اروپائی در کثرت و وفور خزائن آنها غلو کرده و گفته اند معادنسی در دنیا نیست که از حیث مایه و وفور خزائن بیابۀ معادن ایران برسد یا با آنها برابری کند (۱).

اگر ملت و دولت ایران بخواهد از این معادن خدادادی که ملیون ها سال است دست قدرت الهی آنها را در بطن زهین برای استفاده ایرانی بودیعه گذاشته است استفاده کند - باید اولاد و فرزندان خود را برای استخراج آنها تعلیم و تربیت نماید و آنها را در این رشته بخصوص عالم و متبحر گرداند تا بتوانند منافع عمده از این راه بهره بردارند

يك قسمت دیگر ماند که لابد به آن نیز باید اشاره شود و آن تأسیس مدارس مخصوص تجارتي است که جوانان مستعد تحصیل کرده که میخواهند درین رشته سود مند که اسباب ترقی و ازدیاد ثروت يك مملکتی را حاوی است داخل شوند و آنرا برای بقیه عمر خویش شغل بخصوص قرار دهند ناچارند اطلاعات راجع باین قسمت را نیز تحصیل نمایند

در ایران هیچ چیزی از روی تربیت و تعلیم بار نیامده چون اینطور نبوده یعنی تعلیم و تربیت در رشد و نمو آن دخالت نداشته هر کس در هر رشته حرفت یا صنعتی که بوده خود رو و من عندی بار آمده نه استاد متبحر دیده نه کتابی در آن باب مطالعه نموده است بلکه مانند بچه عنکبوت تنیدن را

بارك دارا شده است .

ولی برای بشر آن ادوار سپری شد امروز یگانه اسلحه
مرد دنیا علم است هر کس دارای این اسلحه نباشد وجود او
عاطل و باطل و بیکار است اگر دارای بنیه و مزاج سالم باشد
فقط مانند يك پیچ یا مهره يك ماشین مورد استفاده خواهد
بود دیگر دارای آن فهم و رشد و نمو و تمیز نیست که بتواند
خود اختراع يك ماشین یا اسباب تولید ثروت را فراهم بیاورد
مثل حیوان بار بر در دنبال يك شلاق خواهد داشت تا نفس
و اسپین را بکشد و با مرك هم آغوش گردد - امروز اغلب ملل
شرقی در چنگال ملل اروپائی گرفتار این مصیبت هستند .

تجار ایرانی نیز مانند سایر طبقات خود رو و بدون فرا
گرفتن معلومات و فنون پیشه خود بار آمده نتیجه هم جزء این
نیست که تماماً دلال امتعه خارجی شده اسباب رواج آنرا میان
هموطنان خود فراهم آورده اند

اگر این حرفت سودمند از روی قواعد علمی تحصیل
شود آنوقت تجار ایرانی خواهند توانست بازار های متعدد برای
امتعّه خود پیدا نمایند و طریق تهیه و تولید و محل مصرف آنرا
بدانند و آنرا با بهترین وضعی بوجود آورند .

در ایران امروز يك تاجر سرمایه دار بمعنی تام و تمام
آن پیدا نخواهید نمود دلیل عمده آنهم پر واضح است که این
فن شریف از روی اصول علمی تجارت در این مملکت معمول
نبوده است .

تعجب خواهید نمود اگر بشنوید که دنیای متمدن امروزی را طبقه تجار و سرمایه دار اروپا اداره میکنند - دولت های امروزی ملل متمدن عالم در اثر نفوذ و قدرت سرمایه داران و تجار معتبر عزل و نصب میشوند نفوذ يك تاجر سرمایه دار به مراتب بیش از نفوذ يك پادشاه است یگانه عامل مؤثری که ملت با عظمت دول متحده امریکا را بطرف جنك خانمان سوز عمومی سوق داد همان قدرت و نفوذ و استیلای طبقه سرمایه دار امریکا بود و بس اصلاً خود جنك عمومی نیز جنك سرمایه داری بود شاید جنگهای آتیه نیز برای قریتها روی همین اصول در خواهد گرفت عجالتاً جنك باطنی با شدت هر چه تمامتر بین سرمایه داران سه دولت معظم دنیا که در نتیجه جنك عمومی گذشته بعد اعلا بر خور دار شده اند بعد اعلا وجود دارد (دول امریکا - ژاپون - انگلیس) این کشمکش همان کشمکش قبل از ۱۹۱۴ است که بین تجار و سرمایه داران انگلیس و آلمان برای تجارت دنیا وجود داشت و حالیه بین سرمایه داران انگلیس - امریکا و ژاپون پیدا شده است - شاید در آتیه خیلی نزدیکی در اثر همین کشمکش گرفتار يك جنك عظیمی گردد در هر صورت ما باید در فکر خود باشیم و در هر رشته از رشته های زندگانی که مربوط به تولید و تقسیم و مصرف ثروتست عالم و متبجر تحصیل کرده مدرسه دیده و تصدیق گرفته و تجربه آموخته داشته باشیم جز این راه نجات دیگری در پیش نیست و یکی از این رشته ها داشتن تجار عالم و بصیر میباشد

که احتیاجات وطن خود را بداند و اسباب و وسایل تهیه و تولید ثروت را از روی اطلاعات علمی تمیز بدهد منافع و مضار تجارت خارجی را بفهمد بازار فروش و محل های مصرف امتعه و محصول وطن خویش را بشناسد و بر طبق سلیقه و پسند آن بازار ها امتعه وطن خود را تهیه نماید آنوقت است که میزان تجارت خارجی شما با تجارت داخلی تعادل پیدا میکند دیگر آن کسری گمر شکن که هر ساله از فزونی واردات بر مملکت وارد می شود در سالنامه های گمرکی وجود خارجی نخواهند داشت و رفع تمام این معایب فقط از راه مدرسه خواهد شد و بس و هر قدر بخواهید برای جلوگیری از واردات اشیاء و اسباب تجملی قانون وضع کنید يك شاهسی ارزش نخواهد داشت آن تجار بی علم و بی سواد و از همه جا بی خبر بهر اسم و رسمی که باشد این متاع را وارد خواهند نمود (۱) و چندین برابر قیمت اصلی آن بفروش خواهند رسانید و این خانم های که باید در جامعه بیش از هر کس استعمال اشیاء تجملی را بد بدانند و عمده وسیله مصرف متاع عوام فریب خارجی هستند آنها را خواهند خرید بدون اینکه مضار و خسارتهای هنگفت آنرا برای مملکت مطلع شوند تنها خانم های ایرانی نیستند بلکه جوانان (۱) پارسال که گفتگوی منع ورود اشیاء تجملی مطرح بود دلایلی تجار خارجی که بنام تجار کبر و بهود و مسلمان و نصارا معروف هستند يك جار و جنجانی راه انداخته بودند که گوش همه را کرده بود ولی اگر بدفاتر آنروزهای بانک مراجعه شود خواهید دید میزان اخذ بروات برای سفارش امتعه تجملی از خارج ده برابر مواقع عادی بوده — این نیست جز عدم علم و اطلاع

متمولین بی علم و اطلاع نیز بدون خجالت از استعمال آنها خود داری نخواهند نمود.

این توهین نیست بلکه عین حقیقت است که بیان می شود می‌خواهید برای العین مشاهده کنید یگروز را در خیابان لاله‌زار بتماشا بروید از این جوانهای بی مغز خواهید دید تقصیر هم ندارند عدم علم و اطلاع و نداشتن تعلیم و تربیت نبودن مربی جدی آنها را باین نوع زندگی سوق داده است من درین باب در رساله سوم این رشته مشروحا بحث خواهم نمود و آنها را بمضار این زندگی آگاه خواهم ساخت و بانها اصول زندگی بشر را گوشزد خواهم نمود امیدوارم اثرات نیکی در وجود آنها تولید کند و آنها را بصراط مستقیم وادارد و یگروح وطن پرستی در آنها ایجاد کند.

اینک این قسمت‌ها را که بطور مشروح در فوق گذشت خلاصه میکنم.

برای ایجاد روح صنایع و حرف برای تولید و تقسیم و مصرف ثروت و برای قوت و قدرت و توانائی ایرانی برای کسب تمدن مادی و معنوی امروزی دنیا برای بقای حیات سیاسی و اقتصادی و برای رفع هزاران حوائج و ضروریات زندگانی حالیه و آینده ایران و ایرانی تأسیس مدارس علمی صنعتی - فنی - زراعتی و تجارתי لازمست تا اساس یک زمینیه محکم و متین و ثابت و منظمی برای ترقیات ایرانی فراهم گردد.

قدرت و توانائی بشر بسته بقوای سه گانه اوست قوه بدنی

فکری و اخلاقی تاهر حدی که این قوای سه گانه را داراست
نفوذ و قدرت و توانائی او نیز بهمان درجه است فهم و دانستن
دنیا و آنچه که درانست بعبارت دیگر محیطی که او را احاطه
کرده است زمین - آسمان - کوه دشت صحرا - دریا - مناه
- خورشید - سیارات منظومه های شمسی - لوح - کرسی
کهکشان - کاو ماهی خلاصه کلام فضای لایتنهای که در
دانستن ابتدا و انتهای عرض و طول ان عقد عاقلترین حکماء و
فضلاء اعصار گذشته و حال بلکه آینده مشغول تمیز و دانستن
و فهمیدن و پی بردن تمام اینهاست منوط بدرجه علم و
دانش اوست .

اگر علم و دانش او محدود بعلوم ابتدائی است زندگانی
خود را نیز مطابق همان معلومات ترتیب خواهد دادا کرفوق
انست - فرض کنید متوسط - زندگانی او نیز برطبق اطلاعات
متوسط نقش خواهد بست ! اگر عالی است درجات عالی زندگانی
را سیر خواهد نمود اگر اولین درجه معلومات علوم و فنون
امروزی را داراست یقین کنید و قبوز داشته باشید که يك
زندگانی اولین درجه امروزی را برای خود مرتب خواهد نمود
و هیچ گوش بحرفهای شما هم نخواهد داد برطبق تعلیمات و
تحصیلات و معلومات خود امور زندگانی خود را اداره خواهد
نمود حال شما با این همت بلند و کوتاه که اولی نتیجه تعلیم و
تربیت و دومی میوه تلخ جهل و نادانی است هر يك را می -
خواهید داشته باشید اگر زندگانی آبرو مندی را طالبید باید

وسایل و اسباب دانستن و فهمیدن آنرا برای ملت خود فراهم بیاورید اگر نه آن قسمت ثانی زحمت ندارد و باسباب و وسایل آن نیز احتیاج نیست خود بخود برای هر ملتی فراهم میشود.

تحصیل علم و صنعت و فنون با زحمت و رنج توأم است جهالت خود ما در تمام بدبختی هاست که نتاج حرام خود را خود بخود بوجود آورده برشد خواهد رسانید محتاج بزحمت شما نیست - درست فکر کنید ایران چرا نمیتواند يك ماشین خیاطی بسازد از اختراع هیچ صحبت نمیکنیم بلکه می خواهیم تقلید کنند چرا نمیکنند؟ برای اینکه علم ندارد ایرانی چرا نمی تواند بداند چه معادن قیمتی در ایران وجود دارد؟ برای اینکه از علم معدن شناسی بی بهره است و تحصیل نکرده - زراعت ایرانی که شغل اجدادی اوست يك پیشه شرافتمندی است چرا با همان آلات و ادوات عهد بابا آدم عمل میشود؟ برای اینکه درجه معلومات او بیش از این نیست شما علم و دانش او را در این فن زیاد کنید اگر قبول کرد دیگر با آن اسباب زراعت کنند؟ هرگز نخواهد کرد اینکه حالا با تمام قوت و قدرت به کاو آهن نمونه دو هزار سال پیش از این چسبیده و علاقه دارد و نمیتواند جدا شود و جدا هم نمیشود برای اینست که طریق دیگر یا آلت دیگر شکافتن زمین را ندیده و نمی داند اگر معلومات او به آن درجه رسید ممکن است با این چنین کاو آهن دیگر زراعت کند.

شهر نیویورک که ترقیات حیرت انگیز آن دنیا را مبهوت

نموده است طرز بنا و ساختمان آنجا يك وضع غریبی است بنا های آنجا غالباً پنجاه شصت مرتبه است زمین آنجا نیز تماماً سنك است در حقیقت شهر نیویورك روی سنك بنا شده است در حقیقت وقتیکه میخواهند يك بنائی بر پا کنند باید جای بنا را يك مقدار زیادی کنده پائین بروند تا پایه های يك چنین بنائیرا محکم نمایند البته کندن يك چنین زمینی که از سنك خالص است با آلات و ادوات شرقی و اتمام بنای آن اقلاً صد سال لازم خواهد داشت آنوقت برای اولاد چهارم شخص بانی وصلت خواهد داد اما اینطور نیست یکنوع آلات و ادوات اختراع شده است که با کار گذاشتن يك موتور تمام آن آلات و ادوات بکار افتاده با مساعدت و هدایت يك عده معین عمله آن صخره های سخت را متلاشی میکنند وقتیکه انسان در کنار ایستاده تماشا میکند تصور مینماید در میان يك جنك خوفناکی واقع شده است که از طرفین توپها آتش فشانی میکنند وقتیکه انسان با استاد و بنا های ایرانی صحبت میکند و ترقیاتیکه در این فن پیدا شده به آنها حکایت مینمایند در جواب میگویند برو بابا خدا یدرت را بیمارزد عمله گئی که دیگر علم ندارد معلومات نمییخواهد همین هم که هست از سر ما زیادی است .

اگر فکر بکنید خواهید دید حق با اوست راست میگوید تقصیر هم ندارد زیرا که درجه اطلاعات او بیش از این نیست و در این درجه هم بیش ازین نباید از او انتظار داشت درجه علم و اطلاع او را قدری بالا ببرید بعمل نه بحرف آنوقت ملاحظه

خواهید کرد چه تغییرات محسوسی در سلیقه او پیدا شده و این سلیقه در بنا هائی که میسازد و بنا میکند چه خوب دیده میشود و محسوس میگردد.

لازم نیست بنا و معمار را مثل بز نیم يك نجار را امتحان کنید مادامیکه کار های او از روی علم نیست و این صنعت ذی قیمت را در مدرسه تحصیل نکرده و عمل ننموده است بهیچ تناسب و ظرافت و قشنگی و سلیقه در نجاریهای او دیده نمیشود همینکه از روی علم عمل نمود بحسن و زیبایی آن افزوده میشود. يك آهنگر هم همینطور است هیچ فرق نمیکند وقتی که از روی اصول علمی استاد شد قادر خواهد بود در فن خود انواع و اقسام اختراعات بکند و همینکه تحصیل کرد و یاد گرفت در کارهای او تناسب و سلیقه دیده خواهد شد.

در هر حال تمام شغل های مهم و کار های اساسی اصول ثابت منظم و مرتب دارد که انسان اگر بخواهد آنها را فرا گیرد باید از راه مدرسه و از طریق تعلیم و تربیت باشد بنظر من کافی است که بگوئیم هر قدر درجه معلومات شماست بهمان درجه قدرت و توانائی شماست و فوق اطلاعات خود هیچ کاربر را نمیتوانید انجام دهید راننده يك اتومبیل نمی تواند عمل يك میکانیکیچی تحصیل کرده را انجام دهد يك میکانیکیچی مدرسه دیده نمیتواند قدرت و توانائی و علم و اختراع يك مخترع را که سالها عمر خود را در دارالفنون های این فن بتحصیل علم و اطلاع صرف نموده داشته باشد سایر علوم و فنون و صنایع را از روی همین ها قیاس باید کرد علم هر کس در يك

رشته بخصوص بیشتر باشد قدرت و توانائی او در آن صنعت از سایرین بیشتر است بقول دانشمند معروف انگلیسی لرد بیکن (۱) که میگوید دانش قدرنت (۲) هر گاه دانش - علم صنعت و فن يك رشته را دارید در آن رشته دارای يك قدرت و استعدادی هستید که دیگران - آنهائیکه بد آن پایه نرسیده اند آن قدرت و استعداد را دارا نیستند .

نمیدانم توانستم خوب مقصود خود را ادا کنم یا نه باز خودم راضی نیستم که بقدر کافی خیال و نظر خود را روی کاغذ آورده باشم اگر هم روده درازی میشود باشد من میخواهم بگویم آن نجاری که نمیتواند مانند يك نجار تحصیل کرده و استاد شده میز و صندلی بسازد برای اینستکه اطلاعات او در این فن بیش از این نیست میخواهید بهتر باشد بگذارید تحصیل کند و علم این فن را فرا گیرد :

آن آهنگری که نمیتواند مانند يك استاد مدرسه دیده و تحصیل کرده از روی قواعد مخصوص این فن آهنگری کند تقصیر ندارد بیش از این ممکن نیست يك آهنگر خودرو بلد باشد اگر از کار او راضی نیستید و اداری در مدرسه که برای این فن دایر نموده اید تحصیل کند یاد بگیرد قواعد و اصول مخصوص این فن را بیاموزد آن تاجر یکه جز کلاه کلاه طریق دیگر تجارت را بلد نیست تقصیر ندارد جز این اصول اصول دیگر در تجارت ایران معمول نبوده اگر نمی پسندید مدرسه تجارت باز

(1) Lord Bacon (16)

(2) Know ledge is Power

کنید بکعبه را در فن تجارت تعلیم دهید اگر انتظار دارید
تجار مادرزاد خودروی شما از روی علوم و معلومات امروزی
در ایران تجارت کنند همان اصول و همان قواعد که برای
تجارت در ممالک انمانها معمول است در ایران هم تعلیم و
تدریس کنید آنوقت است که تجار عالم بصیر و مطلع خواهید داشت
احتیاج بمعلم دارید باید فن تعلیم را در مدرسه معلمین
تحصیل نموده باشد تا بتواند از روی علم و اطلاع تحصیل کند
فن تعلیم و تدریس اصول و قواعد معلوم و معین دارد برای هر
طبقه از شاگردان هم جدا جدا دروس مشخص و معلومی است
معلم هر طبقه باید آنها را علماً تحصیل نموده و باعلا درجه فن
معلمی را سیر کرده باشد و الا هر قدر شاگردان باهوش و دارای
استعداد در تحت تعلیم او بگذارید نتیجه مطلوب حاصل نخواهد
شد عوض نفع زبان خواهید برد

قضایات عادلانه میخوانید باید قضایات عالم و تحصیل کرده
دارای معلومات این فن نادر را داشته باشید قاضی خودرو در
دنیا وجود ندارد اینکه نمیشود بعدالت سر و صورت داد برای
این است که مدرسه این فن وجود ندارد اگر دارد کامل نیست
اگر تکمیل است عیوب دیگر دارد اگر نداشت یقیناً يك آثار
و علایم عملی محسوس میشد - ناچارید قضایات با معنی داشته
باشید که دارای آن روح و شهامت باشند که هیچ قوت و قدرتی
تواند جز حس و وظیفه قضایات در آنها تأثیری داشته باشد
اصلاحات عدلیه شما هم تا حدیست که اولیای آن اطلاع و بصیرت

دارند فوق آنرا نباید انتظار داشت بیش از این اگر انتظار دارید آنها را دارای بیش از این معلومات بکنید و از آنها بیشتر معلومات بخواهید که تحصیل نمایند و اسباب آنرا هم برای آنها فراهم بیاورید يك قاضی ایرانی نمیتواند مانند يك قاضی فرانسه تحصیل کند چون اسباب و وسایل آن در این مملکت فراهم نیست اگر هست نشان بدهید - چون نیست وجود آنها نیز نادر است .

اجازه میدهید يك چند کلمه هم در باب سیاسیون خودروی وطن خویش صحبت نمایم همانطوریکه يك نجار يك آهنگر - يك تاجر - يك معلم و يك قاضی ممکن نیست بدون تحصیل و فرا گرفتن اصول و قواعد و معلومات فن خویش به مقامی برسد که جامعه ملی او از علم و دانش و عمل و تجارت و تعلیم و قضاوت او برخوردار گردد بهمان دلیل و برهان نیز ممکن نیست يك سیاست مدار خودرو بتواند بملت و وطن خویش خدمت نماید .

و قتیکه يك سانس از تاریخ - ادبیات - آداب - شئون اخبار و احادیث - صناعت - تجارت - زراعت - آب و هوا - اقلیم - زمین - رودخانه - دریاچه - سواحل - دریاها - جنگلها - واردات - صادرات - منابع ثروت - معادن - احتیاجات - بازارها - خریدار - مشتری - نرخ اجناس - ترقی و تنزل قیمتها - میزان ثروت ملی - میزان پول رواج - مقیاس پول رواج در مملکت - فرق بین مقیاس طلا و نقره - علل انحطاط - اسباب ترقی - اسباب ازدیاد سکنه - علل تنزل توالد و تناسل و هزاران

اطلاعات دیگر که باید يك سائس حقیقی وطن خواه و ملت دوست آنها را بداند و بفهمد و تحصیل کنند و در موقع زمامداری خود از آنها استفاده نماید و بملت و وطن خود خدمت کند و باید بتمام اینها آشنا باشد ولی برعکس هیچ مدرسه ندیده و تحصیل نکرده معلوم و فنون سیاستمداری مانوس نیست محال است بتواند در این جار و جنجال و کشمکشهای دنیا که وظیفه بس مشکل برای يك زمامدار تهیه نموده است از عهده انجام خدمات محوله برآید - اینکه و کلاء مجلس و وزراء کابینه ها نمیتوانند مصدر يك خدمات برجسته واقع شوند برای اینستکه فنون سیاست را در مدارس تحصیل نکرده اند و آنچه را که تحصیل نکرده اند و نمیدانند و ندارند نمیتوان از آنها انتظار داشت باهمان برهان و دلیل که برای يك نجار آوردیم و برای آهنگر ایراد کردیم در حق تاجر - معلم - قاضی قائل شدیم باید دربارهٔ سیاسيون خود نیز قائل شویم غیر ازین چاره نداریم .

چنانچه دو و دو را که در هم ضرب کردیم نتیجه ضرب چهار است این نوع مسائل نیز مانند مسائل ریاضی يك نتیجه واضح و روشنی بدست میدهند .

سیاسيون ما چون معلومات فن سیاست را ندارند انتظار خدمات شایان و برجسته هم از آنها نداریم کسی هم در اینجا مقصر نیست نه ما نه شما و نه آنها هیچ يك تقصیر نداریم درجه معلومات آنها تا این حد است تجاوز از حدود علمو، که انسان فقط يك حد معین را داراست ممکن نیست من که حرف میزنم .

بقدر فهم خودم است و آنچه که شما میگوئید و میکنید و فکر می کنید بقدر فهم خودتان و آنچه که سیاسیون ما میگویند و میکنند بقدر فهمشان همین است که هست و عین حقیقت است .
گر تو نمی پسندی تغییر ده قضا را

اما جان کلام اگر از کردار - گفتار و دانش سیاسیون خود روی خود راضی هستیم چه بهتر دعوائی نداریم بگذار یکی دو قرن هم اینطور باشد چه ضرر دارد شاید تا دوست سال هم دنیا روی همین پاشنه گردید و برای ما يك مدت دوست سال مهلت فراهم شد چه فرصت و فرجه بهتر از این شاید آزمایش ادوار گذشته کافی نبوده این دوست سال آینده را هم روی همین اصل عمل میکنیم و این مدت را صرف آزمایش مینمائیم .

اینکه شوخی است گمان نمیرود جدی باشد آزمایش و تجربه بس است از يك انسان خود رو يك عمل منظم شود مند حاصل تمیشود وقتی میتوان از نتیجه سعی و عمل او برخوردار شد که او را تعلیم و تربیت نموده باشید و او را در يك فن بخصوص عالم و ممیز نموده باشید آنوقت از وجود او هم خود او هم شما و هم ملت برخوردار خواهد شد و قتیکه این طور نیست وجود او عاطل و باطل است - از وجود یکنفر سانس و از طرز سیاستمداری و زمام داری او وقتی بهره مند خواهید شد که آن شخص سانس دوره مدرسه علوم و فنون این شغل بس پیچ در پیچ را بمعنای تام و تمام خود تحصیل نموده باشد و در آن فن بر آمد اقران خویش گردد چه این اشخاص با مقدرات

يك ملتى بازى ميكنند با حيات يك ملتى سرو كار دارند كار هر كس نيست اين شغل با شرافت عالي مقام شير مرد كهن سال ميخواهد كه علوم و فنون اين مقام شريف را با تجربه و امتحان يك عمر عمل مخلوط و مهزوح نموده باشد.

قسمت سيم

اينك داخل ميشويم در قسمت سوم تقسيمات استاد متبحر عالم و دانشمند فيلسوف هربرت اسپنسر كه عبارت از تعليم و تربيت جوانان براي زندگاني خانوادگي است - بدون دانستن و تحصيل قواعد و قوانين ان كه براي نظام خانواده و اصول حفظ و حراست افراد يك عائله است ممكن نيست اساس ثابت ان روى يك شالوده محكمي قرار گيرد مگر اينكه يك اطلاعات مفيد و مختصري در اين باب دارا باشد در اينخصوص هيچ اطلاعاتي بهتر از اين نيست كه عين گفتار حكمت امير اين مرد فوق العاده و فيلسوف عالي مقام ترجمه شده باطلاع خوانندگان محترم برسد

اين است ان گفتار :- « حال ميرسيم ب قسمت سوم ان تقسيمات مهم سودمند اعمال بشري كه موضوع بحث ماست يك قسمتي است كه تا امروز مورد توجه هرگز واقم نشده است ا گر اتفاقاً روزكار طوري پيش بيايد كه هيچ اناري از ما جز كتب مدارس و اوراق امتحان دارالفنونها باخلاف صدسال بعد مانرسد وقتي كه آنها باين كتب و اوراق نظر كنند خواهند

دید که دروس مدارس عالی و دارالفنونهای علمی فقط برای تعلیم و تربیت کهنه و دیرنشینان بوده است و بس و هرگز برای انهایی که باید خانواده تشکیل بدهند نبوده است - پروگرام مدارس و دارالفنونهای امروزی ما اسباب تعجب و حیرت آنها خواهد گردید زیرا این يك پروگرام دروسی برای اشخاص منفرد و منزوی است ممکن است در پیش خود اینطور تصور کنند که این پروگرام ها باچه زحمت زیاد برای فرا گرفتن بسیاری از مسائل تهیه شده است مخصوصاً برای تحصیل کتب ملل ازمنه قدیم و ملل معاصر و از اینها معلوم خواهد شد صاحبان این پروگرام ها هرگز کتب مفیدی در زمان خود برای تحصیل و مطالعه نداشتند و باتمام اینها هیچ علائم و آثار تحصیل یادستور در پروگرامهای عریض و طویل آنها برای رشد و نمو و تعلیم و تربیت اطفال بهیچ عنوان دیده نمیشود البته این ملل ممکن نخواهد بود که این اندازه کوتاه بین و غیر مال اندیش باشند یقیناً و ظاهراً این پروگرامها و اوراق امتحان متعلق بدروس کلیساها بوده است و برای تعلیم و تربیت این نسخ از مردم تدوین شده است

واقعاً این يك موضوع بهت آوری نیست ؟ با اینکه حیات و ممت اخلاف ما بسته باین قسمت است خوشی و عزت نفس تفوق قوه اخلاقی مادی و معنوی بشر تماماً باین قسمت مربوط است با این حال يك کلمه هم در باب تعلیم و تربیت قوای مادی و معنوی اطفال و اخلاف آینده که بمرور جا و مقام اولیای

امروز برآ خواهند گرفت اشاره نشده است؟ آیا این حیرت انگیز نیست که مقدرات نسل آینده بحوادث و پیش آمد های لا یشعر یا عادات و رسوم بی منطق و دلیل احاله شود؟ یا این وظیفه ها را بمعده پدران بی اطلاع یا دایه های جاهل نادان وا گذار کنند یا بدستور پیر زنان متعصب از همه جا بیخبر رفتار شود؟

اگر يك تاجری بدون اینکه از حساب اطلاعی داشته باشد یا دفتر داری بداند که حساب مرتب و منظم برای خود نگاه دارد شروع بتجارت نماید ما از درجه حماقت او در حیرت خواهیم بود و خرابی تجارت و ورشکستگی او بر همه کس مسلم خواهد شد یا اینکه جراحی بدون تحصیل علم تشریح مشغول عمل جراحی شود فوق العاده اسباب تعجب ما شده بمرضای بد بخت يك چنین جراحی دلسوزی خواهیم نمود والدین اطفال نیز همین حال را دارند بدون اینکه از تعلیم و تربیت و رشد و نمو اطفال در خانواده اطلاعی داشته باشند یا از پیدایش و حفظ الصحه و پرورش آنها معلومات کافی دارا باشند این وظیفه پر مسئولیت را عهده دار میشوند اگر والدین و بزرگان يك عائله از اصول تعلیمات خانواده که عبارت از تربیت قوای بدنی - اخلاقی و دماغی اطفال است و باید این معلومات یگانه هادی و راهنمای آنها باشد بی سابقه باشند و به آنها توجهی نداشته باشند و در فکر تحصیل و کتب آنها نیفتند تعجب و دلسوزی برای خود آنها یا اولاد آنها هر گز مورد نخواهد داشت

اگر به ده ها هزار اطفالی که تلف میشوند علاوه کنیم

صدها هزار انهاییکه با بنیه های ضعیف علیل باقی میمانند و میلیونهائی که بحد بلوغ میرسند بدون اینکه دارای ساختمان محکم و متین بدنی باشند انوقت شما دارای يك عقیده معلوم و معین در باب ان فلاکتها و بد بختی های بی حد و حسابی که پدران و مادران بواسطه جهالت و بی علمی از اصول و قوانین زندگی و رشد و نمو اطفال نسبت باخلاف ما وارد میاورند دارا خواهید بود .

برای يك دقیقه در اوضاع و تربیت جاری که اطفال باید بر طبق آنها تربیت شوند دقت کنید اثار آنها را که در تمام عمر انها نفعاً و ضرراً در نهاد انها باقی خواهد ماند مشاهده نمائید خواهید دید تقریباً بیست طریق معمول انها منجر بخراب و خطا میشود تا يك راه ان بصراط مستقیم منتهی گردد انوقت يك عقیده ثابتی پیدا خواهید نمود که چه خطا های فوق العاده نسبت باطفال معصوم بواسطه تربیت های بی مطالعه زبان آور معمولی و متداولی امروزه مرتکب میشوند - ایا حکم شده است که لباس طفل در فصل سرد و زنده کم و دست و پای ان باز باشد که از سرما متأثر شده کبود گردد؟

اثر این ترتیب لباس در حیات آتیه او معلوم خواهد شد نتیجه آن یا ناخوشی یا عدم رشد و نمو جسمی یا بی بنیه گی یا عدم توانائی و قدرت بدنی در سن بلوغ خواهد شد بالاخره تولید درد و علت نموده وسیله عدم خوشی و کامیابی در زندگانی بعدی او خواهد گردید .

آیا اطفال محکوم هستند که غذای يك نواخت و یکجور صرف نمایند یا غذاهائی برای آنها تهیه شود که ذاتاً قوه کافیه غذائی برای نمو و رشد اعضاء بدن اطفال نداشته باشند؟ قوای نمو و ترقی بدن و دماغی اطفال و بنیه و توانائی متناسب مردان و زنان آئیه بواسطه غذاست سود و زیان آنها بسته بخوبی و قوه غذای آنهاست - آیا باید اطفال را از بازیهای فرح انگیز جلو گیری نمود و آنها را در هوای سرد در اطرافهای گرم حبس کرد؟ البته بدون رعایت این نکات اسباب عدم رشد و نمو قوای بدن آنها را فراهم آورده ایم.

وقتیکه پسران و دختران يك عائله ضعیف و لاغر اندام بار میابند والدین این پیش آمد سوء را نتیجه اقبال بد میدانند و يك بد بختی اسمانی تصور میکنند و طوریکه در میان مردم معمول است خیال میکنند این نواقص علل مخصوص و معینی ندارند و این نیز یکنوع بلای اتفاقی است در صورتیکه هرگز چنین چیزی وجود ندارد در بعضی مواقع بروز نواقص بدن یا دماغی بواسطه ناخوشیهای ارثی است ولی غالب آنها از اثر ترتیبات یا عادات جاهلانه است و عموماً مسبب اصلی و مسؤول عمده درد و الم اطفال والدین آنها هستند پیدایش اطفال ناقص الخلقه عدم رشد و نمو دماغی و اعضاء بدن و بیچارگی و عدم توانائی روحی و جسمی آنها تماماً مر بوط و بسته بوالدین آنهاست زیرا حیات آنها در ید اختیار والدین آنهاست هر دقیقه و ساعت حراست و نگاهداری اطفال بعهدہ آنها با يك بی توجهی مخصوص

که باید انرا یک-نوع ظلم و ستم نامید از تحصیل و دانستن اعمال و وظایف مخصوص اعضاء بدنی که پیوسته از او امر و نواهی آنها اعضاء طفل متأثر میشوند غفلت نموده اند و از دانستن و فهمیدن ساده ترین قواعد علم فیز یولوژی عاجزند سال روی سال میکزد و آنها درین اوامر و نواهی برخلاف عقل مداومت نموده اعضاء ساختمان بدنی اطفال را از نمو و رشد باز میدارند و باعث بروز ناخوشی ها و اسباب اتلاف و مرگ بیموقع اطفال و اخلاف خویش میشوند - نه تنها این اتلاف منحصر باطفال و اولاد خودشانست بلکه از اولاد آنها نیز این نواقص بروز خواهد کرد.

همین نواقص بلکه تا اندازه زیادتر در تعلیم و تربیت اخلاقی اطفال نیز موجودست که بواسطه عدم اطلاع والدین انهاست يك مادر جوانرا در نظر بیاورید این مادر جوان چند سال قبل خود در همان مدارس تحصیل مینمود و مغز او از يك عده زیادی اسامی - کلمات و تاریخ ها پر شده در صورتیکه برای توسعه قوای دماغی او هیچ اقدامی نشده است و هرگز دران قسمت از تعلیماتی که برای وظایف نسوان معین است و یکی از آنها دانستن اصل نمو و رشد دماغی اطفال است وارد نشده سالهای بعد از مدرسه نیز صرف رقص و موزیک ارایش و مهمانی و افسانه خوانی گردیده است هرگز از وظایف و تکالیف مادری چیزی یاد نگرفته و هیچوقت ازان قسمت اطلاعات که برای تربیت روحی و فکری اطفالست بهره مند نشده که او را برای يك چنین وظیفه پر مسئولیت مادری آماده کند حال نتیجه پرورش-

— نمو — رشد بدنی — اخلاقی و فکری وجود يك طفل معصوم بشری را که بعده يك چنین مادری بی علم محول است ملاحظه کنید در صورتیکه این وظیفه یکی از وظایف مهمی است که يك خانم بصیر مطلقاً انجام آنرا عهده دار شود

يك چنین خانم بی علمی بهیچوجه اطلاع از طبیعت و احساسات روحی اطفال ندارد و از درجات نمو و رشد آنها بکلی بی خبر است و از اثرات آنها که از کجا ظاهر میشود و بکجا منتهی میگردد تماماً بی اطلاع است يك چنین مادر جوانی بالطبع در تحت تأثیرات احساساتی است که تماماً مخالف اصول علمی است شاید دارای معلومات مفیدی باشد ولی بهیچوجه مربوط باینموضوع نیست در هر صورت چنانچه از ساختمان جسمی و دماغی بشر بی اطلاعست بهمان درجه نیز هر نوع عملیات و رفتار نسبت بانها اعمال کند اثرات آنها مفید نخواهد بود

وقتی که يك مادری از دانش تظاهرات و تجلیات دماغی بی بهره و از علت اثرات و اعمال آن بی اطلاع است دخالت او غالباً بیشتر زیان آور خواهد بود تا عدم دخالت آن — اعمال و حرکات گوناگون اطفال که کاملاً طبیعی و عادی و مفید است و مادر جوان بی اطلاع در آنها دخالتهای بی جا میکند و دائماً مانع از انجام آنهاست بیشتر سبب خرابی اطفال میشود و عوض تولید خوشی و خرمی در اطفال باعث بد اخلاقی و مانع رشد و نمو قوای روحی و جسمی آنها میگردد — ما در اعمالی را که تصور میکنند مطبوع و مفید است و اطفال باید انجام دهند

وامیدارد اطفال به تهدید یا بوعده انعام یا باحال تشدد یا تحسین انها را انجام دهند ولی هیچوقت اراده باطنی اطفال را در نظر نمیآورد که رابطه محکمی با اراده ظاهری انها دارند و با این رفتار تخم تزویر و ترس - خود پسندی را بجای احساسات نیک و پسندیده در نهاد آنها تهیه میکنند و میکارند و بدون اینکه نتایج سوء تشدد و تغیر را در احوال روحیه اطفال بدانند هر ساعت و دقیقه باین حالت‌های غیر پسندیده متوسل شده اطفال را با کلمات خشن و تند میخوانند تربیت نموده و غفلت دارد از اینکه از تأثیر تربیت در آغوش مادر است که برای دنیا اشخاص مفید و سودمند بحال جامعه تهیه میشوند .

وقتی که مادر های جوان از نتایج معلومات علمی بی اطلاع باشند و علم و دانش دایل راه آنها نشود غیر قابل خواهند بود که اعمال و اثرات روحی اطفال خود را تمیز بدهند و آنها را بفراخور حال و استعدادشان هدایت کنند درین صورت رفتار آنها نسبت باطفال از روی احساسات خلق الساعه بی ترتیب و خطر ناک خواهد بود .

ازین قسمت که بگذریم داخل در قسمت تعلیمات علمی اطفال میشویم و میخوانیم به بینیم آنها را درین رشته چگونه تعلیم و تربیت میکنند و قتیکه تصدیق شهر تجلیات و تظاهرات فکری و دماغی مطابق قوانین مخصوص است و نمو و رشد دماغی اطفال برطبق همان قوانین میباشد نتیجه این میشود که تعلیم و تربیت ممکن نیست بطور صحیح انجام گیرد مگر اینکه هادی و راهنمای آنها

دارای اطلاعات قوانین فوق الذکر باشند.

اگر شما تصور کنید میتوانید بطور صحیح عمل تجمع و تشکیل افکار و عقاید علمی را در دماغ خود مجسم کنید بدون اینکه ذات و حقیقت آن عمل را بدانید يك تصور باطلی خواهد بود در بنصورت چه اختلاف بزرگی بین تعلیمات جاری امروزی و تعلیمات علمی که حقیقتاً میبایست باشد وجود خواهند داشت امروز والدین اطفال جز عده معدودی از علماء هیچ اطلاعی از مباحث علم النفس (۱) ندارند با این حال معلوم است اصول تعلیم و تربیت حاضر چه وضعی را دارا خواهد بود که هم معنأ و هم مادناً تماماً غلط است وقتی که يك سلسله حقایق صحیح کنار گذاشته شد و بجای آن يك رشته دروس اجباری غلط بطریق غلط و تربیت غلط تعلیم شد نتیجه غلط آن نیز حتمی است

بنا بر این تعلیم و تربیت اطفال در رشته های بدنی - اخلاقی و فکری بطور وحشت انگیزی ناقص است و علت آنهم تا اندازه زیادی اینست که والدین آنها فاقد دانش و اطلاعات لازمه هستند و فقط بواسطه همین معلوماتست که يك تعلیم و تربیت متناسبی میتوان باطفال داد چه میتوان انتظار داشت از کسیکه میخواهد یکی از مسائل مهم غامض را انجام دهد در صورتیکه هیچ زحمتی برای دانستن اصول حل آن نکشیده است برای کفاشی یا معماری یا ملاحی یا مهندسی مدت زمانی تحصیل و شاگردی و عمل لازمست درینصورت آیا تعلیم و

تربیت اطفال ونمو و رشد و تمیز جسمی و روحی آنها این اندازه سهل و آسانست که هر کس بدون سابقه و تحصیل علوم و فنون این فن شریف بتواند عهده دار شود یا نظامات و قواعد برای آنها معین نماید؟ اگر چنین نیست و موضوع بس مشکل و یکی از موضوعات مهم عالم طبیعت است و شغل بی اندازه اساسی است آیا جنون نیست که هیچ اصولی برای آن قائل نشوند؟

پس در این تقسیمات خود که این قسمت سوم آن است می بینیم که منظم کردن این قسمت از اعمال بشری که عبارت از تربیت اطفال است و دانستن قوانین حیات از واجبات است و آشنا شدن با اصول اولیه علوم فیزیولوژی (۱) و پسیکولوژی (۲) و مختصری از حقایق عمومی آنها لازم است.

شکی نیست که بعضی از خوانندگان این اوراق به این پیشنهاد ما خواهند خندید و دانستن و خواندن والدین اطفال اصول این علوم حیاتی را که بس دشوار مینماید بنظر خیلی غریب خواهد آمد اگر ما چنین پیشنهادی را نموده باشیم که تحصیل و فرا گرفتن جدی تمام آنها بر هر پدر و مادری واجب است البته بیشتر مورد خنده خواهد بود ولی مقصود این نیست مقصود اصلی دانستن اصول کلی این علوم است که بعضی نکات عمومیرا هم شامل باشد و تا اندازه موضوع را تشریح کند - تا این اندازه کافی است و فرا گرفتن آنها هیچ اشکالی ندارد در هر حال حقایق اصلی اینست که نمو و رشد روحی و جسمی اطفال

تابع قوانین معین و مخصوص است و اگر تا حدی معین و معلوم والدین اطفال موافق این قوانین رفتار نکنند مرك آنها در صغر سن حتمی است و تا درجه بیشتر و زیاد تری اگر بر طبق ان اصول رفتار نکنند بعواقب وخیمی که عبارت از ظه-ور نواقص عقلی و بدنی باشد اطفال آنها گرفتار خواهند شد و اگر آنها را کاملاً رعایت کنند و بر طبق آنها رفتار نمایند يك انسان های کاملی بعرضه وجود خواهند آمد که عمر طبیعی را با صحت و تندرستی سیر خواهند نمود.

حال قضاوت کنید درینصورت آیا تمام آنهائیکه ممکن است يك روزی بدرجه عالی و مقدس پدری یا مادری برسند بید از جان و دل بکوشند و با يك شوق و ذوقی مقدمات این قوانین و اصول را تحصیل نموده بدانند؟ (۱) «

تا اینجا قسمتی از بیانات و عبارات استاد متبحر عالم معروف هربرت اسپنسر بود که ترجمه و ضمیمه شد در اینباب کتب معتبر و مفید دیگر نیز موجود است که داخل درمندرجات آنها شدن رشته مطلب را دراز خواهد نمود چه این قسمت يك دوزوع مهمی است که هر قدر انسان مطالعه کند باز کم است امروز در تمام ممالک مترقی اساس تعلیم و تربیت روی اصول علمی است که بد بختانه در ایران هیچ از آثار و علایم آنها خبری نیست و چون وجود ندارند بحث و گفتگو هم در

باب آنها موضوع را بیشتر درهم و برهم خواهد نمود بنظر من تا اصول تعلیم و تربیت در ایران طرفداران متنفذ جدی پیدا نکرده و عنوان آنها مدعیان خفته جاهل سرسخت را بیموقع بیدار خواهد نمود اصلح آنستکه رشته مخصوص اصول تکامل تدریجی را متابعت نمود و با قدم های خیلی آرام و ملایم و پیوسته بطرف مقصود روان شد اگر بعدها يك هیئتی پیدا شد که بدون هیچ غرض و مقصودی بجز تعلیم و تربیت عوام صمیمانه و جدا درین مرحله داخل شدند و کتب مفید علمی و ادبی و ذوقی و اخلاقی را بزبان عوام ترجمه و طبع و بقیمت های نازل و ارزان انتشار دادند آنوقت است که رشد و قوه تمیز در جامعه ایرانی پیدا شده مباحث بس عالی را میتوان بدون ترس و وحشت موضوع حد و عقد قرار داد حال هیچ زمینۀ برای این حرف هانیست بهتر است از این مبحث بگذریم.

از جمله کتبی که در این باب دیده ام و بنظر من بسیار مفید و نافع است و هر بشری در هر سن و سالی میخواند باشد دانستن مندرجات آنها بحال او سودمند است دو رشته کتابهای سلسله استمال است (۱) که چهار جلد آن برای مردان و چهار جلد دیگر برای زنان نوشته شده و از هر کتابفروش خارجی اروپائی یا امریکائی میتوان بسهولة تهیه نمود تصور نمیکنم هر کسی این کتب را ندیده است بتواند يك انسان کامل یا يك

مرد مفید یا يك عضو نافعى براى جامعه يا يك پدر مهربانى
براى عائله خود باشد چقدر مفید بود این کتابها در دسترس عموم
گذاشته ميشد .

کتاب ديگرى که فوق العاده نافع است کتاب موسوم به
ساختمان انسانست که آنها نیز ميتوان از هر کتابخانه خارجى
سفارش داد این کتاب احوال روحى و جسمى انسان را در حال
صحت و يا کسالت با طرز بسیار مفيدى شرح ميدهد علل ظهور
امراض و طرق احتراز از آنها و مداواى آنها را نیز بيان ميکند
و هر کس آنها مطالعه کند بدون ترديد يك انسان لايق و سود
مندی براى جامعه خواهد بود . (۱)

کتاب مختصر و مفيدى که بنظر من در باب تعليم و تربيت
دختران رسیده کتابى است موسوم بتعليم و تربيت دختران در
فنون و صنايع بدى این کتاب را يك خانم عالمه و فاضله امریکائى
تأليف نموده و از کتاب های بسیار مفيد و لازم براى دختران
است . (۲)

کتاب ديگرى که اخيراً از طبع خارج شده موضوع آن
راجم بتاريخ طبيعى اطفال است و جامع اطلاعات مفيد و لازمى
است که مطالعه آن بر هر کس واجبست (۳) بنظر من اگر این

(1) The Constitution of man By g.R. wallace

(2) The Training of Girls For Work, By Edith A. Barne

(3) Natural History of The child By Sr Herman Wekker 1923

سنخ کتابها ترجمه و در اختیار عمومی گذاشته شود اثرات آن در اندک مدتی میان جامعه بشکل مضبوطی ظاهر خواهد شد.

اول شما باید اصول حفظ الصحه را بهر راه و شکلی که باشد در میان سکنه ایران رایج و آنها را از پیر و جوان و عارف و عامی باصول اصلی آن آشنا کنید مردم بخودی خود هرگز باین نکات پی نخواهند برد تا بوجود جانوران موزی غیر مرئی عقیده پیدا نکنند ممکن نیست در آبهای خوراکی خود دقت نمایند و تا تفهمنند که زباله و کثافات اطراف مسکن یاخانه یا معابر مجاور محل آن اسباب تولید ناخوشیهای گوناگون میشود هرگز بفکر نظافت و رفع آنها نخواهند افتاد تا ندانند که کسالت مزاج در اثر تمبلی و راحت طلبی است هیچوقت میل بورزش نخواهند نمود تا از اصول ساختمان جسمی و روحی انسان مطلع نشوند هیچوقت به تربیت صحیح اطفال در خانواده خود قیام نخواهند نمود اگر خود لذت علم و دانش را نپسندیده و بگوش و چشم خود فواید آنرا ننشیده و ندیده باشند ابداً بفکر وسایل تعلیم و تربیت اولاد خود نخواهند بود تمام این معایب کی رفع میشود؟ وقتیکه وسایل شنیدن دیدن و شدن را برای او آماده کنید اگر شما فراهم نیاورید بخودی خود وجود خارجی پیدا نخواهد کرد این حالت ذاتی شرقی است چاره هم ندارد هر کار نیکی که در حق او میکنید علاقه - دلسوزی - زور و فشار و مراقبت جدی هم باید در دنبال داشته باشد.

اینک ما میرسیم بقسمت چهارم تقسیمات فیلسوف معظم

هربرت اسپنسر که عبارت از تعلیم و تربیت اطفال برای جامعه است یعنی اطفال طوری در این قسمت باید تربیت شوند که بتوانند مردان عالم - دانا - بصیر در امور سیاسی و اجتماعی وطن و ملت خویش باشند و قادر باشند بترقی و سعادت مملکت خود کمک نمایند درینصورت مقصد معلوم است ولی باید دید بچه وسیله و از کدام طریق بهتر و مناسبتر میتوان بمقصد رسید .

باز اصلح آنست که عین عبارات و نظریات استاد معظم را که تمام دنیا از فواید آن برخوردار شده اند ذیلاً ترجمه نماید شاید در این مملکت نیز مفید واقع شود اینست نظر ایشان - « از وظایف پدری گذشته اینک میرسیم بوظایف وطن که یک وطن خواه حقیقی باید آن وظایف را بداند و انجام دهد در اینصورت باید در اینجا تحقیقات شود که چه نوع معلوماتی انسان را حاضر و آماده میکند که این وظایف را بخوبی انجام دهد - در اینجا نمیتوان متعذر شد که احتیاج بچنین معلوماتی مناسب این رشته تا حال مورد توجه نشده زیرا در جزو دستور های سالیانہ مدارس عالی تکالیفی اقلأ اسما هم شده است - در امور و وظایف سیاسی و اجتماعی تعیین شده است از اینها فقط چیزیکه در درجه اول اهمیت واقع شده تاریخ است لیکن طوری که قبلاً اشاره شده اطلاعاتیکه در تحت این عنوان جمع گردیده غالباً بی فایده و برای آن مقصود که عبارت از ارشاد و هدایت باشد ارزش ندارد در کتب تاریخی که برای مدارس عالی یا برای جوانان محصل تدوین شده هرگز آن مطالب و اصول اساسی

مسائل سیاسی ذکر نشده است.

تاریخ حیات سلاطین (جز این چیز دیگری باطفال ما یاد نمیدهند) ابدأ بقسمت علمی اجواز اجتماعی کمک نمیکند دانستن دسائس درباری توطئه ها - خیانت ها و امثال آنها و شناختن بازیگران تمام اینها هرگز وسیله فهم و تمیز و اسباب ترقی يك ملت نباشد نخواهد بود در این تاریخها میخوانیم که يك موضوعی تولید نزاع نمود و منجر بیک جنگ خونین گردید اسامی ژنرالها این بود - فرماندهان آن هر يك دارای چند هزار قشون سواره و پیاده بودند چقدر توپ داشتند اینطور صف آرائی نمودند این شکل حمله کردند جلو رفتند عقب نشینی نمودند آنروز چه گذشت کدام نفع برد کدام يك متضرر گردید فلان صاحب منصب مقتول شد فلان باور زخم بر داشت فلان فوج رشادت کرد آن یکی کوتاه آمد بالاخره کدام فتح کرد کدام مغلوب شد چقدر تلفات دادند چقدر بدشمن تلفات وارد آمد اینقدر اسیر گرفتار شد خلاصه یکی از این دو دسته فاتح و دیگری مغلوب گردید - حال بعد از دقت و مطالعه تمام این جزئیات بگوئید کدام يك از اینها کمک خواهد نمود بتکالیف و وظایف يك انسانی که باید بوطن و بملت خود مقید باشد فرض کنید شما نه تنها کتاب پانزده جنگ های قطعی دنیا (۱)

«۱» پانزده جنگهای قطعی دنیا اولش از جنگ ماراتون ۴۹۰ قبل از میلاد بین ایران و یونان و آخرش جنگ واترلو بین فرانسه - آلمان و انگلیس در سال ۱۸۱۴ است يك کتاب جداگانه است شاید جنگ روس و ژاپون ۱۹۰۴ و جنگ عمومی ۱۹۱۴ نیز عده آنها را به ۱۷ برسد

بلکه تمام جنگهایی که تا حال بشر برای حرص و آز جهانگیری بر پا کرده است بدقت تمام مطالعه نمودید چه تأثیری در اعمال شما در موقع انتخابات خواهد داشت؟

شاید بگوئید اینها حقایق هستند و يك حقایق دل چسب بدون تردید حقایقند مانند حقایق افسانه ها آنهم نه تماماً بلکه قسمتی از آنها و ممکن است برای يك عده زیادی مانند حقایق بشمار بروند ولی با تمام این احوال دارای هیچ قدر و قیمتی نیستند - عقیده و نظر غیر صحیح ممکن است به خیلی چیزها که هیچ قدر و قیمت ندارند يك اهمیتی بدهد در صورتیکه دارای آن قدر و قیمت نباشند مانند اينکه يك عاشق یا مفتون گد و ربا حین ممکن است بيك بوته گد مبلغ زیادی بدهد و خریداری کند و داشته باشد یا اينکه شخص دیگر بيك کاسه سفالین چینی مبالغ هنگفت پول بدهد و آنرا برای خود ذخیره کند

بسا دیده شده بعضی ها مبالغ گزافی میدهند و صله اشخاص جانی معروف را خریداری مینمایند و نگاه میدارند با این احوال آیا ممکن است ادعا نمود که این سلیقه ها میتوانند مقیاس قیمت اصلی آن اشیاء باشند؟ اگر جواب منفی است درینصورت باید تصدیق نمود که میل علاقه مخصوص طبقات معینه که برای حقایق تاریخی نشان میدهند هیچ دلیل و برهانی برای قدر و قیمت آنها نمیتواند باشد بنا بر این ما باید قدر و قیمت آنها را امتحان کنیم مثل اينکه قدر و قیمت سایر چیزها را امتحان میکنیم و سؤال مینمائیم اينها چه ارزشی دارند و بچه دردی

می خورند

اگر کسی خبر زائیدن گربه همسایه را بشما بدهد خواهید گفت این اطلاع شما قدر و قیمتی ندارد ممکن است حقیقت هم داشته باشد و يك چنین گربه همسایه هم چند بچه گربه آورده باشد اما این يك حقیقت عاری از اهمیتی است که هیچ اثری در اعمال بومیه شما نمیتواند داشته باشد و هیچ کمکی بزندگانی عاقلانه شما که باید آنها را یاد بگیرید نمی کند حال این مقیاس را برای امتحان حقایق بی شمار تاریخی بکار اندازید و میزان بگیرید بهمان نتیجه که قبلاً ذکر شد خواهید رسید - از این حقایق تاریخی هیچگونه نتایجی نمیتوان بدست آورد زیرا تمام اینها يك توده حقایق غیر مرتب و منظمی است بنا بر این این حقایق نمیتوانند در برقراری اصول رفتار انسان کمک کنند یا مفید باشند در صورتی که مورد بکار انداختن آنها در همین مواقع است

ضرر ندارد مطالعه کنید اگر میل و فرصت آنها دارید برای تفریح بد نیست ولی انسان نباید خود را بول بزند که اینها ممکن است اسباب و وسایل تعلیم یا تربیت باشند

در حقیقت آن چیزها نیکه باید در تاریخ ها گنجانده شوند غالباً حذف شده اند فقط در این سنوات اخیر است که مورخین شروع نموده اند يك حقایق مفیدی را که حقیقتاً سودمند است بما بدهند چنانچه در ادوار گذشته پادشاه همه چیز بود و ملت هیچ مورد توجه نبود و همچنین در زمانهای

پیش اعمال سلاطین تمام کتاب را اشغال مینمود و هیچ صحبتی از حیات ملت ذر بین نبود فقط در تازگی است که مسائل مهم زندگانی ملت و سعادت آن طرف توجه علماء متبحر تاریخ شده و اوقات گرانبهای آنها صرف پیدا کردن علل انحطاط و اسباب ترقی ملت ها میشود در واقع موضوع مهمی که باید ما بدانیم تاریخ طبیعی اجتماعات بشریست که از آنها ملل رشد و نمو کرده باین حال رسیده اند

ما حقایقی را میخواهیم بدانیم که اسباب تشکیل و ترقی ملل شده اند در میان این حقایق وضع و ترتیب حکومت آن نیز شامل خواهد بود

بدون اینکه باشخص آن کس در رأس حکومت قرار گرفته توجهی داشته باشیم ما باید نکات اساسی را بدانیم مثلاً طبقه بندی آن ملت - اصول حکومت آن اوضاع زندگی درجه تعصب و جاهلیت آن محسنات اخلاقی و مفساد اجتماعی و غیره که در میان آن جاری است اگر ممکن شود رفتار حکومت مرکزی - حکام جزو عالی ترین و دانی ترین کارکنان حکومت بعلاوه اساس دیانت آن نفوذ و قدرت روحانیون در میان آن و تشکیلات مذهبی اعمال و قدرت و مناسبات آنها با حکومت وضع و آداب و شئون و عقاید مذهبی نه فقط آن قسمتهائی که ظاهراً دارا هستند بلکه آنها را که حقیقتاً عمل میکنند و همچنین لازم است بدانیم نفوذ طبقاتی درباریان آن ملت چیست اثرات آن و تقسیم بندی طبقات عالی و دانی القاب متداول آن وضع تکریم و تعظم

و اشکال مخصوص تواضع و تعارف و معاشرت و عنوانهای آن - باز لازمست بدانیم عادات و رسوم معموله آنها که در زندگانی داخل و خارجی آن مؤثر است رفتار مردها نسبت بزنان و مناسبات ظاهر آن مناسبات مردها با خانواده خود و طرز تعلیم و تربیت خانواده افسانه های تاریخی و مذهبی که از زمانهای قدیم تا حال در میان آن باقی و جاری است .

بعد از آن قسمت شرح و بیان اوضاع صنعتی آزملت است باید بدانیم تقسیم کار در میان آن ملت چگونه است و در چه پایه قرار گرفته وضع تجارت آن چیست آیا این تجارت در میان طبقه مخصوص است و یا عده بخصوص در آن اشتغال دارند یا شکل عمومی دارد مناسبات کارگر با کار فرما چیست چه وسائلی برای تقسیم و انتشار متاع خود دارند اسباب حمل و نقل آن چیست وسیله مبادله چگونه است در ردیف اینها باید يك اطلاعات جامعی از صنایع یدی و فنی و علمی آن داشته باشیم طرق علمی که در میان آن معمولست مقدار محصول محلی احوال روحیه آن و درجات معلومات و اطلاعات ملی آنرا باید بدانیم بعلاوه نوع و مقدار درجه تعلیم و تربیت در میان آن ملت و ترقیات آنرا در موضوع باید علمی بدانیم تا چه پایه رسیده و درجات فکری آن تا چه حد است - میزان معلومات ذوقی آن ملت که از ساختمان بناهای خصوصی و عمومی آن معلوم است - - حجاری - نقاشی - طرح لباس - علم موسیقی - شعر - چکامه سرائی اینها نیز درباره يك ملت باید دانسته و فهمیده و دقت

شود - بعلاوه از این قسمت هم نباید غفلت نمود که بمجسم نمودن زندگانی یومیّه آن ملت - غذا - مسکن - تماشای خانه و تفریح آن بالاخره در تمام قسمتها مخصوصاً قسمت اخلاق - آمال و عادات شئون و قوانین سازی و جاری يك ملت دقت و معلومات کافی تحصیل شود - تمام این حقایق هم باید طوری جمع شده و به ترتیب منظم و بفرآخور جا و محل خود مرتب شده باشد که يك تاریخ جامع قابل مطالعه و تحصیل بشمار رود - نظر نهائی باید این باشد که تمام این حقایق و معلومات در باره يك ملتی باید توسط اشخاص بصیر عالم و دانشمند تهیه و جمع آوری شده باشند که بایک مطالعه دقیق باسانی بتمام آنها آشنا باشد و آنها را با اوضاع و احوال سایر ملل مقایسه کند .

بعد از این مجموعه تاریخ شرح و بیان احوال آن ملت در قرون متوالیه نیز باید بوضع صحیحی منظم و مرتب تهیه شود تا بتوانند عقاید - ایمان و مؤسسات عادات و اصول تغییراتی که در آنها راه یافته و آنها را اصلاح نموده است و چه علل و اسبابی در تغییرات آنها دخالت داشته و آنها را از حالت سابق خود بحالت حالیه انداخته است از روی ان دانسته و بفهمند .

خلاصه کلام اینها و فقط این نوع معلومات و اطلاعات است که يك جوانرا مستعد و حاضر خدمت نموده او را در جامعه خود مفید و سودمند میکند در حقیقت یکنانه تاریخی که برای جوانان نافع باشد همان تاریخ انحطاط - زوال و نمو و رشد و

ترقی اجتماعات بشریست (۱) و بزرگترین مقامی که يك مورخ میتواند احراز نموده و خدمت شایان نماید اینست که شرح احوال زندگانی ملل را طوری تنظیم و تدوین کند که يك منبع و وسیله تحصیل علم اجتماعی تطبیقی (۲) بشمار رود و یکنانه اسباب فهمیدن و دانستن قوانین اصلی و حقیقی تجلیات و تظاهرات اجتماعی محسوب شود. با این حال فرض کنیم يك مقدار متناسبی از این نوع اطلاعات گرانهای تاریخی تحصیل دانسته شد با وجود این باز نسبتاً مفید نخواهد بود اگر مفتاح صحیح آن بدست نیاید فقط مفتاح حقیقی آن در علم (۳) پیدا خواهد شد و بس.

تا اصول اساسی علوم علم الحیات (۴) و علم النفس (۵) از روی قاعده صحیحی تعمیم نشده ممکن نخواهد بود توضیح و تفسیر و فهم تجلیات روحی اجتماعی بشر از روی دقت و یقین صورت پیدا کنند انسان فقط تا اندازه میتواند مرور و بتجربه بعضی حالت های خاص سطحی طبیعی و ظاهری بشر را استنباط نماید و ساده ترین حقایق زندگانی او را درک کند مانند نسبت عرضه و تقاضا (۶) درین صورت بمقدمات اولیه حقایق علم اجتماعی نمیتوان نایل شد مگر اینکه انسان مختصر اطلاعی پیدا کند که چگونه بشر فکر مینماید چگونه حس میکند و در تحت چه

(1) - Descriptive Sociology,

(2) Comparative sociology.

(3) Science. (4) Biology.

(5) Psychology (6) Supply-Demand.

عوامل و کیفیاتی عمل مینماید پر معلوم است که ممکن نمی-
شود انسان يك اطلاع وسیعتر و جامعتری از حیات اجتماعی او
بفهمد جز اینکه بوسیله دانستن و آشنا شدن کامل به احوال
بشر و قوای طبیعی روحی و بدنی او اینک مطلب را در ساده
ترین وضعی دقت کنید - بیان ذیل نتیجه روشن و واضح
مسئله است :

اجتماع بشری از افراد ترکیب شده و آنچه در جامعه
صورت می بندد نتیجه اعمال مجتمعه آن افراد است بنا بر این
فقط در عمل فردی میتوان نتایج تجلیات و تظاهرات اجتماعی را
کشف نمود لیکن اعمال افراد تابع قوانین طبایع آنهاست و فهمیدن
اعمال آنها ممکن نیست مگر اینکه این قوانین را انسان بفهمد
و قتیکه این قوانین را انسان تجزیه میکند و بشکل ساده در می
آورد دبدده میشود که اینها عموماً نتایج واضح و روشن قوانین
احوال روحی و جسمی بشری است بنا بر این علوم علم الحیات
و علم النفس برای فهمیدن احوال اجتماعیات بشری از واجبات است
باز میخواهیم موضوع را واضح تر از این بیان نمائیم -
تمام تجلیات و تظاهرات اجتماعی از تجلیات و تظاهرات حیات
است هر تظاهر و تجلی که پیدا میشود هر اندازه بنظر مبهم و
مشکل بیاید تابع و مربوط بهمان قوانین است و خوب میتوان
انها را فهمید و دانست و قتیکه قوانین حیات دانسته و فهمیده شود
و قتیکه میخواهیم اولاد جامعه را در این قسمت تعلیم و تربیت
کنیم ناچاریم دست توسل در این قسمت نیز بدان علم دراز

کنیم (۱)

ان قسمت اطلاعاتی که در ضمن درس مدارس برای این رشته تعیین شده و تعلیم میشود برای هدایت و راهنمایی اعضاء جامعه فوق العاده کم است و برای يك انسان وطن خواه که دارای افکار و رفتار و کردار سود مند باشد کافی نیست .

از اینهمه درس تاریخ که او میخواند فقط يك قسمت مختصری قابل استفاده است و از آن قسمت مختصر نیز او نمیتواند برخوردار شود نه تنها وسایل آن موجود نیست بلکه حس به احتیاج آن نیز هنوز پیدا نشده که تمام جزئیات اعمال و احوال بشری را جامع باشد . (۲)

يك دوره بود که انسان فقط بقوای طبیعی جسمی خود مستظهر و امیدوار بود آن دوره سپری شد دوره دیگر پیداشد که قوه انسان عبارت از حربههای برنده و قتاله بود که با آنها میتواند از دشمن خود جلوگیری نماید آن دوره نیز باخر رسید دوره پیش آمد که عقل او فقط وسیله بقا و حیات برای او شد هر قدر عقل و دانش او بیشتر بهمان اندازه قدرت و توانائی او بیشتر امروز در حقیقت همان دوره است زور بدنی و برندگی حربه در درجه سوم و چهارم واقع شده عقل و فهم و دانش درجه اول را حائز گردیده است امروز هرملتی که آنرا دارا است ولو هر قدر كوچك و از حیث خاك كم وسعت و كم جمعیت

وای با علم و دانش و صنعت باشد حق حیات و زندگی را داراست و هیچ دولتی ولو هر اندازه هم قادر و توانا باشد باز نمیتواند بحقوق مسلمه آن ملت کوچک تجاوز کند ولی مللی که فاقد این معلومات هستند و هنوز در وادی جهل و بی علمی ساکت و آرام و بی حرکت آرمیده اند عموماً در خطر و هرساعت انتظار تجاوز از هر طرف درباره آنها میرود هیچ فرق نمیکند این ملل بی علم و اطلاع هر اندازه بزرگ و پر جمعیت باشند باز در عالم سیاست هیچ وزنی را دارا نیستند فقط قسمت ارضی و موقعیت جغرافیائی مسکن آنها دارای يك اهمیتی است و الا خودشان در ترازوی سیاست دول بزرگ عالم هیچ وزنی را دارا نمیباشند مگر در موقع جنگ بین خودشان که سکنه این نواحی بهترین سدی را میتوانند در مقابل کلوله های توپ دشمن ایجاد کنند.

برای این ملل هیچ راه فراری از چنگال دول طماع نیست جز از راه علم و دانش و صنعت - همانطور که انسان مجبور میشود در موقع سردی هوا خود را از سرمای سخت یخ بندان حفظ کند بر يك ملتی هم واجب است که خود را از تجاوزات بیگانه محافظت نماید چنانکه سرما در موقع معین خواهد آمد و انسان آن موقع را میداند و خود را برای آن موقع مهیا میکند و اسباب و وسایل حفظ خود را از سرما فراهم مینماید همانطور هم یکچنین موقعی برای يك ملت خواهد رسید منتها روز معین ندارد و نمیتوان تاریخ صحیح آنرا معین کرد ولی آمدن یکچنین روزی حتمی است پس یگانه چاره آن مهیا شدن

و آماده شدن و مسلح شدن و حاضر شدن است با تمام وسایل دفاع برای یکچنین روزیکه از جمله چیزهائیمست که برای يك ملت واجب و حتمی است

ملت ایران نیز چنین روزهایی را در دنبال دارد و مقدمه آن قرنهاست تهیه شده و برای عملی شدن آن قریب یکصد سال قبل از این نقشه معین طرح شد و بیست سال قبل عملی گردید ظهور انقلاب در روسیه این نقشه را واژگون نمود ظهور سلسله پهلوی بمقدمه وسایل دفاع روح عملی دمید امید است وسایل تحصیل علم و دانش و صنعت نیز بمعنای تام و تمام خود عملی شود تا جامعه ایران بتواند و قادر باشد از اماکن متبرکه بزرگان کیش و آرامگاههای ابدی اجداد خود نگاهداری کند و آنها را بدون نقصان بلکه بهتر و زیاد تر بدست اخلاف عالم و بصیر با دانش و صنعت باطمینان کامل بسپارد (۱) اما بچه راه و بچه وسیله هر فکری عملی شدن میخواید و راه عملی شدن آنرا باید بدست آورد و قتیکه این راه پیدا شد و با احتیاط و دقت و مهارت و عقل و دانش اجرا گردید بقین بدانید نتیجه مطلوبه حاصل خواهد شد

هر قدر ایرانی از اوضاع دنیا بی خبر باشد بهمان اندازه

(۱) نقشه اضحلال ایران راپتر کبیر در دو بیست و اندی سال قبل طرح نمود اخلاف او با جدیت تمام آنرا تعقیب نمودند در سال ۱۸۳۴ طرح نقشه تقسیم بین روس و انگلیس کشیده شد در سال ۱۹۰۷ مواد آن روی کاغذ آمده بعد عملی گردید انقلاب روسیه آنرا از هم درید و یاره کرد اینک بعهده ایران جوان است که بواسطه تعمیم علم و دانش و صنعت و در میدان روح شهامت و فداکاری بقالب راحت طلب ایرانی محو ابدی آثار و علائم آنرا تا مین کند.

بجهالت او كمك شده است هر قدر ایرانی را از علم و دانش بی بهره بگذارید بهمان قدر و اندازه بفقیر و فلاکت و بدبختی او مساعدت شده هر اندازه از اعمال و افکار و عقاید او جلو گیری کنید بهمان درجه بجرئت و جسارت دشمنان او و وطن او افزوده میشود ملت که جاهل شد نفع و ضرر خود را نمیتواند تمیز دهد و احتیاجات خود را نمی داند و نمیتواند از خارج رفع بکند و مایحتاج خود را خود تهیه نماید ساختن آلات و ادوات دفاع از خود و وطن خود را نمیتواند و قتیکه جاهل است مضار اسارت را نمیفهمد لذت استقلال را نمیتواند جان خود را بیش از اولاد و وطن خود دوست دارد حب وطن معنای حقیقی خود را گم میکند جهالت و تعصب بیجا در اعمال و افکار و کردار و گفتار بیشتر دخالت دارد تا علم و دانش افکار ایرانی را روشن نمائید پرده جهالت را بواسطه بسط و توسعه علم و دانش پاره کنید عقل او را در اعمال و کردار و گفتار او مقیاس او قرار بدهید ذوق و سلیقه او را بواسطه تأسیس مؤسسات صنایع مستظرفه بینار کنید روحیات او را بواسطه نمایشهای اخلاقی که یکنه مربی و تربیت دهنده و سازنده ملکات فاضله انسانی است باز و روشن نمائید آنوقت است که ایرانی از قید و بند جهالت و نادانی و لذات حیوانی خلاص شده داخل در يك زندگانی درخشان و نورانی آدمیت خواهد شد .

چون موقع پیدا کردم ناچار بگویم یکنه شاهد من خداوند متعال است که هیچکس منظور نظر نیست بلکه اظهار

يك نظراست و بس

امروز در جامعه ایرانی طوری شده که انسان هر قدر بعلم و تجربه خود علاوه میکند بیشتر خود را میخواهد پنهان نماید و چنین تصور میکند اگر آن علم و تجربه خود را علنی و با اظهار نماید مورد حسد واقع و اسباب زحمت او خواهند شد و حتی الامکان در کتمان آن میکوشد و اگر مصدر کار باشعلی است چشم خود را روی هم میگذازد که نه بیند گوش خود را کر میکند که نشنود لال میشود که حرف نزنند بعبارت دیگر تجاهل میکند و خود را به نفهمی میزند خود را نادان بی علم و اطلاع قلم میدهد تا خوبشتن را از جر و جنجال و هو و مدعیان خود ایمن نگاهدارد - این يك نوع اخلاق بسیار بدی است و مانند يك ناخوشی مسری ممکن است همه سرایت کنند و عاقبت آن بسیار وخیم و خطر ناك است وقتیکه حال بدین منوال شد فضیلت قیمت و اهمیت اصلی خود را تم میکند علم و اطلاع خریدار پیدا نخواهد نمود بازار جهل و نادانی رواج پیدا میکند علماء فضلا و دانشمندان قوم منزوی شده نور علم و دانش آنها دیگر بکسی نخواهد تابید رفته رفته در جامعه یگانه عنصری که قد علم خواهد نمود همان زعماء و جهال و پیشروان طبقه بی عقل و دانش خواهند بود و بس در این صورت ضرر این رویه برای يك جامعه بیش از سایر ضرر های مادی و معنوی آن خواهد بود.

اگر محیط و موقع و مکان اجازه ممداد من این موضوع

را مورد بحث و تحقیق و دقت قرار میدادم و علل و اسباب آنرا برای شما خوب تشریح مینمودم و اصل ریشه و منبع آنرا با جزئیات امر شرح میدادم شاید هم بکروزی دارای این جرئت و جسارت بشوم و آنروزی خواهد بود که شما گوش شنوا داشته باشید و مسائل حیاتی ملی را که سعادت ابدی يك ملتسی بسته به آنهاست با مقیاس تعصبات جاهلانه اندازه نگیرید حقایق مسلمه را در هر رنگ و لباس به بینید آنها را تمیز دهید و برای اندازه گرفتن مسائل مهم ملی و وطنی و برای هر يك جدا جدا مقیاس معین و مشخص داشته باشید حسیات یگانه محرك شما نباشد بلکه عقل و دانش و علم و حکمت و دلیل کردار و گفتار شما باشند در چنین موقع و هنگامی میتوان با شما با منطق و دلیل و برهان صحبت نمود و آن اشخاصیکه علم و دانش - فهم و هوش خود را از شما پنهان میکنند شاید محق باشند .

استاد معظم هربرت اسپنسر مقیاسهای صحیح برای شناختن اعمال بشری دست میدهند اگر از روی همان مقیاس ها اعمال هر کس را اندازه بگیریم به نتیجه مطلوبه بهتر میرسیم صرف ادعا کافی نیست نتیجه عمل يك فرد بهترین مقیاس احوال روحیه اوست .

مسائل اجتماعی مانند مسائل ریاضی است (۱) هر کس

(۱) وقتی که باین کلمه میرسم آنرا با احتیاط بکار می برم شاید طرف و خوانند مقصود نویسند را ملتفت نشود چیست من هیچ قصدی جز جامعه يك ملتی ندارم مقصود من يك ملتی است که در يك حدود معین و مشخصی ناممات این اطلاق میشود بکلمه اجتماعی معروف هیچ رابطه ندارد

ریاضی را خوب بدانند مسائل مشکل آنرا میتوانند مانند سایر ریاضی دانهای معروف حل نمایند و بهمان نتیجه برسند که سایر استادان این فن رسیده اند مسائل اجتماعی نیز همینطور است هر کس بعوامل و اسباب و وسایل ترقی ملل آشنا باشد بوسیله آنها میتواند در اوضاع و احوال يك ملتی غور نموده درجه ترقی آنرا بشناسد و بگوید در این حال بکدام مرحله از مراحل ترقی رسیده است آیا در حال اوج گرفتن است یا متوقف یا اینکه روبه تنزل و انحطاط است آیا عوامل ترقی در میان آن ظاهر شده و وجود خارجی پیدا کرده است یا اینکه هنوز بهیچوجه علایم و آثاری از آنها در میان آن ملت وجود ندارد؟

مادر غفلتیم دیگران که علاقه مخصوص باینه ما دارند و بازره بین علوم اجتماعی سالهاست بر ما می نگرند و تمام اعمال و افکار و عادات و شئون و اخبار و احادیث و تاریخ و مذهب و احوال فردی و اجتماعی، تنزل و ترقی - منابع ثروت - اوضاع حکومت ترتیبات اعیان و اشراف و روحانیون نفوذ و قدرت و استعداد هر کس در هر طبقه و مقام که باشد تمام را بدقت تحقیق و تدقیق کتاب و های متعدد در هر قسمت از آنها تألیف و تدوین نموده اند و قتیکه انسان داخل میشود و مطالعه میکنند مات و مبهوت میشود و در حال حیرت این سؤال را از خود مینماید که آیا ممکن است يك ملتی این اندازه از حال و وضع خود بیخبر و بی اطلاع باشد و دیگران تمام محسنات و معایب آنرا قرنها تحقیق و تدقیق نموده تمام صفات نیک و بد آنها روی کاغذ

آورده کتاب کرده طبع نموده هزار ها جلد از آنها را درپیش پای خودی و بیگانه ریخته وپاشیده باشند ولی خود از مندرجات آنها هیچ اطلاعی نداشته باشد؟ (۱) غفلت هم اندازه دارد ولی دراینجا از حد و حساب بیرون است .

انسان وقتی رو بترقی میرود که دارای معلومات باشد که تحصیل کرده باشد وقتی میتواند تحصیل کند که وسایل آن موجود باشد درینصورت وقتیکه وسائل تحصیل نیست ترقی هم نیست - ترقی ملت نیز همینطور است ملت از افراد ترکیب میشود افراد جاهل يك ملت جاهل را تشکیل میدهد و افراد عالم ملت عالم خوب ملاحظه کنید در حساب ابتدائی میخوانیم اگر آحاد يك عدد معین را در يك عددی ضرب کنیم میزان آن عدد را بالا برده ایم و اگر برعکس آحاد همان عدد را بر يك عدد تقسیم نمائیم از مقدار کلی آن عدد بهمان میزان کاسته ایم حالت افراد يك ملت نیز درست همینطور است اگر هر يك از اعضاء جامعه یافردي از افراد ملت را تربیت کنید بمیزان قدرت

(۱) من تصور میکنم اگر دو جلد کتاب لرد کرزن معروف با يك جلد کتاب جبرول ترجمه و طبع شده در دسترس ایرانی گذاشته شود بهتر و مؤثر تر از هر تازیانه عبرت برای آن میتواند باشند دو جلد کتاب اولی در سال ۱۸۹۲ از طبع خارج شده دومی در سال ۱۹۰۴ - هزار ها کتب دیگر در باب ایران نوشته شده ولی هیچیک اهمیت این سه جلد کتاب را از يك نقطه نظر معین دارا نیستند

و توانائی آن افزوده آید و اگر از تحصیل باز دارید جلو ترقی
اورا بگیرید بجهالت و تعصب آنها علاوه کنند بهمان میزان و
درجه. از قدرت و توانائی و قوای مادی و معنوی آن کاسته آید
و قتیکه عوامل ترقی مانند قواعد حل مسائل ریاضی
واضح و روشن است مشکلی دیگر در میان نیست از اینکه
تجسس کنیم آیا این عوامل در میان ملت ایران نیز وجود دارند
یا نه اگر موجودند زهی سعادت ما و ملت و اگر نایاب هستند
آیا صلاح نمیدانید آنها را باید بوجود آورد و بکار انداخت ؟
گمان میکنم دیگر فکر لازم نداشته باشد بعلاوه فرصت
هم باقی نیست تازود است باید عوامل ترقی را بکار انداخت و
از وجود آنها استفاده کرد و گذاشت يك ملتى با معنای تام و
تربیت و تعلیم عالم بصیر و دانشمند و صاحب صنعت بشود.
این نکته را هم تذکر بدهم بعد بروم سر موضوع قسمت مهم
تقسیمات فیلسوف محترم هربرت اسپنسر .

این مسئله را باید بدانید که ملت باید زندگى کنند و
باقی بماند افراد آن همیشه در گذزند با حال و وضع حاضر
زندگى ممکن نیست يك فردى بتواند از هشتاد سال بگذرد در
صورتیکه بعد از هفتاد دیگر قوای مادی و معنوی او از کار افتاده
و جامعه مشکل بتواند از وجود او استفاده کند پس حیات او خاتمه
پیدا کرده و میگذرد اما ملت او بشهادت تاریخ نوشته هزارها
سال عمر کرده شاید هزارها سال هم در آتیه زنده بماند آن
نیز بسته بقوای مادی و معنوی آن ملت است بنا برین بقای

ملت را میتوان گفت ابدی است و برای بقای دائمی آثار افراد آن جامعه باید بکوشند و وسائل بقا و دوام آنرا فراهم آورند - هیچ راه و رسمی هم بهتر از تحصیل و دانش و کمال و معلومات صنعتی و فنی نیست که بیک ملتی عمر جاودانی بدهند و بواسطه همین صفات کسبی و عرضی است که حیات ملی بیک جامعه برای آتیه تأمین میشود . و آثار ملی آن باقی می ماند .

اینک باقی مانده تقسیمات پنجگانه خود که برای حیات بشری لازم است این قسمت برای اوقات تفریح و مشغولیات دماغی است بعد از اینکه بیک تحقیقات نافع در باب تحصیلات مهم که چه نوع آن برای حفظ بدن واجب و لازم است و چه قسمت از آن تحصیلات تأمین معاش یومیه و زندگی را لازم می آید و کدام معلوماتی است که انسان قادر به تربیت و نمو و رشد خانواده و عائله آن میشود و چه معلوماتی است که انسانرا برای اجرای وظایف ملی و وطنی خود آماده میکند - حال داخل میشویم به تحقیقات آن قسمتی که تحصیل و فراگرفتن آن انسانرا برای مقصودهای مختلف دانا و بصیر مینماید مانند خرمی های طبیعت - ادبیات - صنایع مستظرفه که هر یک در دایره مخصوص بخود یکنوع ذوق و فرح و انبساطی را داراست از اینکه ما این قسمت را بعد از آن قسمت ها که اهمیت مستقیم با حیات عملی انسان دارد مورد مطالعه قرار داده ایم ممکن است استنباط شود که ما خواسته ایم از اهمیت و قدر و قیمت

آنها بکاهیم در صورتیکه چنین نیست ما در قدر و قیمت و اهمیت این مسئله با سایر مسائل هیچ فرقی نمیتوانیم قائل شویم ما اهمیت مخصوص بتعلیمات ذوقی و تفریحی میدهیم که بهیچوجه در قدر و قیمت کمتر از سایر معلومات نیست زیرا بدون نقاشی - حجاری و موسیقی و صنعت و شعر آن احساساتی که بواسطه قشنگی و ظرافت هر يك از اینها در بشر تولید میشود نصف خوشی ها و خرمی های زندگانی انسان از بین میرود

ما هرگز تعلیم و تربیت این صنایع ذوقی را غیر مهم نمی دانیم بلکه یقین حاصل است که در آینده تحصیل اینها قسمت زیاد تر و اوقات بیشتری از زندگانی انسان را مشغول خواهند نمود - وقتیکه قوای طبیعت کاملاً مغلوب انسان گردید و آنها را بکار انداخت وقتیکه وسایل صرفه جوئی از زحمت کار باعلا درجه رسیده وقتیکه تعلیم و تربیت طوری منظم و مرتب شده که معلومات مهم و واجب و لازم انسان در اوقات کم و سریع تحصیل شود درین صورت يك اوقات فراغت بالنسبه زیاد تری در اختیار انسان خواهد بود که بتواند قشنگی مناظر طبیعت و ظرافت صناعت را بهتر و بیشتر مطالعه نماید و از لذات روحی آنها بر خور دار گردد تعلیم و تربیت صنایع ذوقی که محرك اصلی فرح و انبساط حیات انسانی است يك موضوع مهمی است و تصدیق نمودن اینکه این صنایع مستظرفه یکی از موجبات اساسی خوشی و خرمی بشر است موضوع دیگر در هر حال هر اندازه این قسمت مهم و سود مند باشد باز تقدم

تحصیل را به آن قسمتهای عملی - علمی - مفید و سود مندی باید داد که رابطه مستقیم با حیات روزانه انسان دارند .

چنانکه قبلاً اشاره شده ادبیات و صنایع مستظرفه در نتیجه رشد و نمو حیات ملی پیدا میشود تا حیات ملی نیست صنایع و ادبیات ملی نیز وجود ندارد پس میبایست آن وسایل و اسباب که باعث نمو و رشد حیات فردی و اجتماع-ی یک ملتی میشود بر آنچه که صنایع ذوقیرا بوجود میآورد معدوم باشد یک باغبان گل دوست ما هر یک ریشه را برای گل آن پرورش میدهد و مخصوصاً بر ریشه و برگ آن اهمیت مخصوص میدهد که اسباب و وسایل عمده آن گل است آن گل مقصود اوست نه ریشه و برگ زیرا باغبان دانسته است که ریشه و برگ ذاتاً اهمیت مخصوص را داراست و فقط نمو و رشد و پیدایش گل بسته به ریشه و ساقه و برگ آنست و این گل مطلوب در سایه آنها وجود خارجی پیدا میکند و بس بنا بر این برای خاطر آن گل بهترین توجه را از ریشه و برگ و ساقه آن خواهد نمود که مبدا از مطلوب حقیقی خود باز ماند - درست همینطور است موضوع ما که داخل در بحث آن میباشیم معماری - حجاری - نقاشی - موسیقی و صنعت شعری و امثال اینها را میتوان آن گل مطالب باغبان ماهر فرضی تمدن بشری نامید .

حتی ممکن است فرض شود اهمیت آنها بدرجه است که بر وسایل حیات مترقی بشری که خود تولید شده از این حیات است تفوق داشته باشند اگر چه این یک فرض محال است با

این حال باید تصدیق کرد که ثمر و حاصل يك ملت برومند
میبایست شرط اعظم مقصود باشد بعد صنایع مستظرفه مقام
ارجمندی را احراز کنند - از اینجاست که اساس پوسیده و
مندرس اصول تعلیم و تربیت ما ظاهر میگردد بعشق گل از نمو
و رشد و تربیت ساقه و ریشه غفلت میشود زیبایی و قشنگی بر
استحکام و متانت برتری پیدا میکند يك حرفه که هیچ رابطه
با قوانین حفظ حیات ندارد يك اطلاعی که هیچ نوع مساعدتی
برای کسب روزی یا امرار معاش مرتب و منظم نشان نمیدهد
يك معلوماتی که برای اجرای وظایف پدری علاقه مستقیم ندارد
و در تکالیف وطن کمکی نمیتواند بکند و هر معلوماتی هم بدهد
بی تناسب و بدون مفتاح برای امور زندگی است پس از روی عقل و مال
اندیشی خواهد بود که انسان معلوماتی را فراگیرد که رشد و نمو
زیبائی و قشنگی را تولید کند.

درینجا میتوان بخوبی تصدیق نمود که دانستن زبان های
امروزی يك معلومات مهمی است و ممکن است در خواندن و نوشتن و
صحبت نمودن و در مسافرت خیلی مفید واقع شوند و ای این تصدیق بهیچ
وجه نمیرساند که میبایست کسب و فرا گرفتن معلومات مهم و
اساسی را فدای دانستن این زبانها نمود - فرض کنید دانستن
و تحصیل ادبیات قدهاء باءلاء و انشاء و طلاق لسان کمک می
کند ولی نمیتوان گفت این معلومات در اهمیت یا دانستن
اصول اساسی پرورش و حفظ الصحه اطفال مساوی است تصدیق
میکنم ذوق و سلیقه انسان بواسطه خواندن اشعاریکه در قدیم

در زبان های منسوخ و از کار افتاده گفته و نوشته شده است زیاد می شود اما هر گز نمیتوان استنباط کرد که این زیاد شدن ذوق و سلیقه در قیمت مساوی خواهد بود با آشنا شدن بقوانین اساسی حفظ الصبحه .

معلومات ذوقی - صنایع مستظرفه - نظم و نشر نویسی و امثال اینها را تماماً با شکوفه های عالم تمدن بشری می نامیم و لزوماً میبایست تابع و پیرو تعلیم و تربیت و نظامی واقع شوند که تمدن بشری روی آن قرار گرفته است بنا بر این چنانکه معلومات ذوقی آن قسمتی از حیات بشری را اشغال میکند که بنام اوقات تفریح و فرصت ناهیده میشود بهمان دلیل نیز میبایست در قسمت تعلیم و تربیت اوقات تفریح و فرصت را اشغال کنید و وقتی که مقام معین و مشخص معلومات ذوقی را تمیز دادیم و گفتیم که کسب آنها باید قسمتی از دروس را تشکیل دهد و این قسمت در تعلیم و تربیت در حقیقت فرع بر اصل خواهد بود درینصورت باید بدانیم و تحقیق کنیم که چه نوع معلوماتی برای این مقصود بیشتر مفید و طرف احتیاج است یا چه معلوماتی بهتر شایسته باقیمانده و آخرین دایره عملیات بشری است . اگرچه اظهار نظر و حکمیت درین باب ممکن است باعث تعجب شود ولی در هر حال حقیقت اینست که عالی ترین صنایع مستظرفه در هر رشته که تصور شود اساس آن میبایست روی پایه علم (۱) قرار گیرد بدون علم نه نك صنعت ذوقی

میتواند دارای ظرافت حقیقی باشد و نه میتوان بدون داشتن علم
ندر و قیمت آنرا دانست .

علم در حد معین محدودی که در جامعه معروفست غیر
ممکن است استادان ماهر این صنایع آنرا دارا باشند اگر چه
این استادان يك دقت نظر مخصوص در عمل دارند و يك مقدار
معلومات عمودی و متداول فن بخصوصی را که اساس اولیه و
بندهات ابتدائی علم محسوب میشوند فرا گرفته اند با این حال
صنایع آنها بحد کمال برسد و تکمیل شوند خیلی کار دارند زیرا
معلومات آنها غالباً مختصر و قوانین علمی هر فن بخصوص برای
ها کاملاً روشن نیست

ازاینکه اساس هر صنعت ذوقی میباشد روی قواعد
لمی گذاشته شود وقتی واضح و روشن میشود که ما در خاطر
اشته باشیم که آن صنعت بخودی خود نماینده و دظهر یک موضوع
مبنی معلومی است (۱) یا اینکه سه نماینده موضوع نظری و
نیالی است (۲) درینصورت این صنایع وقتی میتوانند خوب
مقبول و مطابق واقع شوند که در تناسب موافق قوانین مقصود
ملی باشند و برای این توافق استاد ماهر این فن باید باین
و این آشنا باشد - این دلیل ما درست مطابق باتجربه و عمل
ست چنانچه خواهیم دید .

جوانهای ما که برای فن حجاری (۳) تعلیم میشوند

(1) objective. (2) Subjective.

(3) Sculpture

میبایست خودشانرا با استخوان بندی و اعصاب و عضلات بدن انسانی آشنا کنند جا و محل هر استخوان و پیوند آنها و همچنین ارتباط با اعصاب و عضلات را باید بدانند و این قسمتی از علم است که برای استادان این فن لازم و واجب است تا از سهو و خطا و نواقص این صنعت آنها را مصون دارد علاوه بر این يك رشته از معلومات اصول میکانيكي لازم است که عدم این اطلاع در استاید این فن غالباً بضررهای زیاد منجر شده مثلا برای پابرجا ایستادن يك مجسمه لازم است که خط عمودی (۱) ثقل درست بنقطه وسط پایه که مجسمه در روی آن واقع است منتهی شود بنابراین اغلب اتفاق میافتد که مجسمه بحال راحت باش و تمام سنگینی بدن روی يك پا واقع میشود و پای دیگر آزاد ساخته شده در بنصورت ممکن نیست خط مستقیم عمودی درست در وسط دریا و در میان پایه منتهی شود بلکه درینحالت ثقل بدن روی پای مستقیم است که حایل بدن است پس باید خط عمودی درست در وسط بيمين يك پا واقع شود لیکن استادان این فن که باقانون توازن آشنا نباشند مکرر در صنعت آنها این اشتباه روی میدهد خط عمودی در وسط دو پا روی پایه منتهی شده اسباب ضرر عمل را فراهم آورده است.

همچنین در فن نقاشی احتیاج برای معلومات علمی بیشتر محسوس است چه چیز باعث تعجب و غرابت در نقاشیهای

(1) The line of direction

چینی است جز این است که موافق و متناسب با قوانین اصلی نیست و عکس بهیچ وجه شباهت با صورت ندارد - غلط های فاحش نقاشی اطفال در چیست ؟ در حقیقت از عدم اطلاع بوضع مخصوص مناظر اشیاء و حالت آنهاست يك نظر بکتب این فن و باطریق تعلیم و بیان این علم که بمحصلین تعلیم میدهند و یادقت در تنقیدات راسکین (۱) یا يك نظر بنقاشیهای قبل از رفائیل (۲) ثابت خواهد نمود که ترقی نقاشی مربوط بازدیاد معلومات درین فن است که چگونه تجلیات و جلوات طبیعت بخوبی تقلید شده است ماهرترین استادان این فن بدون کمک علم عاری از خطا نخواهند بود هر نقاشی این نظر را تصدیق خواهد نمود که تا دانسته و فهمیده شود چه مناظری باید در تحت تأثیر کیفیات معین وجود داشته باشند و آن مناظر را از روی قوانین معلومات علمی که مخصوص احوال همان مناظر است نداند ممکن نیست زحمت او دارای قدر و قیمتی باشد از عدم اطلاع علمی مسیو لویز (۳) با اینکه يك نقاش بی بدای است سایه پنجره را که میبایست بجای معین و معلوم خود افتاده باشد بدیوار مجاور که هیچ تناسب علمی ندارد انداخته است اگر اطلاعات علمی از قانون سایه دادن را دارا بود هرگز مرتکب يك چنین خطائی نمی شد و بهمین دلیل سایر پیشقدمان این فن نیز خطاهای بسیاری مرتکب شده اند .

فن موسیقی نیز همین است اگر بگوئیم این نیز بدانند

(1) Ruskin. (2) Raffael. (3) Mr. J. Lewis

که مک علم پایه و بنیان صحیحی نخواهد داشت بیشتر اسباب تعجب خواهد شد بسیار کارآسانی است که ثابت کنیم موسیقی مجسم نمودن لسان طبیعی احساسات بشری است و در نتیجه هم خوبی و بدی این فن ظریف موافق با قوانین این لسان طبیعی میباشد آهنگهای مختلف صدا که در نتیجه احساسات و تأثیرات گوناگون بشری تولید میشوند اینها منشاء ظهور و پیدایش موسیقی هستند بهتر میتوان تشریح نمود که این آهنگها و نواها آیا عرضی هستند یا طبیعی و ذاتی در هر صورت از اثرات قوانین عادی و جاری حیات بشریست تفسیر و تشریح آنها تابع همین قوانین است بنا بر این چنین نتیجه میتوان گرفت که آهنگها و نواهای موسیقی روی همین قوانین اصلی قرار گرفته و آنها را ترکیب نموده است و آنها با همان قوانین عادی و جاری موافق می باشند در حقیقت مجسم کردن این مسئله در اینجا بنظر مشکل می آید اما به آن قسمتهای زیادی از تصانیف بی ثمر که در مجامع طالبان این قسمت معمولست کافی است اشاره نموده مثل بزنیم که اگر اینها از روی معلومات علمی ترکیب شده بودند یقیناً اثرات نیک از آنها بظهور میرسید.

آنهایی که آهنگ و نوای این تصانیف غیر طبیعی را که منشاء اصلی آنها غیر از احساسات رقیق بشریست تصنیف و ترکیب می نمایند مرتکب یک گناه بزرگی می شوند که قابل عفو نیست و روح علمی از آنها بیزار است بعلاوه نسبت به فن این علم نیز گناهکارند زیرا که بواسطه علاوه نمودن نظر ها: شخصی

که مربوط و ناشی از حسیات بشری نیست و بهیچوجه کافی هم نیست که احساسات طبیعی انسان را تحریک کند و همچنین نواهای عجیب و غریبی در فن موسیقی بکار می برند که هیچ تناسب و موافقتی با نظر و مقصود باطنی موسیقی ندارد و تمام اینها چون نزدیک بحقیقت نیست دارای آن اثرات معنوی هم نیست و اینکه دارای اثرات معنوی نیست چونکه علمی نیست (۱)

فیلسوف معظم درینجا داخل در فن شعر شده بعد رشته‌های دیگر و مسائل تفریحات دماغی انسان را شرح میدهد و برای هر کدام یک منشأ اصلی با دلیل و برهان ثابت نموده پیروی و تحصیل آنها روی پایه علمی قرار میدهند و علاوه میکند که هر فن کوچکی و محقریکه بنظر بیاید بدون اساس علمی ممکن نیست اثرات مؤثر خود را ظاهر سازد پس هر کس هر رشته از رشته‌های اعمال انسانی را بخواهد پیشه خود سازد میبایست اساس علمی آنها فرا گیرد تا قادر باشد آن عمل را بطور مناسب و شایسته و مؤثری انجام دهد.

بعقیده این مرد متبحر هیچ پیشه در دنیا بدون تحصیل اساس علمی آن حسن و زیبایی طبیعی را دارا نیست درست این موضوع نقطه مقابل احوال و اوضاع ایرانست که در این قسمت زمین هیچ چیز اساس علمی ندارد و هیچکس از راه تحصیل بمقامی نمیرسد هیچ صاحب پیشه صنعت خود را از روی معلومات علمی فرا نگرفته برای هر نوع ادعائی هیچ مقیاسی وجود ندارد

هر کس هر معلوماتی را میتواند ادعا کند و انجام هر شغلی را بعهده بگیرد اما وقتی که مقیاس داخل در کار شد و بنا شد که هر ادعائی را با مقیاس معین و معلوم آن اندازه بگیرند آنوقت است که این مدعیان دروغی مانند پیغمبران دروغی که در بروز و ظهور معجزه عاجز میشوند اینها نیز بعجز خود اعتراف خواهند نمود دیگر بساطهای خودرو ازین برجیده شده بجای آن بساطهای علم و عمل و صنعت گسترده خواهد شد :

* * *

حال تمام رشته‌های اعمال بشری که برای زندگی لازم است بطور خلاصه شرح داده شد امید است مفصل آنرا جوانان ایران در مدارس و در اوقات فراغت مطالعه کنند و اگر بخواهند ایران آنها نیز دارای مردان عالم و بصیر و مخترع و صاحب صنعت و با معلومات گردد و نام ایران باستانی بواسطه قدرت و توانائی شجاعت و رشادت آنها ورد زبانها گردد باید این جوانها همت گمارند که هر يك از راه علم و دانش یکی از آن مردان صاحب نام و شهرت گردند

اگرچه تکرار میشود ولی باید باز تذکر داد که ایران هیچ جا نمیرود همیشه و مدام در همان محل و مکان که بوده هست و خواهد بود فقط مردان کاری و آزه‌وده و با تجربه و با معلومات و فداکار میخواهد که از آن حمایت نموده در ترقی آن بکوشند هر وقت و هر ساعت که دست ایرانی توانست از روی قدرت و توانائی قبضه شمشیر اجدادی خود را در کف دست گیرد

باور کنید که برق آن چشم دشمن این آب و خاک را خیره نموده حرص و آرز خود را نسبت بایران کنار گذاشته دنبال کار خود خواهد رفت شواهد تاریخی در این باب زیاد است .

چون شاه پرستی در ایرانی ذاتی است و با شیر اندرون شده و این خوی نیک از سالیان دراز بلکه قبل از تاریخ در نهاد ایرانی طبیعی است هر وقت در هر دوره که یک پادشاه با عزم صاحب تاج و تخت کیانی گردیده ایرانی در سایه شهامت و فداکاری آن شاهنشاه بترقیات عالیه نایل شده و بدشمنان وطن و ملت خود یک درس عبرت فراموش نشدنی داده است .

نه تنها مردان آن در فداکاری و دفاع از ایران در تحت سر پرستی و هدایت چنین پادشاهان پیشقدم بوده زنان نیک سیرت آن نیز درین جهادها شرکت نموده اند هیچ وقت واقعه شعف انگیز جنگ بازارگاد را که ملت ایران در تحت فرماندهی سیروس کبیر بجهاد اکبر قیام نمود و قیدهای اسارت و بندگی دولت مد را دور انداخته اساس سلطنت آنرا واژگون نموده خود صاحب تاج و تخت ایران و مد گردید فراموش نمیکنم که یکی از اسباب فتح و فیروزی این جنگ شیر زنان ایران بودند که در نفس آخر قشون ایران بمدد آنها رسیده اسباب فتح و ظفر آنروز گردیدند .

منحصر باین حادثه نیست حوادث دیگری نیز بعد از این تاریخ رخ داده است که جای شرح و بسط آنها در اینجا نیست عجالتاً شرح این داستان های باستانی را برساله های دیگر

می گذارم .

چون ایرانی دارای يك چنين صفت شاه پرستی است امید واری هر ایرانی علاقه مندی به شاهنشاه عظیم الشأن اوست که در سایه حمایت و سرپرستی پادشاه جوان بخت خود بترقیات عالیه نایل گردد و عظمت و جلال باستانیرا چنانکه مکررا حراز نموده باز در اثر نفوذ و قدرت ذات ملوکانه احراز نماید فقط محتاج باشاره و هدایت پادشاه است که راه سعادت و نیک بختی برای ملت مفتوح شود راه نیز منحصر بفرد و آن نیز طریق علم و دانش است آن قسم علم و دانشی که اسباب قدرت و توانائی ملت گردد یعنی علوم و صنایعی که بواسطه فرا گرفتن آن ها ملت ایران بتواند منابع ثروت وطن خود را بکار اندازد و از فواید آن خود بر خور دار گردد نه دیگران که دشمن مال و جان او هستند و نیز قادر باشد خود مایحتاج خود را تهیه کند و استعداد آنرا داشته باشد که اسباب و آلات دفاع خود را خود آماده کند و محتاج بخرید یا تهیه از خارج نگردد که در هر موقع بیم خطر جلو گیری میرود - تمام اینها بسهولت در سایه حمایت شاهانه انجام پذیر خواهند بود و بس .

اگر چه ایراد این مسئله و بیان و اشاره به آن یکنوع جسامتی بشمار میرود ولی تذکر گناه نیست - درین قسمت پادشاه گذشته ژاپون در نصف اول قرن نوزدهم میلادی یا در اواخر قرن سیزدهم هجری بهترین سابقه را برای پادشاهان آسیا بیاد کار گذاشته است و نشان داده که چگونه میتوان ملل شرقی

را بنیایه علم و اطلاع و صنعت ملل اروپا رسانید یکنانه راهی که تموده است راه علم و دانش است که باید بتمام معنی ملت را بقرا گرفتن آن باز داشت اما حصول اینمقصود مقدس يك شرط دارد و آن اینستکه شاه بشخصه مواظب و مراقب این امر باشند چنانکه پادشاه عالیمقام ژاپون نمود

اگر امروز شاهنشاه معظم و محبوب ایران که یکنانه امید ملت ایران هستند با این علاقه مفرطی که به تربیت و تعلیم حقیقی ایرانی دارند شخصاً ذات ملوکانه در بهبودی اوضاع مدارس مناسب و شایسته و مفید بودن دروسی که تعلیم میشود لیاقت و معلومات معلمین که عهده دار تربیت اطفال و جوانان ایرانی هستند نظر داشته باشند و امتحان شاگردان ایرانی که از تحصیل اروپا مراجعت مینمایند بامر هما یونی بوسیله اشخاص معتمد انجام یابد که چه معلوماتی از اروپا بآرمغان آورده اند یقیناً در اندک مدتی يك تغییرات مهم و محسوس در اساس تعلیم و تربیت ایرانی ظاهر خواهد شد چون ایرانی همیشه پادشاه خود علاقه مند بوده تمایل شاه یکنانه وسیله تشویق عمومی خواهد بود.

چون موقع پیدا شد باید تذکر بدهم که اغلب شاگردانی که بااروپا میروند و پول مملکت را در آنجا ها صرف میکنند در مقابل معلومات کافی همراه نمی آورند احصائیه عده از آنها را بدقت مطالعه نموده ام جز یأس و تأسف برای من نتیجه دیگر نداشته و شاید برای اولیای آنها نیز جز این حاصلی ندهد و برای

دولت نیز که متحمل این همه مخارج شده فایده نداشته باشد .
چون در مملکت ایران برای هیچ چیزی مقیاس نبوده برای معلومات و علوم مکتسبه آنها نیز مقیاسی وجود ندارد اطلاع دارم تحصیل تصدیق و دیپلم نیز در خارجه چندان کار دشواری نیست و آنگاه ای که سالیان دراز وقت خود را بنام تحصیل با خرج مبالغ هنگفت گذرانده اند هنگام مراجعت بایران تهی مغز و تهی دستند خدا کند اینطور نباشد ولی يك دليل دارم که اظهار یأس مرا ثابت میکنند و آن اینست که در این مدت از تحصیل کرده های فرنگ چیزی نتراریده اگر موضوعی داشت یقین اثرات آن تا حال ظاهر شده بود چون هیچ فکر یا صنعتی را نمیتوان پنهان کرد و هر قدر در کتمان آن بکوشند بالاخره از يك جائی درز خواهد نمود در صورتیکه این اندازه برای صاحبان علم و صنعت زمینه فراهم و میدان عمل برای آنها وسیع است با این حال دیده نشده يك استاد قابل يك صنعتگر ماهر يك صاحب علم و دانش تا امروز همیان این تحصیل کرده های فرنگ اظهار وجود کنند شاید باشند وعده آنها هم زیاد باشد ولی اثری از آنها پیدا نیست -

خدای من شاهد است که محرك من جز حب اینای وطن من نیست و اینکه باین نغمه دست میزنم برای اینست که از وجود آنها برای ایران و ایرانی در آئینه فوایدی تولید شود و آنهائیکه بمعدن علم و دانش میروند و از سرچشمه علوم و صنایع عطش خود را تسکین می دهند می بایست از این سرچشمه فیض

عطش خود را سیرآب نموده و خودشانرا دارای فضل و کمال و علم و دانش و صنعت نموده بایران مراجعت کنند و سبب شوند درایران همان سرچشمه های علم و دانش براه افتد مردم از آنها استفاده نمایند و مربی اصلی و حقیقی ابنای وطن خویش شود نه اینکه سه سال پنج سال بلکه ده سال عمر جوانی را در آنجاها بسر برده و اسباب اتلاف مبالغ ترفافی مالیه دولت یا مملکت یا پول شخصی شده دست خالی و بدون معلومات مفید و سودمند بایران مراجعت نمایند و يك مشت آداب و رسوم ناپسند خارجی را سوغات بیاورند .

فقط یکنه چاره و علاج آن و تشویق و ترغیب شاگردان فرنك رفته يك امتحان علمی و عملی است از کلیه شاگردانیکه تحصیلات خود را تمام نموده بایران مراجعت مینمایند که در تحت توجهات اعلیحضرت همایونی و وزارت معارف بعمل آید تا معلوم شود در مقابل وجوه مصرف شده چه معلومات گرانبھائی تحصیل نموده اند که اقلاً مملکت باندازه همان مخارج از وجود آنها برخوردار شود و قدر و قیمت آنها بموقع در جامعه معلوم گردد و ملت و مملکت جوانان فاضل و دانشمند خود را بشناسد و بوجود آنها افتخار کند .

در این قسمت نیز ملت ژاپون سر مشق خوبی بملل آسیائی داده است هر ملتی از ملل آسیا که میخواهد در شاهره ترقی قدم گذارد عقل حکم میکند که باید همان راهی را که ملت ژاپون پیموده و بمقصد رسیده و دارای اینهمه قدرت - شان

و شوکت و جلال شده که امروز هیچ موضوع سیاسی در میان
دول معظم دنیا بدون ملاحظه و بشمار آوردن قوای مادی و
معنوی آن واقع نمیشود به پیماید.

سرمشق ژاپون چیست؟ اگر مایلید گوش بدهید - در
اواخر قرن گذشته که شاید تا امروز بیش از شصت سال نباشد
جوانان باهوش و با استعداد وطن دوست و ملت پرست و عاشق
ترقی و سعادت مملکت و ملت ژاپون دنیا را زیر پا گرفته در
دنبال معشوق خویش که عبارت از علوم و صنایع باشد تفحص
و جستجو نمودند و در هر مملکتی که بوی دانش و صنعت
به مشامشان رسید در آنجا رحل اقامت افکندند و صنایع آنرا با تمام
معنی یاد گرفتند و آنها را بایک شوق و ذوقی بوطن اصلی خود
برده در تعمیم آن از جان و دل کوشیدند و سآنت و آرام نشدند تا
اینکه تمام آن علوم و صنایع را بابنای وطن خویش تعلیم نمودند
و ملت خود را بان مقام و درجه رساندند که امروز در میان دول
باعظمت دنیا کوس لمن الملک میزند درینجا بهتر میدانم چند
صفحه از تاریخ این نهضت را از بهترین کتاب تاریخ عمومه که
مربوط باین موضوع است برای شما عیناً ترجمه کنم شاید بهترین
سرمشقی برای اولیای امور یا اولیای محصلین اروپا باشد (۱)

» در سال ۱۸۷۰ بزرگترین نهضت ملی ژاپون شروع

(1) Harmsworth History of the world
vol. 1. P. 585

این تاریخ در هشت جلد نوشته شده بهرور از طبع خارج گردید جلد اول آن
در سال ۱۹۰۷ و آخرین جلد در ۱۹۰۹ بطبع رسیده است

گردید با هوش ترین جوانان و مردان این سرزمین به پُرسه زدن دنیا دنبال آن چیزهای مفید و لازم که میشود در ژاپون بموقع عمل آورد شروع نمودند بهترین استادان فنیرا از آمریکا و اروپا با بهترین حقوقی استخدام کردند و بهترین مستشاران را در هر رشته از علوم سیاسی و اقتصادی با حقوق گراف از اروپا بژاپون دعوت نمودند که هادی و راهنمای این دولت نو زاد باشند ژاپون هرگز قادر نخواهد بود خدمات این معلمین صمیمی و با وفای خارجی را جبران کنند یا از زیر دین تعلیم و تربیت این رادمردان برآید.

ملت ژاپون نه یادکارهای تاریخی از سنک و نه لوحه های کهنه و بر جسته فلزی که بیاد این معلمین و استادان ماهر باشد بر پا نکرده است و احتیاجی هم به آنها نیست گرانبها تر و شریف ترین این قبیل یادکارها در دنیا آنهایی هستند که این معلمین و استادان را برای خود برپا نموده اند و آن عبارت از ژاپون جوانست و هرگز ممکن نبود ژاپن باین مقام عالی و ارجمندی بخودی خود در عرض سالهای متمادی برسند اگر این اشخاص شریف راهنما و هادی نبودند و صمیمانه این خدمت را نسبت بانها انجام نمیدادند (۱)

(۱) چقدر شبیه بمستشاران و معلمین اروپائی ما بودند که از اوایل قرن نوزدهم یا اوایل سلطنت فتحعلی شاه با ایران آمدند اگر معلمین ژاپن نیز مانند معلمین ایران بودند یقیناً اوضاع و احوال آنها بدرجات پست تر و بدتر از اوضاع ما بود با اینکه ما هفتاد سال از این حیث از ژاپن پیش هستیم تصور میرود در علم و دانش و صنعت دو بیست سال از آنها عقب باشیم در هر حال مستشاران

پادشاه ژاپون با يك مهارت و مال اندیشی نادری میتوانست تمیز بدهد و بداند از کجا باید انتظار بهترین کمک و مساعدت را داشته باشد بنا بر این تعلیم صاحبمنصبان قوای بحری خود را که تازه پا بعرضه وجود گذاشته بود بدست معاین بحری انگلیس گذاشت تعلیم و تربیت قشون جوان ژاپون را بر طبق دستور و تعلیمات صاحبمنصبان مکتب مولتکه آلمان که تازه فاتحانه از جنگ سال ۱۸۷۱ با فرانسه بیرون آمده بودند تنظیم کرد اساس تعلیم و تربیت ملی ژاپون را بر طبق پروگرام مدارس دولت اتازونی بر قرار نمود اصول قوانین قضائی و قانون اساسی را بعهدده علماء فرانسه و آلمان واگذار کرد برای طبابت و جراحی استادان ماهر این فنون را از آلمان طلب نمود تعلیمات و فرا گرفتن علوم و صنایع از قبیل مهندسی شیمی - الکتربک - ماشین آلات میکانیکی و سایر صنایع را اول از انگلیس و امریکا بعد عمده آنها را از آلمان آموخت و هر رشته از علوم که ژاپونی ها فرا گرفتند تمام آنها را ترقی داده بر طبق احتیاجات خود آنها را تکمیل نمودند و بایک دهمرتی که مخصوص خود آنهاست صنایع و حرف غریب را موافق میل و سلیقه خود بکار انداخته از آنها بر خور دار شده اند بعلاوه جوانهای مستعد و باهوش ژاپون را که میبایست بحکم تقدیر مقدرات ملت ژاپون را در آتیه بدست و معلمین اروپائی ما را سیاست وقت آورد و سیاست وقت برد بدون اینکه از وجود آنها استفاده شود تقصیر نیز متوجه پادشاهان و دربارهای قرن گذشته است که از علم سیاست و اوضاع دنیا بی اطلاع بودند و نفع شخصی بیشتر مورد مطالعه آنها بود تا نفع ملت و مملکت

گیرند و قابل حکومت نمودن باشند لیاقت و کفایت اینرا داشته باشند که قوای دولتی را اداره کنند طرق و شوارع مملکت را بسازند و باز دیاد ثروت ملی بگوشند و سایر احتیاجات ملی را از خارج و داخل رفع کنند برای این مقصود عده زیادی از این جوانها را بممالک خارجه که در انجا ها بهتر ممکن بود علوم و فنون و صنایع را یاد گرفت فرستادند - انتخاب این جوانها از طرف دولت و سایر صاحبان نفوذ بعمل می آمد و فرستاده میشد بعد ملایمت شدند که نتیجه حاصله بمیزان زحمت و مخارجی که دولت میدهد نیست - دولت مجبور شد در اوایل امر تمام آنها را که با خرج دولت تحصیل مینمودند بطلبند و با برقراری مدارس عالیہ متوسطه و استخدام يك عده معلمین درجه اول و استادان ماهر علوم خیلی بهتر و آسان تر شد که در داخله مملکت محصلین تحصیل نموده و این همه پول که ازین حیث بخارجه فرستاده می شد جلوگیری شود مخارج نگاهداری این مدارس نیز نسبتاً خیای کمتر برای دولت تمام شد و عده خیلی زیادتری توانستند علوم و فنون غربی را بخوبی فرا گیرند و آن وضع غیر منظم و مرتب تحصیل که بواسطه اقامت در خارج و دور از وطن اصلی بوده بر طرف گردید و آن عده که میبایست درجات عالی معلومات و علوم را در خارج فرا گیرند مقرر گردید که هر کس لایقتر و استعدادش بیشتر و در امتحان از سایرین بهتر باشد بخارج اعزام شود محصلینی که باین طریق و از راه مسابقه بخارج اعزام میگرددند جوانهایی بودند که از هر حیث

برسایرین برتری داشتند در نتیجه این رفتار در دارالفنونهای معروف آمریکا و اروپا جوانهای ژاپونی در هر رشته از علوم و صنایع عالی از سایرین ممتاز شدند جدیت پشت کار، هوش و ذکاوت اخلاق و رفتار آنها بهترین نام نیک و شهرت عالمگیر را برای محصلین ژاپونی در تمام ممالک اروپا و آمریکا احراز نموده و ضرب المثل گردید و بسر بلندی و افتخار ملت خود افزودند باختصر آشنائی تصور می‌رود که محصلین ژاپونی شوکت و عظمت ملی خود را در اخلاق و رفتار شخص خود تصور می‌کنند نوعی برای نشان دادن عزت و سعادت ملت خود ساخته شده اند.

در قدم اول محصلین ژاپونی وعده زیادی از صاحب منصبانی که بممالک اروپا اعزام شده بودند تا معلومات و فنون مخصوص که وظیفه هر یک جدا گانه معین شده بود تحصیل نمایند در هر جائی از آنها خوب پذیرائی میشد هیچ دسته اجتماعی عمومی و خصوصی نبود که یکی دونه از اینها در آن مجامع حضور نداشته باشند هیچ مجلس انسی نبود که بدون حضور یکی دو تن از محصلین ژاپونی کامل باشد طولی نکشید که این مجالس انس از آنها خسته شدند چون خود ژاپونی ها بزودی درک نمودند که در این مجالس انس افکار آنها در مجاری دیگر سیر می‌کند در انگلستان مجالس انسی که بیشتر در افکار این محصلین مؤثر بود مجامع فیلیوف های رادیکال بود که حال آثاری از آنها باقی نیست و اگر باشد بسیار کم و نادر است

در این مملکت این طبقه محصلین ژاپونی را زیر بال خود گرفتند و افکار خود را بانها تزریق نمودند و این در آن روزهای بود که محصلین ژاپونی در اطراف فیلسوف معروف هربرت اسپنسر گرد آمده بودند و افکار و نظریات او در آنها بیشتر نفوذ کرده بود و بسیاری از تعلیمات جان استوارت میل (۱) را در موضوع علوم اقتصادی قبول نموده بودند

اگر محصلین مزبور در این تاریخ (۱۸۷۰) که بعد از زمام امور مملکت ژاپون را در دست گرفتند « نظریات این اشخاص را قبول نموده بودند و بر طبق تعلیمات آنها رفتار می کردند یقیناً تاریخ دنیا غیر از این بود که حال هست - آن کلمات و عبارات خوش آهنگ که در آن زمان در آمریکا و اروپا رواج داشت مانند تجارت آزاد - صالح عمومی - حقوق بشر - برابری و برابری بین ملل - الفاظ و گفتارهای درخشان از این قبیل که بسامعه و فکر بشر خصوصاً شرقی خیلی خوش آیند است و اگر محصلین ژاپونی اینها را به سوغات بژاپون میبردند و ملت خود تعلیم مینمودند با آن نفوذی که این محصلین در میان ملت دارا بودند یقیناً ملت ژاپون از آنها قبول می نمود و ممکن بود این عقاید که - الا روح ملت ژاپون را تغییر داده امروز دارای آن نفوذ و قدرت نباشد که نه تنها در شرق اقصی محسوس است بلکه در سایر ممالک نیز قیافه عبوس آن ظاهر و هویدا است یک ملت ژاپون ایدآلی و صاحب روح آزادی طلب

نظری (نه عملی) برای دول غربی بهتر و مناسب تر ازین بوده
کسه حال هست دول غرب خودشان مسؤل این پیش آمدهستند
که سبب شدند يك ملت آسیائی آنها در شرق اقصی داخل در
يك مرحله از زندگانی بشود که بیشتر عملی است - فقط فتوحات
درخشان درلت المان در جنگ با فرانسه بود که این روبه را در
دماغ محصلین ژاپون ایجاد نمود و آنها را به تغییر خطی که تا
این زمان پیش گرفته بودند و ادار کرد - سیاست خشن معروف
« خون - آهن » بیزمارک صدر اعظم آلمان که بواسطه فتوحات
او در دنیای اروپا برقرار گردید و عبارت بود (حق بازور است)
مشرق اقصی که همیشه قدرت و عظمت را بهتر ستایش میکند
در قبول کردن و فرا گرفتن این عقیده لیاقت مخصوص نشان داد
از آن تاریخ تا سال ۱۸۹۵ (۱) فقط نفوذ و قدرت و

(۱) در سال ۱۸۹۵ يك جنگی بین سلطنت آسمانی چین و پادشاه وزمینی ژاپن واقع
گردید قشون پادشاه زمینی فاتحانه بیرون آمد و پرت آرتور بندر معروف را با شبه
جزیره لیرتونک بقصر در آورد در آن تاریخ چشم دولت روس در روی پرت
آرتور بود که بعدها اسباب شکست و خجالت آن دولت در شرق اقصی گردید
فرانسه هم دوست متحد روس بود آلمان هم در این اوقات دنبال مستعمرات
میکردید بنا بشرح فوق سه دولت متحد شده و ژاپن را از ثمره فتوحات خود
محروم نمودند و اینکه از سال ۱۸۹۵ با آلمان قطع دوستی معنوی نمود از
اینجا شروع گردید و منجر شد باینکه در موقع جنگ بین المللی مستعمرات
آلمان را از ید تصرف آن دولت بیرون آورد و بعدها نیز حساب کدورت
و رنجی خود را با دولت روس در جنگ ۱۹۰۴ پاک کرد شاید نوبت فرانسه
نیز برسد خواننده را بکتاب ذیل آشنا میکنیم که سوز درونی ملت ژاپون
را در این موقع که از حقوق کت هیاشی یکی از سیاسیون معتبر این ملت است بیرون
آمده مطالعه کنند نقل آن در اینجا یاد است

The international anarchy 1904-1914
by G-Lowes Bickinson

عظمت آلمان بوده که یکنانه محرك و مشوق ملت ژاپون گردید و در سال ۷ - ۱۸۸۶ به منتها درجه اوج خود رسید.

قانون اساسی ژاپون که اول بنا بود از روی قانون اساسی ملت انگلیس معین شود بالاخره از روی نمونه قانون اساسی پروس با آن قسمت هائی که آزادی ملت را تا اندازه محدود می کنند برداشته شد و اجرا گردید.

یکی از زعماء سیاست ژاپون دلیل این موضوع را بطرز بسیار ساده بیان نموده است و میگوید: ما رقتیم بلندن تا قانون اساسی ملت انگلیس را تحصیل نموده بطرز اجرای آن آشنا شده بوطن خود برگردیم و آنرا نمونه و اساس قانونی خود قرار دهیم ولی نتوانستیم آنرا در جائی پیدا کنیم بنا بر این مجبور شدیم برویم به برلن - در آنجا با کمال میل بما نشان دادند و ما باسانی و سهولت یاد گرفتیم زیرا که خیلی روشن و سهل با دلیل و برهان درسیاه و سفید معین و واضح بود.

این است که ملت ژاپون نیز همان عقاید و نظریات ارتجاعی را که در آن سنوات اروپارا گرفتار نموده بود کسب کرد اصول استقلال اقتصادی بوسیله ایجاد موانع گمرکی و روح نظام که عظمت يك ملتی بسته بداشتن يك نظام برومند است و روح ملیت که هیچ ملتی بدون آن نمیتواند زیست کنند عزم جهانگیری و اراده توسعه ارضی تمام اینها جای نظریات فلسفی و صلح طلبی - تجارت آزاد طرفداری صلح دنیا-برادری و برابری بین ملل را گرفت و این عقاید درخشان را در طاقچه

های اطاقی که حقوق بشر را در آن جای داده بودند، گذاشت
تازینت آن اطاق را تشکیل دهد.

عقاید در این باب هر چه هست ولی باید تصدیق کرد
آن طریق عاقلانه که ژاپون اتخاذ نمود و تمام قوای خود را
مجتمعاً بکار انداخت که اول میبایست خود را مقتدر کند و در
دریا و خشکی قوه مسلح کافی داشته باشد تا به قصد خودنایل
شود این رویه بهترین راهی بود که ملت و مملکت ژاپون را
در انظار قادر و توانا بشمار آورد و این اولین وسیله ترقی است
که بر هر ملتی واجب است.

پرواضح است که هیچ مقدار ترقی در قسمت تربیت ملی
و تشویق صنایع و حرف و ترقی علوم و فنون - تجارت و فلاحات
و صنایع داخلی و تمام مؤسسات ملی که در نظر بگیرد هیچیک
نمی توانست باندازه برق شمشیر ملت ژاپون به سعادت و عظمت
آن ملت خدمت نماید یا اینکه بحال آن مفید واقع شود اگر
اسباب تأسف عده شده است ولی لازم است قدری فکر خود را
عقب تر متوجه نموده و قبل از وقوع جنک ژاپون و چین را
در نظر بیاورند خواهند دید که یکنه چیزی که قدرت و عظمت
ژاپون را در انظار دول مقتدر دنیا مجسم نموده و بان اهمیت داده
همان قوت و قدرت تکاملی آن ملت بود که دنیای متمدن را
بحدت انداخت و بوجود یک دولت مقتدری مانند خودشان در
شرق اقصی آنها در ملل آسیائی قائل شدند «
درینجا یکی دو نکته اساسی است که باید قدری مورد

مطالعه واقع شود یکی اینکه تأسیس مدارس عالی در داخله مملکت و آوردن معلمین قابل و تربیت جوانها در داخله بهتر صورت خواهد گرفت از اینکه عده زیادی بدون تعیین تکلیف و رشته تحصیل بخارجه بروند در آنجاها نیز با محیط های مختلف معلوم نیست چه از آب در بیایند بنظر من نتیجه تحصیل خوب نخواهد شد - با تأسیس يك دارالفنون حسابی با تمام معنی ممکن است سالی سیصد نفر شاگردان تحصیل کرده با معلومات کافی و در تحت نظر اولیای امور همه ساله ازین دارالفنون بیرون بیایند علاوه بر حفظ آداب اخلاق پسندیده شرقی اینجوانان منافع مادی آن نیز از حیث مخارج در خارجه زیاد است البته يك عده جوانان امتحان داده با استعداد باید بخارج بروند ولی با شروط معین و معلوم که يك شرط آن متخصص بودن آن جوان است که در فن بخصوص این تخصص را داشته باشد ثانیاً در سن معین که کمتر از ۲۱ یا بیشتر از ۲۴ سال نداشته باشند ثالثاً مدت اقامت در خارج که تحصیل آن رشته باتمام خواهد رسید رابعاً در مملکت و محل و مدرسه معین و معلوم که میبایست دوره تحصیل خود را تمام نماید - با داشتن این شرایط چهار کانه داوطلبان این رشته تعیین آنها باید بطور مسابقه باشد و هر کس در امتحان بهتر از سایرین بیرون آمد و امتحان داد اوتامزد خواهد شد که بخارجه برای اتمام تحصیل اعزام شود .

با اینکه عده غیر محدودی از محصلین بخارجه اعزام شده اند و عده زیادی از آنها بخرج دولت رفته اند هیچیک پرگرام

صحيحی ندارند و معلوم نيست كه چه بايست تحصيل كنند و در كجا تحصيل ميكنند سن و سال آنها چيست و در چه درجه از درجات تحصيل هستند و كی تحصيلات آنها باتمام خواهد رسيد كسانی را سراغ دارم كه پنج شش سال است بخرج دولت در خارجه تحصيل ميكنند و شايد پنج شش سال ديگر نيز بدین منوال عمر جوانی را بگذرانند باز ملاحظه كنيد از دوره مقدماتی قدم جلو تر نگذاشته اند.

يك نکته ديگر كه خیلی اساسی است افكار محيط های مختلف اروپاست چون ذوق شرقی بیشتر بالفاظ است خصوصاً در آن قسمت كه زيادتر بروحيات ملل شرق نزديك است و آنها عبارت از نظريات و عقايد صلح طلبی و آزادی تمام ملل و تأمین حيات آنهاست كه بهترين نمونه آن اصول چهارده گانه مسترويلسن امریکائی است يا افكار و عقایدی كه بعد از كارل ماركس در اروپا پيدا شد و رشته های ايزم (۱) مختلف را پيدا نمود و در میان عوام بیشتر ريشه دوآنيد - بسيار خوب تمام اين عقايد و نظريات كه بنظر نگارنده فوق العاده از دایره عمل دور است كه به آمال و آرزو بیشتر نزديك سر جای خود - بايد ديد ايران بكدام يك از اينها نزديك است ايران بعمل محتاج است نه آمال - ايران اگر مانند ملل اروپا در زندگانی جديد كه بيش از سيصد سال است در دنياي اروپا ظهور کرده و بمرور بدایره خود ميفزايد و ملت ژاپون نيز در پنجاه شصت سال

قبل خود را باین زندگانی آشنا نموده داخل شده بود هیچ مانعی نداشت که تمام این افکار و نظریات آمالی را هم کسب کنند و با آنها بازی نماید اما درست در حال حاضر ملت ایران دقت کنید و ملاحظه نمائید این افکار و عقاید مانند يك سم مهلكی است كه بیک مریض بی قوه و بنیه میخورانید نتیجه آن میدانید چه خواهد شد مرك آنی و محو فوری و عدم صرف شدن در آن واحد.

اساساً نمیتوان ملت ایران را با یکی از ملل حاضر متری طرف نسبت قرار داد و گفت فلان ملت که درجه سیر آن در میزان تمدن بشری بفلان مقدار رسیده و درجه تمدن ایرانی بفلان نقطه پس فرق بین این دو ملت فلان قدر است در صورتیکه چنین مقیاسی غیر ممکن است بدست بیاید.

ایران هنوز داخل در هیچیک از مراحل زندگانی متری نشده نزدیک شدن و عنوان کردن یا دنبال کردن این عقاید آمالی و نظری بکلی منافی با منافع حقیقی و مسلم ملت ایرانست
من مایلم ایرانی از این دایره حرف و لفاظی که گمراه کننده هر ملتی است برون بیاید و داخل در رشته هائی بشود که در آنها فقط عمل است.

فلان آدم را ملاحظه میکنید در بنیه خوب در سن جوانی دست و پای صحیح و سالم نشسته دارد دعا نویسی و طلسم بندی میکند فال می بیند طالع میگیرد از زیرزمین و از هفت طبقه آسمان خیر میدهد ولی اگر این هوش و ذکاوت را بکار عملی و ا دارد

نه کسی را گمراه نموده و نه عمر خود را به بطالت و تنبلی گذرانده است يك صنعتی را هم یاد گرفته که هم خود و هم طالب آن و هموطن او از آن برخوردار شده است .

حال وضع این آدم رمال و دعانویس را با اوضاع سایر ایرانیها در هر طبقه که فرض شود مقایسه کنید همه رمال همه دعانویس همه فال بین و طالع بین هستند منتهی باشکال مختلف - اگر ایرانی دارای این يك عقیده باشد که در اول هر شب که روز را باخر رسانده است پیش خود فکر کند (۱) امروز چه کار مفید و سود مندیرا یا برای خود یا برای بستگان خود یا برای ملت و وطن خود یا در اجرای وظیفه خود انجام داده است اگر جواب طور است که يك خدمتی را انجام داده بگذارد وجدان او ازاو راضی باشد و او را آسوده بگذارد و راحت بخوابد اگر چنین خدمتی را انجام نداده است خود را بسپارد بدست وجدان خود که او را ملامت کند تمبیه نماید و سرزنش کند که تو بشر نیستی انسان وظیفه شناس نیستی تو بیکروز عمر عزیز را به بطالت و بیکاری گذراندی خجل باش شرمنده باش و خود را اصلاح کن از فردا دنبال انجام وظیفه باش و سعی کن خود را در جامعه که تو عضوی از اعضاء آن هستی مفید و بافایده و

(۱) فرانکلن امریکائی در تاریخ حیات خود مینویسد هر

شب در وقت استراحت خیال میکردم اگر خدمتی نسبت بوطن خود انجام نداده ام انشب خواب راحت نداشته ام و تا صبح با خود در جدان بودم

لایق قلم بدهی و ذاتاً هم همینطور باشی

ایرانی اگر شده برای یکی دو نسل هم باشد از تمام این افکار و عقاید و نظریات آمالی دوری کند یکنانه عقیده که میبایست دارا باشد اینست که چگونه ملت و وطن خود را ترقی داده و سعادت مند کند و از چه راه مردم را با علوم و صنایع زودتر و بهتر و نافع تر آشنا نماید بچند نوع علوم و صنایع محتاج است راه تحصیل و فرا گرفتن آنها چیست چگونه اسباب دفاع و حفظ و حراست وطن خود را فراهم آورد چگونه زودتر و سریع تر بدون عجله و دست پاچگی ملت ایران را داخل در زندگانی سعادت مند نماید این یکنانه عقیده است که میباید هر ایرانی داشته باشد و عمل کند و نتیجه بگیرد اگر چنین عقیده را داشت و عمل نمود گلبلیم خود را از آب بیرون کشیده است

باور کنید بشهادت تاریخ تمام جنگهای عمده دنیا را در این سیصد ساله اخیر انگلیسها سبب شده اند با این حال همیشه دم از صلح دنیا زده و خودشان را فرشته صلح و سلامتی کره ارض قلمداد نموده اند - عقاید درخشان کلمات و عبارات بسامعه خوش آهنگ در محافل و مجامع اروپا بسیار است ولی تمام این ها خالی و تهی مغزند جوانان ما نباید گول ظاهری آنها را بخورند یا شیفته معنی آنها گردند امروز ملل اروپا حال یکدسته گرتی را دادند که از شدت جوع دور هم حلقه زده و منتظرند کدام يك از اینها از دایره روبر میگرداند تا او را گرفته پاره پاره کرده بخورند اگر راست میگویند و این حرفها حقیقت دارد میبایست

لزوماً اثرات آنها در عمل نیز ظاهر شود صحبت در اینجاست که چگونه است خود این ناصحان بهیچوجه بنصایح خودشان گوش نمیدهند و عمل نمیکنند و هرروز هم موضوعهای جدیدی برای دشمنی در میان خودشان پیدا شده بیشتر اسباب نزاع و جدال فراهم میگردد

دیروز بود که جنک بین المللی خاتمه یافت و در این جنک ملیونها نفوس بشری در عنفوان جوانی قربانی گردیدند ملیونها خانواده بی صاحب و سرپرست شدند و هزاران ضررها و خسارات گوناگون بعموم سکنه روی زمین رسید با این حال اروپای امروز مسلح تر و حاضر تر برای جنک است تا سال ۱۹۱۴ متمدن ترین آنها قویترین آنهاست و قویترین آنها مسلح ترین آنها و هر يك از این دول که آلات قتاله آن برنده تر و مؤثرتر است بهمان درجه نفوذ و قدرت آن زیاد تر است .

بنظر نگارنده بهترین چیزی که ایرانی باید بان علاقه داشته و آنرا بهر قدر و قیمتی که باشد باید آماده کند قوت و قدرت ملی است که باید دارا باشد و برای ایجاد آن از هیچ چیز فروگذار نکند تا دارای یکچنین قدرت و عظمت ملی نباشد ممکن نیست بتواند منافع مادی و معنوی ملی خود را حفظ کند -
محصلین جوان با استعداد که برای تحصیل بخارج اعزام میشوند باید دارای این ایدآل باشند که وطن و ملت خود را دارای ان شوکت و عظمت و قدرت و نفوذ بکنند که شایسته يك ملت زنده دل و برومند باشد و سکنه آنها را دارای یکچنین معلومات علمی

و صنعتی بنمایند که بتوانند از حیات ملی خود نگاهداری کنند و تمام اینها منوط و مربوط و بسته باستعداد ذاتی و فطری و مقدار زحماتی است که این محصلین جوان در خارج بکار برده در تحصیل و فراگرفتن معلومات نافع و عملی و سودمند درتوانید ثروت در ایجاد قدرت و آبادی مملکت لازم خواهد بود و بس .

امروز تمام عقاید درخشان مریبان صلح بشر و تمام رشته‌های فلسفی علماء اخلاق در ثبوت برادری انسان و دوست داشتن ملل یکدیگر را و خود مجمع اتفاق ملل و هزاران رشته .. های دیگر برای ما ایرانیها يك پول ارزش ندارد و آنچه که ما محتاجیم علم و صنعت و فن و طرق تحصیل ثروت و بکار انداختن منابع عایدات ملی و استخراج معادن بدست ایرانی ایجاد قوت و قدرت ملی - علم اداری - مهارت مملکت داری - عالم - بصیر مطلع با صنعت کردن ایرانی اینهاست که ایرانی محتاج است و باید تحصیل کنند و عمل نمایند باقی دیگر حرف است اهل برای ما قدر و قیمتی ندارد

* * *

يك موضوع دیگر هست که میخواهم قبل از خاتمه این رساله بان اشاره کنم و آن موضوع تمدن اروپاست - مقصود از این کلمه تمدن چیست ؟ چون يك کلمه بسیار فریبنده و گول زن است میخواهم غرض از معنی اصلی آنرا که چیست برای شما تشریح کنم .

ما شرقی ها چون در عالم خیال قدم میزنیم و از میدان

عمل دور هستیم تصور میکنیم کلمه تمدن عبارت از اینست که انسان یکدیگر را دوست بدارد و هر چه خود دارد از دیگران مضایقه نکند و هر چه دوست و رفیق می طلبد در طبق اخلاص گذاشته تقدیم نماید و آنچه که در خور قدرت و امکان باشد سائل آنرا محروم نکند بعلاوه جامعه که این ادعا را میکنند و خود را متمدن می شمارد میبایست امانت - دیانت عفت و عصمت ایسان و مذهب و خدا شناسی رحم و مروت در میان آنها باعلا درجه رسیده باشد و هر کس در هر درجه و مقامی که در جامعه داراست تمام این صفات را باید بدرجه متناسبی دارا باشد شفقت برضعفا تفقد بر فقراء مساعدت با محتاجان تمام این صفات لزوماً ارکان محکم و متین اینکلمه که عبارت از تمدن است میبایست باشد اینست آنچه که ما شرقیها از اینکلمه استنباط میکنیم و در دایره خیال و تصور خود آنرا مجسم مینمائیم در صورتیکه چنین نیست .

در ایران اغلب اتفاق افتاده که دربهای حیاط خانه ها تا صبح باز مانده و کسی داخل آن خانه نشده است روزها که تمام باز و بدون بستن رفت و آمد میشود در اروپا و امریکا چنین نیست دقیقه غفلت از بستن درب شود نه تنها اثاثیه ان خانه در خطر است بلکه سکنه ان نیز در معرض خطر جانی واقفند علاوه بر اینکه درب باید باشد زنجیر های مخصوصی نیز پشت دربهای خانه ها نصب شده اند که ممکن نیست کسیکه پشت درب میاید آنرا برای واردین باز نماید و بدون کمک این

زنجیر جرئت باز نمودن درب را داشته باشد باید اول آن زنجیر را بچهار چوبه درب اتصال دهد که فقط باندازه يك و جب در باز شود تا طرف را بشناسد که کیست بعد از آنکه شناخت انوقت زنجیر را از پشت درب بردارد و اجازه بدهد تازه وارد داخل خانه شود غیر از این باشد آن خانه و سکنه آن در خطر دزد و جانی واقع خواهد شد.

و قتیکه انسان در خیابان یا کوچه و بازار اروپا یا امریکه گردش میکنند جرئت اینکه از کسی سؤال کند ندارد چونکه هم طرف سؤال از سؤال کننده وحشت دارد و هم خود سؤال کننده در خطر است که ممکن است آن آدم يك متقلب و جانی و خطر ناك باشد و اسباب زحمت او را فراهم بیاورد فقط انسان از کسیکه میتواند با اطمینان خاطر سؤال کند یا خبری بپرسد پلیس است و بس آنهم نه پلیس هر مملکتی مثلاً پلیس شهر نیویورک مورد سوءظن سکنه است پلیس لندن از حیث امانت و درستی بهترین پلیس هاست برای پلیس های پاریس این صفات تصدیق نشده در هر حال در این دنیای متمدن اروپا آن امنیت شخصی و مصونیت از تعرض دزدان و راهزنان اجتماعی که در شرق برای ما موجود است در آنجا ها نیست يك هوش و دقت و مراقبت مخصوص میخواهد که انسان خود را در میان این قاره متمدن حفظ کند.

انسان از مطالعه مندرجات جراید یومیه راجع باتفاقات جنائی وحشت میکند در آنجا ها وقایعی رخ می دهد که در

ممالک شرقی بهیچوجه سابقه نداشته است چون فوق العاده وحشت انگیز و خطرناکست از ذکر آنها خود داری میکنم این قبیل اتفاقات جزء وقایع عادی هر پایتخت بزرگ اروپا و امریکاست و مردم هیچ غریب نمی شمارند و آنرا از اثرات تمدن عصر حاضر میدانند.

اما در قسمت رعایت اصول احترام عفت چون زندگانی در آنجاها بی اندازه سخت و مشکل شده است و عادات جاری بر این قرار گرفته که هرکس ناچار است امر معاش خود را خود اداره نماید عائله ها در نگاهداری جوانان خود پسر یا دختر تا حدی معین رعایت میکنند بعد از آن عائله ها و هم خود این پسران و دختران جوان بحکم اجبار داخل دنیا شده میبایست زندگانی خود را خود اداره نمایند در اینصورت رعایت احترام نسبت باین جوانان کمتر مورد توجه است دختران ناچارند برای کسب معیشت با مردان و پسران داخل در مبارزه حیات شوند این مبارزه سبب سلب احترام آنها میگردد

در عالم دیانت نیز تغییرات کلی روی داده امروز مذهب در اروپا و امریکا دیگر عامل مؤثر در زندگانی اروپائی و امریکائی نیست در کلیساها دیگر موضوعات مذهبی در بین نیست بحث در مسائل علمی ادبی اجتماعی و اقتصادی است کشیش ها تماماً صحنه عمل خود را عوض نموده اند و عظهای مذهبی را غالباً کنار گذاشته و داخل در عالم علم و عمل شده اند.

اخيراً يك كتابی را که تازه از طبع خارج شده (۱) خواندم در آنجا میگوید امروز دو نلت ملت (سکنه جزایر بریطانیا) بهیچ يك از شعبات مذهب مسیح علاقه مند نیستند و رابطه ندارند از حیث دیانت نیز وقتیکه خوب دقت میکنیم دیده میشود علاقه بان در بین نیست .

ماه دوم سال ۱۹۱۴ اتفاقاً در شهر نیویورک بوده در آن ماه سرما و برف فوق العاده در آن شهر پیدا شد که چند روز خیابانها مسدود گردید و تمام لوله های آب خانه ها یخ کرده ده ها هزار عمله بپاك کردن خیابانها مشغول شدند در روزنامه خواندم که در این روزها قریب سی هزار نفر بی خانمان بودند و قبل از این سرما در آن شهر با عظمت که ثروت و دولت ان اسباب حیرت سکنه دنیاست در زیر آسمان بسر می بردند در صورتیکه دو نلت اطاقهای خانه های عریض و طویل ان شهر خالی از سکنه است .

در روزنامه خواندم که بلدیة شهر کشتی هائی را که روی رودخانه هودسن برای عبور و مرور مردم بین شهر نیویورک و نیوجرسی است قرار داده است شب ها گرم کنند و فقراء بی خانمان را در آنها جای دهند شخصاً بتمناشای یکی از آن کشتی ها رفتم مردم بدون زیر انداز و رو انداز روی تخته های

(1) a Century of stupendous Progress 1825-1925 by G. McCabe London 1926

کف کشتی خوابیده بودند (۱) مشاهده اینحالت هر بیننده را برقت می آورد و منتها درجه دو طرف زندگانی بشری را در پیش نظر مجسم مینمود در یکی از آن اسباب تجمل بافراط و اعلا درجه زندگانی خوش و خرم در دیگری آن درجه یست فقر و فلاکت و ادبار بشری که گریبان گیر قسمت عمده اجتماعات بشری است پس از بیانات فوق اینطور میشود نتیجه گرفت که تمدن ملل و تمدن اروپائی به آن معنای خیالی و تصویری که ما شرقیان از آن استنباط میکنیم نیست یعنی در از دیداد اعانت - دیانت - اخلاق - ایمان - رأفت و مهربانی دخالته ندارد بلکه اعتنائی هم نسبت به آنها نیست و علاقه هم نشان نمیدهند.

پس این تمدن چیست که گوش شرقیان را کر و چشمهای آنها را خیره نموده است اگر مایل باشید من آن را برای شما شرح میدهم.

در ممالک اروپا و امریکا قبل از هر چیز و مقدم بر همه وسایل زندگانی رعایت و اطاعت و احترام قانون است که جای تمام آن محسنات اولیه و جاریه قرون گذشته تاریخ بشری را گرفته است اگر بناهای مذهب سست شده و برای جلو گیری اعمال غیر مشروع انسان مؤثر نیست بجای آن قوانین مؤسسات جنائی - جزائی و حقوقی بر قرار شده که اندک حرکت خلاف نظم و

(۱) در یادداشت روز سه شنبه ۱۳ ژانویه ۱۹۱۴ من این عبارت را نوشته ام «دیشب سرما بدرجه ۱۲ رسید یعنی ۲۰ درجه زیر میزان یخ بندی چونکه در ۳۲ فرنهایت آب یخ میکند در روزنامه نیویورک تا بمس شرح حال بی خانمانها را خواندم خیلی دلم سوخت اگر انسان بخواهد بداند چه اندازه باین بدبختها بد میگذرد قابل تصور نیست

ترتیب و اخلاق و امانت را تعقیب و مرتکب را بدون رعایت شأن و مقام و ثروت جلب و محاکمه و بمجازات دیرسانند و برای این مقصود اشخاص امین - صدیق با ایمان عالم و بصیر معین شده اند که بدون ذره اظهار تمایل بطرفی یا رفتن تحت تأثیر نفوذ مقامی یا شخصی ولو در هر درجه و مقام باشد متخلفین را محاکمه مینمایند و حکم آنها بدون امعان نظر و دخالتی بموقع اجرا گذاشته میشود

چنین اشخاصی که باین درجه و مقام رسیده اند که حکم آنها نافذ و احکام آنها غیر قابل تغییر است هیچ قوه نمی تواند مقام آنها را متزلزل کند و هیچ اولوالامری نمیتواند در رأی آنها دخالت نماید و هیچ صاحب نفوذی نمیتواند در آنها اعمال نفوذ نماید در نتیجه يك امنیت مالی و جانی در تحت لوای مطلق یعنی قانون برقرار میشود که اطاعت حکم آن بر تمام طبقات واجب و احترام آن بر هر صاحب قدرت و نفوذی لازم میاید . متناسب با همین مؤسسه يك مؤسسه دیگر بوجود آمده که احکام صادره از این مقامات بدون دخالت و ملاحظه در رعایت جاه و جلال و مقام شخص محکوم بموقع اجرای گذارده میشود . تعلل در کار نیست اصلاً فکر آن ممکن نیست پیدا شود این در و آن در زدن برای خلاصی مورد ندارد توسط عمر و زید و بکر و خالد از گناهان غیر قابل بخشش بشمار میرود هیچکس جرئت چنین حرکتی را ندارد و احکام صادره اجرا میشود ولو بغلط هم صادر شده باشد .

وقتیکه حال بدینمنوال شد امنیت مالی و جانی روی يك

چنین اساس و شالوده محکم و متین گذاشته شد دیگر کارهای جانی - خائن - سارق - دشمن عفت و عصمت - خیانت در مالیه ملت یا نسبت بوطن و ملیت اختلاس در وجوه دولت افشای اسرار دولتی روابط سری با اجنبی در صورت کشف و علمنی شدن ممکن نیست بدون مجازات بماند یا غافل خلاص شود هر يك بفرای خور تقصیر خورد در مقابل قانون مقصر و تعیین میزان تقصیر با قاضی و بعد از صدور حکم بلا شرط و بدون تعلل و بلا مانع بموقع اجرا گذاشته میشود.

عدم وقوع جنایت در میان ملل بهر درجه و پایه تمدن رسیده باشند غیر ممکن است حتماً در میان يك ملت متمدن به تناسب بزرگی و کوچکی ان يك عده جانی - يك عده سارق مخالف عفت و عصمت يك عده راهزن و يك عده اراذل و اوباش وجود خواهند داشت هر اندازه هم قوانین سخت باشند و هر اندازه تند و شدید برای جلو گیری وضع شود باز ممکن نیست از وقوع يك سلسله جنایت ها جلوگیری کرد.

فرقی که هست اینست وقتیکه يك جنایت یا خیانت واقع شود تعقیب میشود و مرتکب معلوم و گرفتار و بحکم قانون بمجازات میرسد دیگر کسی دخالت دران محاکمه یا مجازات ندارد. در صورتیکه وسایل تولید ثروت باعلی درجه رسیده و ازدیاد ان با يك سرعت غیر قابل قیاس پیش میرود بهمان درجه نیز فقر و فاقه در این ممالک رو باز دیاد است - با اینکه دولت انگلیس از جنک فاتح بیرون آمد و در نتیجه جنک عالم سوز

بیش از سایرین استفاده مادی و معنوی نمود باز در سال ۱۹۲۵ فقر و فاقه در میان طبقه سوم و کارگر بیش از اوقات گذشته بود در آن سال از هشت نفر که یگانه وسیلهٔ امرار معاش آنها دو دست است که با بکار انداختن آنها میتوانند زنده بمانند یکنفر آنها بدون کار بود در حالیکه در سال ۱۹۱۴ از هیجده نفر یکنفر بدون شغل بود (۱) و عده آنها از یک میلیون و چهارصد هزار نفر تجاوز نینمود تمام اینها بدون شغل بودند اگر احصائیه تمام بیکاران ممالک اروپا را مطالعه کنید یقین اسباب وحشت انسان خواهد شد.

اگر از تمدن غربی انتظار رحم و مروت و الطاف میرفت میبایست این فقر و فاقه نیز روبه نقصان برود در صورتیکه احصائیه چنین چیزی را نشان نمی دهد

اما از طرف دیگر هر یک از ملل اروپائی از نوک تا فرق سر غرق آهن و فولاد شده برای جنگ حاضر گردیده اند با اینکه چند سالی بیست میلیاردها لیره خرج و ملیونها جوانان با استعداد در سن شباب قربانی دادند باز بجنگ حریص تر شده و بخونریزی بیشتر مایل هستند

اگر مقصود از تمدن مقیاس فرضی سکنه شرق است

(1) Europa year Book 1926. P. 140

این سالنامه از سال ۱۹۲۶ شروع شده و شماره اول آن در همان سال منتشر شده دارای احصائیهٔ جامعی است تا حال دو جلد بیرون آمده فتمط اطلاعات آن راجع با اروپاست .

باید این قبیل اقدامات وحشیانه روز بروز و سال بسال نقصان پیدا کند چگونه است همه ساله بر مقدار اسباب و آلات قتاله افزوده میشود و سایر جنگ زمین و آسمان و زیر و روی دریا بیشتر و مکمل تر میشوند .

من در انقسمت های اخلاقی و مذهبی داخل نمیشوم و از احصائیه آنها سخن نمیروم و میگذارم جوانان حساس و مال اندیش ایرانی خود این نکته مخصوص را با چشمهای دورین خود ملاحظه کنند غرض عمده من در اینجا نمایاندن و معرفی نمودن تمدن غربی بود که بر خلاف معنی باطنی در میان ملل مشرق نسبت بانها عقیده پیدا شده تصور میکنند که در تمام اینها رعایت جنبه اخلاقی نیز شده است .

بلی ظاهر امر خیلی دلریاست در بعضی جاها می بینید يك اعلان بزرگ نصب نشده معرفی میکنند که در اینجا سگها معالجه میشوند یعنی این محل بنای مریضخانه سگهاست مشرقی از رأفت و مهربانی غربی مات و مبهوت میماند و بهر چه و هر کس که شرقی است لعن و نفرین میکند ولی اگر شب ساعت ده یا یازده یکی از گردشگاههای عمومی برود خواهد دید زندهای بی کسی و کار يك طفل در آغوش و یکی دو طفل هم در کنار در آن هواهای سرد شب از نداشتن جا و منزل در گردش هستند و پلیس مانع از آنست که بگذارد آنها درجائی بنشینند و قدری

استراحت کنند (۱) یا از شدت سرما نمی‌توانند در گوشهٔ راحت بنشینند.

درست است مریضخانه‌های سگ وجود دارند نه برای سگهای بی‌صاحب بلکه برای سگهای خانمهای متمول و صاحب ثروت که برای ماندن دوشب سگ آن‌ها در چنین مریضخانه اولاً چند لیره باید بدهد و با کمال خنده و شاده روئی هم میدهد و اینواقعه را هم در هر مجلس و محفلی با آب و تاب بیان میکنند و مستمعین نیز باخنده و شادی تحویل میگیرند و سگ را هم نوازش میکنند اتفاقاً اگر شب وقت رفتن به تیاتر یکی دو نفر از این اطفال معصوم که بی‌صاحب و مونس در کوچه‌ها سرگردانست در زیر اتوموبیل او بماند ابداً رقت نکرده و از رفتن تیاتر هم باز نمیماند (۲)

تمدن اروپا یعنی داشتن زور - قدرت و توانائی یعنی دانستن و توانستن و بعمل آوردن ثروت بوسیلهٔ صنایع و فنون و اختراعات یعنی آهن را بجای طلا فروختن سگ را بلور کردن و از بطن زمین ذخائر را بیرون آوردن و باشکال مختلف ساختن و

(۱) این مناظر را مکرر در مکرر در شهر نیویورک و شهر

لندن در قسمت ویکتوریا امپنک منت شخصاً مشاهده نموده ام
Victoria Embankment

(۲) در سال ۱۹۱۴ در روزنامه خواندم شب يك طفل بی

پرستار زیر اتوموبیل يك خانم متمولی رفت و فوراً هلاک شد با اینکه آن خانم از مرگ طفل مطلع شد باز از رفتن تاتر منصرف نگردید.

با طلا معاوضه نمودن یعنی داشتن زور و توانائی برای حمله نمودن و تصاحب کردن مملکت دیگری و بردن ثروت ملی آن و مطیع و فرمان بردار کردن سکنه آن یعنی استعداد و قدرت نگاهداری ملیونها بشر در تحت اطاعت و انقیاد و حکومت کردن بانها باخون و آهن بدون دادن حق حیات و دخالت در امور متعلق بملت و حکومت آنها یعنی ستایش خداوند زور - شوکت و عظمت برای بقای خویش و محو و فنای علائم و آثار آن در سایرین یعنی سیادت بر سایرین بدون رعایت عدل و انصاف - تمدن اروپا یعنی اینها خوب است شرقی از خواب غفلت بیدار شود و بداند در دنیا چه باید تحصیل کند و دارای چه صفات باید باشد .

اروپائی در خود تعصب ملی را باعلا درجه دارد ولی این صفت را در شرقی تقبیح میکند اروپائی سخت باصول ملیت علاقه مند و روز بروز پیوندهای آنرا محکم میکند ولی به يك طرز مخصوصی این صفت را در شرقی مذموم می‌شمارد - اروپائی بعادات و رسوم و شئون ملی خود می‌پیرازد ولی این خصائد را در شرقی بکنوع کهنه پرستی قلم می‌دهد - حب وطن یکی از صفات پسندیده و قابل ستایش اروپائی است ولی این صفت را در شرق بکنوع گناه و خیانت حساب میکنند و هر کس از شرقیها دارای این صفت ممدوحه باشد از محو و اعدام و فنای او غفلت نمیکنند و تا بمقصود نرسیده ساکت و آرام نمیشود .

ایرانی باید بداند و فنیکه باروپا یا امریکا میرود چه

چیزها و چه علمها چه صنعتها و چه معلومات برای قدرت و عظمت و شوکت و جلال و سعادت ایران و ایرانی لازم است که آنها را تحصیل نماید گوی تمدن ظاهر را بخورد بالفاظ درخشان مقتون نشود بافکار و عقاید مردمان نظری مجذوب نگردد بانچیزی علاقه مند شود که اساس نظام دنیا روی آن قرار گرفته و آن علم و دانش است و هرملتی که این جواهر نفیس و گرانبها را دارا است قدرت و عظمت و شوکت را نیز داراست و هرکس بی بهره است از قدرت و عظمت و شوکت نیز بی بهره است

خاتمه

جوانهای شرافتمند ایران من اینک باشما خدا حافظی میکنم و شما را بخداوند متعال می سپارم امیدوارم آن یگانه قادر حی لا یزال که نگذاشته در عرض دو هزار و پانصد سال رشته حیات ملی ایران گسیخته گردد باز هم در این کشمکش دنیای حرص و آرزو جنگ و آشوب قتل و غارت و کشتار که تمدن امروزی دول و ملل غربی بوجود آورده است نگذارد رشته حیات ملی آن پاره شود و چراغ عمر آن خاموش گردد بعد از لطف خداوندی دوام و بقای نسل ایرانی بسته بوجود های ذیقیمت شماست سعادت و نیکبختی سکنه آن مربوط بمیزان جدیت و فدا کاری شماست انتشار علوم و صنایع بسته بمقدار علم و دانش شماست بنا بر این آتیه درخشان ایران فقط در سایه جدیت و فدا کاری و آن اندازه سعی و کوشش شماست

که هر قدر میزان آن زیاد تر باشد ترقی در آن بیشتر محسوس و معلوم خواهد شد.

من از روز تولد شما با شما همراه بودم برای اینکه شما ها يك جوانهای لایق و کافی زيرك و با هوش باشید برای خانواده ملت و وطن مفید و فدا کار باشید از گفتن نکات مهم برای حفظ و حراست شما بقدر فهم خود کوتاهی نکردم باندازه که اطلاع داشتیم از خوراك و پوشش و گردش و هوا خوری شما ها صحبت نمودم تا اینکه شما ها بسخن گفتن آغاز نمودید من باز درینجا ساکت نشدم طریق صحبت با شما را تذکر دادم و اشاره نمودم که باید با اطفال خورد سال بچه نحو سخن گفت و چگونه سوالات آنها را جواب داد و از چه مقوله با آنها صحبت نمود تا بسن شش و هفت ساله شما با شما همراه بودم و نگذاشتم شما ها را بمجامع گریه و زاری برند راضی نشدم بواسطه دیدن این مناظر غم انگیز گردعلال در خاطر شما نشینداصرار داشتم شما را بدیدن مناظر خوب و قشنگ فرح انگیز طبیعت ببرند که روح پاك و بی آلایش شما ها همیشه شاد و خرم باشد - طرز سلوك و رفتار با شما را بوالدین شما یاد آوری نمودم و در تمام دوره تربیت شما در خانواده من مواظب شما بودم تا اینکه نوبت تربیت مدرسه شما شروع گردید باز من خود داری نکردم شما را ول نکردم در مدارس ابتدائی و متوسطه و عالی در تمام اوقات با شما همراه بودم.

میدانم که رفتار چه مصائب و محن تألم انگیز بودید

میدیدم چه درسهای غیر لازم و بیموقع بشما از چه کتابهای غیر مفید اجبارا تدریس مینمودند و درچه محل های مخالف حفظ الصحه بنام مدارس شما را جای میدادند بدست چه کسانی بنام معلم شما را سپرده بودند بر من و بر خود شما واضح و روشن بوده چه روزهای تلخی بود که به پایان رسید و دوره مدرسه ابتدائی خاتمه یافت من نیز باغم و اندوه باشما آشنا بی پایان رسانیدم باهید اینک که شما بحد رشد و تمیز برسید و معایب را اصلاح کنید همین آرزو را هم دارم .

خوب دیدم در دوره متوسطه نیز هیچ فرقی درین نبود کتب از رشته همان کتب ابتدائی معلمین سرکرباس همان قماشهای اولیه مدارس نمونه همان مدارس منتهی و سیهتر طرز رفتار و گفتار و تدریس مانند سابق غالب دروس که هیچ کتاب نداشت قسمت عمده دروس مدارس متوسط و عالی مانند علوم پیشینیان از سینه به سینه تلقین میشد شماها ناچار بودید آنچه که معلم طوطی وار میاهوزد یاد بگیرید و خودتان روی کاغذ بیاورید البته این نیز يك طرزی است من و شماها که حال بان روزهای گذشته دوره درسهای مدارس نظر میکنیم و آن اوضاع را بخاطر میاوریم تعجب ما بیشتر میگردد آیا آنهم طریق تدریس و تعلیم بود؟ البته هیچکس درین بین مقصر نیست عمل هرکس نتیجه فهم و دانش اوست انطور فهمیده و دانسته شده بود همانطور نیز عمل میشد لله الحمد شماها جوانهای قابل و لایق و با معلومات امروزی مسلح شده اید و اصول تعلیم

و تربیت در نتیجه علم و دانش شما تغییر خواهد نمود شماها بیشتر و بهتر از پدران، خود دارای معلومات هستید از آنها باید ممنون شد که بقدر عقل و دانش خود این وسایل ناقص را فراهم آوردند و هرطور بود يك ترتيب اسمی هم بان دادند و شماها را باهمان وسایل ناقص تعلیم و تربیت نمودند روزگار نیز کمک کرد شماها باین درجه علم و دانش رسیدید و میدانید آن نواقص چیست و رفع آن چگونه میسر میشود اینک نوبت شماهاست .

من در ضمن گفتار خود اقوال بزرگترین مریدان، بشر را در باب تعلیم و تربیت انسان شاهد آوردم مخصوصاً در آن قسمت که چه معلوماتی برای انسان لازم است و قدر و قیمت هر يك از آنها در زندگانی بشر چیست و انسان از تحصیل آنها چه استفاده هائی باید ببرد و چه نتایجی را از فرا گرفتن آنها باید انتظار داشته باشد .

حال من با يك شوق و ذوقی باتیّه درخشان شماها نظر میکنم و امیدوارم آنروز بزودی برسد و نتیجه اعمال و افکار شماها را مشاهده کنم و یقین میدانم این وضع ناگوار تعلیم و تدریس را تغییر خواهید داد بجای آن يك اصول صحیح برقرار خواهید نمود که يك محصل ایرانی آنچه که تحصیل میکند بفهمد چه تحصیل میکند و اسباب و وسایل تحصیل او فراهم شده باشد .

در این عقیده هیچ تردید ندارم و یکی از حقایق مسلمه

است که تمدن امروزی نتیجهٔ مدرسه‌است تمدنی که از راه مدرسه تحصیل نشده باشد موضوع ندارد فرق بینی که بین شرقی و غربی است همین يك مسئله است شرقی از مدارس علوم و صنایع و حکمت و فلسفه بیرون نیامده پس متمدن نیست غربی از مدارس علوم و صنایع و فنون و حکمت و فلسفه بیرون آمده در این صورت متمدن است و از برکت تمدن است که دارای آن قوت و قدرت و توانائی شده است که عوامل طبیعت را مطیع و منقاد خود کرده بزمین و زمان حکمرانی میکند تا شرق نیز دارای این قدرت و قوت و توانائی نشده انسان متمدن بشمار نمی‌رود .

انتهی

چاپخانه خاور تهران خیابان لاله زار

صفحه	موضوع	صفحه	موضوع
۱۰۲۷۵	زراعت	۳۳	آبله
۱۵۷, ۱۵۴, ۹۸	ژاپون	۴۰	آب خوراکی
۶۳, ۵۶, ۵۲, ۴۳	سینسر (هربرت)	۷۱	ابریشم
۱۶۳, ۱۴۱, ۱۳۸, ۱۲۴, ۱۲۰, ۱۱۰		۹۰	اسکناس
۴۳	سن اطفال برای درس	۱۶۰, ۹۸	آلمان
۱۱۰, ۱۰۷	سیاسیون	۱۶۰, ۹۸, ۲۴	امریکا
۱۵۵	شاگردان اعزامی اروپا	۹۸, ۷۳, ۶۹, ۳۱, ۲۶	انگلیس
۹۳, ۴۷, ۷۳	صفویه	۷۳	ایطالیا
۱۷۶, ۱۲۲, ۱۱۲, ۱۱۰, ۷۷	عائله	۹۹, ۹۰, ۶۷	بانک
۵۱	علومیکه لازم است	۸۸	براون (ادوارد)
۱۱۴	غذای اطفال	۱۶۴	بیزمارک
۱۱۹, ۱۱۵, ۵۶	فیزیولوژی	۱۶۵	پروس
۸۲	قالی بافی	۱۳۵, ۷	پهلوی (اعلی حضرت)
۲۵	الباس اطفال	۱۰۶, ۹۷, ۹۴, ۸۵	تجار
۱۱۵, ۷	مادر جوان	۷۳	ترباک
۱۰۶, ۴۴, ۱۳	معلم و اهمیت آن	۱۷۳, ۸۵	تمدن اروپا
۱۰۲, ۹۶, ۹۲	معادن	۱۲۳, ۲۲	حفظ الصحه اطفال
۱۴۹	موسیقی	۴۱	خوراک اطفال
۹۵, ۹۰	نفت جنوب	۱۳۵, ۷۰	روسیه
۲۷, ۲۱	ورزش	۱۴۸	نقاشی
		۱۵۷, ۵۰	وزارت معارف

غلط نامه

صحيح	غلط	سطر	صفحه
مناسب	مناسبت	۸	۱۶
خنکی	خستگی	۱۱	۲۶
احساس	حساس	«	«
صفات	ضعیات	۷	۲۹
است	اینست	۸	«
	کلمه (اقا) زیاد است	۱۱	«
مترقی	مشرقی	۲۱	«
عنایت	سیاست	۳	۳۸
لازم	الزام	۶	۵۲
ضربان	جریان	۴	۶۲
هیچ	بهیچ	۶	۱۰۴
سنخ	نسخ	۱۶	۱۱۱
کسب	کتب	۲۰	۱۱۲
علمی باید	باید علمی	۱۹	۱۲۹
اجتماعات	اجتماعیات	۱۵	۱۳۲
مقدم	معدوم	۷	۱۴۴
	(سه) زیاد است	۱۴	۱۴۷
همین	یمین	۱۵	۱۴۸
بحیرت	بحدت	۲۰	۱۶۶
قاتل	غافل	۵	۱۸۰
نیست	بیست	۱۵	۱۸۱

آخری درج شدہ تاریخ پر یہ کتاب مستعار
کئی تہی مقررہ مدت سے زیادہ رکھنے کی
رہت میں ایک آنہ یومیہ دیرانہ لیا جائے گا۔

